

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
سنة ١٤٢٠

فصلنامه (دفع المذنبین عنی الامامین - شری)
سال چهارم، شماره هفتم

فصلنامه داخلی جامع

صاحب امتیاز: امام جماعت مسجد جامع شهرک غرب و مستول مدرسه علمیه الامام علی بن ابیطالب (علیه السلام)

آیت الله سید فلاح هاشمی تبریزی

مدیر مسئول: حجت الاسلام والمسلمین محمد بیکری

سر دبیر: دکتر نسیم حکیمی ها

مدیر هنری: احمد علیزاده

مدیر فنی و صفحه آرایی: علیرضا درخش احمدی

عکاسان: هادی احمدی، سعید حاتمی خواه

همکاران این نشریه: دکتر جهانفر، محمد داوود اردانی، سعید لواف، احمد عسگری، علیرضا رشیدی، محمد

علی بیروز دوانی، حمیدرضا امین الرعیان، محمد نوروزی، یوسف رحیمی، بهنام هزبرخواه، هادی احمدی، مهدی

احمدی، مهرداد رضائی نسا، سحر افلاکی، انسیه بیگلری، خاتم امیدبخش، خاتم صادقی

و حجج اسلام: روح الله علیرضا لوی، مهدی مهدوی، مجید آقابابا، نعمت اله زادی

مجوز رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به شماره: ۹۱/۳۶۱۶۴

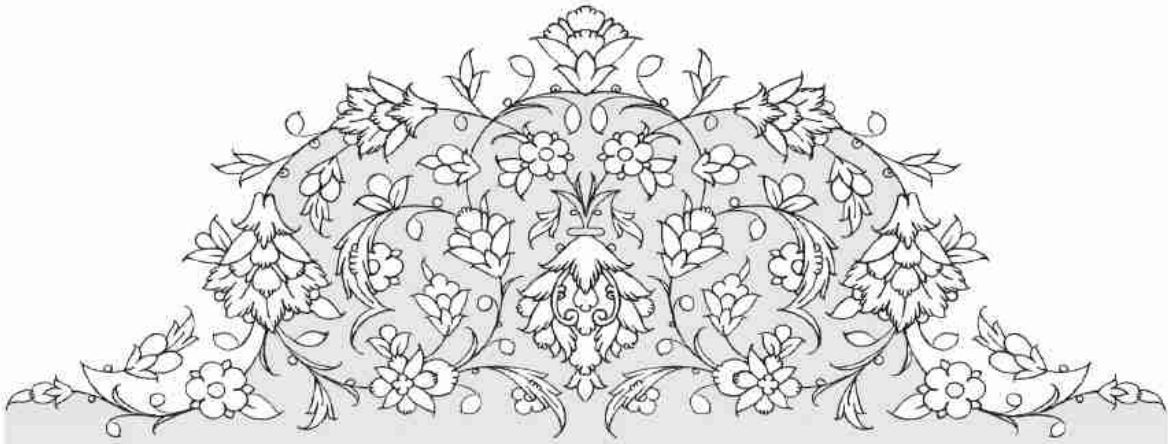
نشانی: تهران، شهرک غرب، میدان صنعت، مسجد جامع شهرک

وبسایت: www.masjedjame.com | پست الکترونیک: info@masjedjame.com

فهرست

۴۶	گزارش تصویری از ایام اعتکاف
۵۲	گزارش تصویری از ماه مبارک رمضان
۶۰	اقتصاد مقاومتی با مبنایی کاملاً علمی
۶۲	مسئله جمعیت
۶۴	نعمه نباتی
۶۵	یک سوزن به خود (۲)
۶۶	ایستگاه خاکستری
۶۸	تفاوت شکایت کیفری و دادخواست حقوقی
۷۰	سیک‌های نقاشی (بخش اول)
۷۲	هدیان عظمت یا پارانوئید
۷۳	دز اوو
۷۴	ورزش برای سالمندان
۷۶	ورزش و تأثیر آن از نگاه ادله اربعه
	آشنایی با برخی میوه‌های تابستانی
۷۸	از دیدگاه طب سنتی
۸۰	مرغ و قارچ خامه ای
۸۱	سوپ عدس قرمز
۸۲	نسل جدید نابری‌های بدون باد
۸۳	پسر آسمان؛ عجیب‌ترین کوهستان دنیا
۸۴	اسپ نرم افزاری به صرفه و کاربردی
۸۶	معرفی فعالیت های واحد خواهران
۸۷	جدول
۸۸	ارتباط ما
۸۸	انتقادات و پیشنهادات

۴	جوانان و عبادت
۶	خوشنویسی های مسجد جامع اثر کیست؟
۹	ای مونس دبرینه ام
۱۰	شروط فهم قرآن
۱۲	انسان در قرآن
۱۳	اهمیت نماز صبح
۱۴	امامت در قرآن
۱۶	انسان آینه حق نما
۱۸	تأملتی در واژه عبد
۱۹	نعمت جوانی
۲۰	عوامل ایجاد بیوند میان مسجد و جوانان
۲۲	مسجد و سلامت اجتماعی
۲۴	متنی زیبا از شهید بهشتی در مورد نماز
۲۵	کتاب اسرار نماز
۲۵	نوشته شهید ثانی
۲۶	مضاحبه ای خوالدنی از جرح خرداق مسیحی
۲۸	بحار الانوار
	نگاهی به زندگی و شخصیت
۳۰	حضرت عبدالعظیم حسنی (ع)
۳۳	وصیت‌نامه شهید محمدعلی رضوانی
۳۴	وصیت‌نامه شهید جعفر سلیمی
۳۵	کلنا عباسک یا زینب
۳۶	سرتیب خلیان محمد اسماعیل بیروان
۳۸	خیبرسکنان (۳)
۴۰	گزارش تصویری از ایام فاطمیه



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال زين العابدين و سيد الساجدين علي بن الحسين عليه الصلاة و السلام في لسان الدعا:

وَ عَبَدْتَنِي لَكَ وَ لَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعَجَبِ

خدایا مرا توفیق ده تا مطیع و سده و فرمانبردار تو باشم. خدایا این عبادت و پرستش مرا با عجب و خودبرگ بینی من، فاسد نکن مرحوم شیخ بهایی در جلد ۱ صفحه یازدهم از کتاب کسکول خود آورده است که:

فردی، به ادای نماز جماعت عادت داشت و البته این عمل قابل تقدیر است که انسان نماز های یومیه را در مسجد و با جماعت بخواند، و سنتش هم این بود که در صف اول نماز جماعت و پشت امام جماعت بایستد (و به این کار خود می نالید و در دلش خوشحال بود که چنین امتیازی دارد.) یکی از روزها، قدری دیر به مسجد رسید و جای همیشگی خود را اشغال شده دید، به ناچار در صف دوم یا سوم ایستاد، نماز که شروع شد احساس حقارت کرد که چرا جای من اشغال شده و من محبور شدم در این جا بایستم. وقتی به خود آمد دید که نماز جماعتی که در طول سی سال خوانده است خالص نبوده، بلکه آلوده به خودنمایی بوده است.

آری خود بینی بلکه خودبرگ بینی عملیست که در انسانهای ظاهر الصلاح به وجود می آید و کسی که دچار عجب می شود به دنبال آن به ضعیفی آلوده می شود که «ادلال» نام دارد و ادلال به این معناست که فرد خود بزرگ بین خود را صاحب حق و مقبول نزد خداوند می بندارد. چنین کسی که همیشه توهم بهترین را برای خود ثابت شده می داند و شکوه و جلال در دنیا و بهشت در آخرت را حق طبیعی و بدیهی خود می انگارد و در نتیجه خود را از بدبیش نصیحت دیگران مستغنی دانسته چون نقطه ضعیفی در خود نمی بیند.

در کتاب شریف معراج السعادة حدیث مهمی از پیامبر اکرم علیه آله و التحیه و الکرم نقل شده است که آن حضرت می فرماید:

اگر هیچ گناهی نکتید برای شما می ترسم از چیزی که بدتر از معصیت است و آن عجب است.

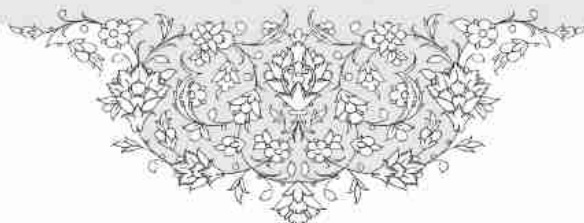
این فصلنامه، نشریه ای که به فضل و عنایت خداوندی و به برکت همت جمعی و تلاش گروهی نگارندگان، گردآورندگان و دست اندرکاران با صفای مسجد جامع شهرک غرب و به تدبیر خردمندانه ی امام جماعت عالم این مسجد حضرت آیت الله هاشمی تبریزی ادام الله طله به زیور طبع و نشر آراسته شده است. و همچنین محتاج بسد و یاری خوانندگان و اهالی محترم مسجد است.

خداوند، این تلاش اندک را از آفت عجب محافظت فرما و حسن عاقبت نصیب فرامه کنندگان و مخاطبان این فصلنامه بفرما

آمین یا رب العالمین

مدیرمسئول فصلنامه جامع

محمد پیکری



جوانان و عبادت

بیانات حضرت آیت الله هاشمی تبریزی حفظه الله تعالی

قال رسول الله (ص)

إِنَّ الْعَبْدَ لَا تَزُولُ قَدَمَاهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ عَمْرِهِ فِيمَا أَفَاءَ
وَعَنْ شَيْبَاهُ فِيمَا أَبْلَاهُ

در قیامت هیچ بنده‌ای قدم از قدم بر نمی‌دارد تا به این پرسش ما جواب دهد،
اول: عمرش را در چه کاری بکار برده است؟

دوم: جوانی‌اش را در چه راهی تمام کرده است؟

همچنین از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است که: **شَيْئَانِ لَا يَعْرِفُ فَضْلَهُمَا
الْأَمْنُ فَقَدْ هَمَّا، النَّسَابُ وَالْعَاقِبَةُ**

دو چیز است قدر و قیمتشان را نمی‌شناسد مگر کسی که آن دور از دست‌داده باشد
یکی جوانی است و دیگری سلامتی، تندرستی و عاقبت.

آئین مقدس اسلام توجه مخصوصی به نسل جوان داشته است، جوانان را
از هر جهت (اخلاقی، اجتماعی، روانی و تربیتی) تحت مراقبت قرار داده است و در
تمامی خانواده‌ها بین تمام ملل و اقوام، جوانی مورد توجه مخصوص بوده است.
ایام جوانی رسیدن به مرتفع‌ترین و عالی‌ترین منازل زندگی است روح جوان
لربر از آمال و آرزو و سرشار از عشق و امید است و انسان در هر موقعیتی به
هر آنچه از مادیات و معنویات بخواهد، برسد؛ در جوانی میسر است بزرگان
و اساتید ما در حوزه‌ها بما توصیه می‌کردند که به هر مقامی که می‌خواهید
برسید، از مقام عالی علمی و عملی گرفته تا عرفان حقیقی و ارتباط و وصل

به حقیقت و رسیدن به مقام عالی معنوی در جوانی میسر است. مرحوم
استاد شیخ محمدتقی جعفری تبریزی از استاد خود شیخ مرتضی طالقانی
نقل می‌کند: که به اصفهان رفتم، مدرسه‌ای که ایشان تدریس می‌کرد درس
تمام‌شده در حجره در حال استراحت بودند، اجازه گرفتم وارد شدم سلام
کردم و تقاضای موعظه کردم، فرمودند:

تا رسد دستت به خود شو کارگر

چون فتی از کارخواهی زد به سر

می‌گوید: بعد از این وعظ هر وقت از مطالعه خسته می‌شدم چارو به دست
می‌گرفتم و مشغول نظافت می‌شدم تا معطل و بی‌کار نمانم

ناز پرورده تنعم نبرد راه بدوست

عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد

اگر بخواهیم به مراتب عالی‌تر در معنویت و مقامات علمی بالا برسیم، باید
ارتباطمان را با خدا صمیمی کنیم. جوان باید خود را عادت بدهد که حداقل
نمازش را در اول وقت اقامه کند از خواندن قرآن هر روز عفت نکند، مخصوصاً
مواقعی قبل از اذان صبح، نماز شب را اقامه کند و روحیه معنوی خود را
تقویت کند؛ زیرا که جوانی منزل قوت و نیرومندی اتمام زندگی است که از
هر دو طرف محفوف به ضعف و ناتوانی است از طرفی ضعف اتمام کودکی از
طرفی دیگر ناتوانی دوران پیری.

در ذات انسان تمایل به معرفت الهی و علاقه به ماوراء طبیعت وجود دارد که
همان تمایل به مذهب است.

گویی خداوند حکیم به صورت پیشگیری قبل از طغیان طوفان غرابز و طغیان
شهوت وسیله مهار کردنشان را آماده نموده است فلذا باید اساس مذهبشان
به راه صحیح هدایت شود و موجبات پرورش جوان را فراهم آورد از عوامل
موثر در تحکیم دوستی و محبت پروردگار عنادات واجب و مستحبی که در
اسلام تشریح شده و دعا و نیایش در پیشگاه الهی است.

نماز از عبادات بزرگ اسلامی و وسیله قرب معنوی به پروردگار عالم است،
نماز عامل ارتباط مستقیم خلق و خالق است. نمازگزار روزی چند مرتبه به
پیشگاه خدا می‌رود و مراتب عبودیت و فرمان‌برداری و بندگی و اخلاص و
دوستی خود را با محبوب خویش تشدید می‌کند با وی با صدق دل سخن



شمارا سفارش می‌کنیم که با جوانان به نیکی رفتار کنید چراکه آن‌ها نازک‌دل‌اند.

پیامبر فرمودند: اغْتَنِمُ حَمْسًا قَبْلَ حَمْسِ سَنَانِكَ قَبْلَ هَرَمِكَ (که مورد بحث ما است) جوانی را قبل از پیری و صحتک قبل سقمیک و عیناک قبل قفرک و فراغک قبل سعلک و حیاتک قبل موتیک (شکوة النوار طبرسی ص ۳۹۸)

باز فرمودند: **إِنَّ اللَّهَ مَلِكٌ يُنزلُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ بِنَادِي بَأَنْبَاءِ الْعَشْرِينَ جَدُوا وَاجْتَهِدُوا** (مستدرک الوسائل نوری جلد ۱۲ ص ۱۵۷) پروردگار فرشته ای دارد که هر شب نازل می‌شود، بانگ می‌زند: ای بیست‌ساله‌ها تلاش و جدیت کنید

باز فرمود: **إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ، فَتَعَرَّضُوا لَهَا،** در ایام زندگیتان نسیم‌های رحمتی می‌رود مراقب باشید خود را در معرض آن قرار دهید (بخار الانوار)

بِأَعْيُنِ الْعَشْرِينَ حَضُّوا أَعْرَاضَكُمْ بِالْأَدبِ وَ دِينِكُمْ بِالْعِلْمِ

ای گروه جوانان آبرویتان را با ادب و دین خود را با دانش حفظ کنید

فرمود: **إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الشَّابَّ الَّذِي يَقْنِي سِنَانَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ**

خداوند جوانی را که جوانی‌اش را در اطاعت خداوند صرف کند دوست می‌دارد

مَنْ أَحْسَنَ عِبَادَةَ اللَّهِ فِي شِبَابِهِ لَفَاهُ اللَّهُ الْحِكْمَةَ عِنْدَ شَيْبِهِ

هر که در دوران جوانی نیکو پرستش کند خدا، راه خدا در پیری حکمت را به وی القا می‌کند

جوانی نبی اکرم ما توأم بود با بزرگواری و عفت نفس و کرم و الفت و پیمان با جوان‌های مکه در مقابل تعدیات قنائل سرکش از جمله پیمان «حلف الفضول» همیشه حضرت از آن به نیکی یاد می‌کرد و می‌فرمود الآن هم به آن وفادارم که دفاع از محرومان و ستم‌دیدگان و مبارزه با ستمگری بوده می‌فرمود:

حاضر نیستم این پیمان را با شتران سرخ‌موی عوض کنم (طیقات الکبری جلد ۱)

جوانان با الهام از فطرت پاک خود، گرد پیامبر جمع می‌شدند حضور جوان گرد پیامبر، در کلام حضرت محمد (ص) به این گونه وصف شده است

إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي بِشَبْرٍ وَ نَذِيرٍ فَأَخْلَفَنِي الشَّبَانَ وَ خَالَفَنِي الشَّبِيخَ (کتاب جوان فلسفی)

از جمله جوانان مصعب ابن عمر بود از خانواده‌ای اعیان و ثروتمند مکه بود با ناز و نعمت بزرگ‌شده و جوانی بود بسیار زیبا و شیک پوش و از بهترین عطرها استفاده می‌کرد حتی مدتی هم پدر و مادرش او را در خانه حبس کردند

در سال پنجم بعثت در ماه رجب از زندان گریخت و به حبشه هجرت کرد در سال دوازدهم بعثت با هفت نفر از اهل مدینه که به‌عنوان نماینده خاص پیامبر در مدینه بودند، به مردم قرآن پیام‌آورد. حضور مبلغ جوان در مدینه بسیار مثبت بود و در نمازهای مسلمین در مدینه امامت می‌کرد و او نخستین نماز جمعه را در مدینه اقامه نمود و به دست او بزرگانی به اسلام گرویدند

از جمله سعد بن معاذ و بزرگانی از طوایف اوس و خزرج و ...

در جنگ اُحد وی به شهادت رسید.

از دیگر جوان‌های مشهور، صحابه پیامبر، عبدالله بن مسعود و جوان بیست‌ساله حابر ابن عبدالله انصاری، سعد بن مالک، معاذ بن جبل و غیر هم بودند

در خاتمه امیدوارم جوان‌های ما با الهام گرفتن از جوانان صدر اسلام همیشه باکمال شجاعت و همت عالی عمل به واجبات نموده و مستحبات هم به مقدار متعارف اقامه نموده و از گناه و محارم جداً اجتناب نموده در راه تعالی خود و جامعه اسلامی ایرانی فداکاری نموده که نمونه‌اش در جنگ هشت‌ساله جوانان شجاع ایرانی چگونه پایداری کردند و دشمن متجاوز را شکست دادند

و در دنیای اسلام حماسه بزرگ آفریدند.

چرا هم الله خیراً والسلام

می‌گوید و رحمت و عنایتش را به خود جلب می‌کند و از خداوند باری و استعانت می‌جوید و عزم و اراده خود را که ضعیف است با اراده توانای الهی تقویت می‌کند بدینوسیله بر تمایلات نفسانی حاکم می‌شود و دامن خود را از بلیدی‌های گناه مضمون نگه دارد

إِنَّ الصَّلَاةَ تَهَيِّئُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ

نماز آدمی را از کارهای زشت و گناه باز می‌دارد

در ثلث آخر شب نمازگزار با محبت الهی بستر نرم خواب را ترک می‌کند و برای اقامه نماز شب و شمع و وتر به پیشگاه خدا می‌رود و با معشوق خود خلوت می‌کند و با وی راز و نیاز می‌کند و اشک محبت می‌ریزد، جوانی که در جوانی با این عمل روحانی و هیجان درونی این نیایش و مناجات نیمه‌شب را ادا می‌کند خداوند هم به او نورانیت و صفا می‌بخشد و ایمانش را محکم‌تر و محبتش را نورانی می‌کند

مرحوم حاج میرزا حواد ملکی تبریزی در کتاب اسرار الصلوة می‌نویسد:

خود خداوند می‌آید او را وادار به راز و نیاز می‌کند، اینجا دیگر معشوق دنیال عاشق می‌گردد «صید بی صیاد دودین مژه دارد»

در حدیث آمده که شما چهل روز مواظبت کنید از معاصی بزهیز کنید دنیال ما باشید ما بعداً خودمان مواظب شما خواهیم بود نمی‌گذاریم به خطا بروید،

إِنَّ الدِّينَ أَمْنًا وَ عَمَلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا؛ خداوند در دل‌ها حکومت می‌کند، مَنْ اصْلَحَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ اصْلَحَ اللَّهُ دُنْيَاهُ وَ

آخِرَتَهُ، خداوند هم در دنیا و در آخرت او را اصلاح می‌کند

نماز واقعی نه تنها والاترین عامل تدافعی جوان و نوجوان در مقابل هجوم خرافات اخلاقی تلقی می‌شود بلکه عاملی تهاجمی علیه خرافات نیز محسوب می‌گردد، جوان و نوجوان عاشق خدا و معنویت‌گرا نه تنها در مقابل حمله خرافات عقب نمی‌نشیند بلکه بر آن بورش می‌برد و آن را از دامن اجتماع می‌زداید. بهترین موقعیت برای یقین و مشخص کردن هويت خود در نوجوانی است که مربیان و دانشمندان و علمای اخلاق در این موقع است

که در جستجوی هويت خویش بوده‌اند. تقویت هويت اسلامی و الهی شامل سه ضلع است: ضلع اول وراثت، ضلع دوم تربیت، ضلع سوم محیط است باید عوامل سه‌گانه را مورد بررسی قرار داد و نتیجه‌گیری کرد چون افکار هر شخصیتی از همین عوامل سه‌گانه سرچشمه می‌گیرد.

وراثت: این قانون را تمامی دانشمندان بزرگ قبول دارند پدر و مادر بد اخلاق در اولاد اثر می‌گذارند، پدر و مادر معتاد مؤثر می‌شوند در اولاد.

روزی شخصی به پیامبر عظیم شأن ما عرضه داشت آیا من با یک زن نادان و سبک‌عقل ازدواج بکنم، فرمودند: نه چون همان نادانی از مادر به فرزند اثر می‌گذارد

تربیت: که دوران تحصیل که در پرورش روحیات و هويت بخشی بر او مؤثر است بسیار اثر بخش است

محیط: که تأثیر بسزایی دارد که می‌تواند به کل جوان را تغییر دهد

در صورتی که هر سه مرحله پاک و پاکیزه باشد. به احتمال نود درصد که این جوانان که گرایش مذهبی و دینی دارند متدین و با اخلاق و بارآده، قوی و سالم به بار می‌آیند.

پیامبر اکرم می‌فرمود: **أَوْصِيكُمْ بِالشَّيْءِ خَيْرًا فَإِنَّهُمْ أَرْقُ أَقْتَدَةُ** (سفینه البحار جلد ۲ ص ۱۷۶)



خوشنویسی های مسجد جامع اثر کیست؟

گزارشگر: هادی احمدی

زندگی نامه

احد ترابی به سال ۱۳۲۵ خورشیدی در روستای کود زر، مشک‌آباد اراک چشم به جهان گشود. باری او از نوجوانی به خوشنویسی آن روزگار (انجمن خوشنویسان فعلی ایران) راه یافت و به شاگردی دو استاد گرانمایه حضرات سید حسین و سید حسن میرخانی (سراج‌الکتاب) رحمة الله علیهما که از بهترین و زبده‌ترین نستعلیق‌نویسان این عصر بوده‌اند مفتخر گردید و از محضر فیاض آن بزرگواران کمال استفاده بنمود.

در سال ۵۴ به اخذ مدرک ممتاز از انجمن مذکور توفیق یافت و چون علاوه بر قلم نستعلیق از همان آغاز به کار خوشنویسی شوری و عشقی فراوان به یادگرفتن خط نسخ و ثلث برای نوشتن کتیبه‌های مساجد داشت لذا باره‌نمایی استاد آقا سید حسن میرخانی این کار را شروع کرد و آن را نیز بیاموخت که تاکنون هم به آن ادامه داده است.

وی در طول این چند سال توانسته است بیش از ۱۰۰۰ کتیبه برای مساجد ایران و دیگر کشورها: (الازهر مصر، سوریه، مسکو و کتیبه سر درب سفارت ایران در مسکو) را خوشنویسی کند، همچنین آرم کنفرانس سران اسلامی (به میزبانی ایران) را با خط ثلث تحریر نموده است.

در سال ۱۳۵۹ خ پس از پیروزی انقلاب اسلامی وارد نخست‌وزیری گردید و به‌عنوان خوشنویس در این نهاد مشغول خدمات می‌باشد. ترابی باوجود مشغله فراوان در کنار کارهای سنگین هنری از تعلیم به شاگردان نیز غفلت نکرده است. ایشان بنیان‌گذار گنجینه مشاهیر ایران و اسلام (برگرفته از خطوط نسخ و ثلث و نستعلیق، شکسته و کوفی) با نظارت فرهنگستان و در محل فرهنگستان هنر می‌باشند.

نکنه‌ای دیگر که پیرامون ارزشیابی آثار قلمی و کیفیت هنری این هنرمند قدیمی ذکر آن ضروری می‌نمایند آن است که این مرد رحمت‌کشیده و بااستعداد در تحریر خطوط مختلف استعدادی شایان از خود بروز داده هم‌قلم ریز کتایی را به گرمی و شیرینی تمام می‌نویسند و هم از عهده تحریر قلم‌های جلی به‌خوبی برمی‌آید و در نوشتن سایر اقلام خطوط نیز بحمدالله لیاقت تحسین یافته است:

در زمان نماسازی مسجد، معمار و مهندسین مسجد کار خطاطی مسجد را به ایشان واگذار کردند و با انتخاب آیات و متون توسط امام جماعت مسجد حضرت آیه الله هاشمی تبریزی کار خوشنویسی را آغاز می‌کند. در این مسجد حدود دو هزار متر خوشنویسی شده است که هزار متر آن دعای جوشن کبیر است و معمولاً خط استفاده‌شده ثلث می‌باشد.

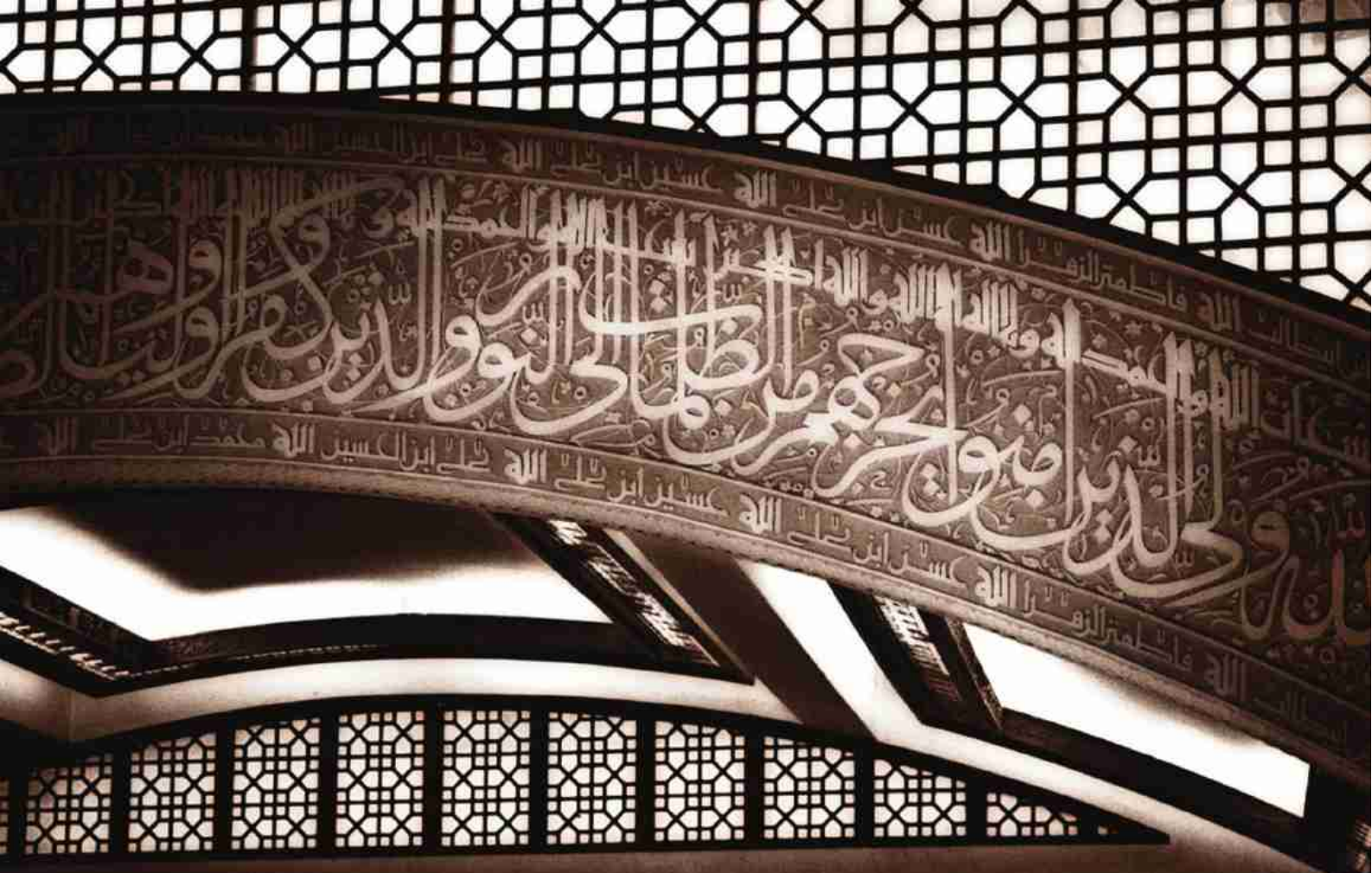
آشنایی با مسجد جامع:

در زمان نماسازی مسجد، معمار و مهندسین مسجد کار خطاطی مسجد را به ایشان واگذار کردند و با انتخاب آیات و متون توسط امام جماعت مسجد حضرت آیه الله هاشمی تبریزی کار خوشنویسی را آغاز می‌کند.

در این مسجد حدود دو هزار متر خوشنویسی شده است که هزار متر آن دعای جوشن کبیر است و معمولاً خط استفاده‌شده ثلث می‌باشد.

هرکسی را بهر کاری ساختند
مهر آن را در دلش انداختند







ای مونس دیرینه ام

در دل توئی در جان توئی ای مونس دیرینه ام
در سینه بریان توئی ای مونس دیرینه ام
ای تو روان اندر بدن ای هم تو جان و هم تو تن
ای هم تو حسن و هم حسن ای مونس دیرینه ام
هم دل تو و هم سینه تو گوهر تو و گنجینه تو
دینه تو و دیرینه تو ای مونس دیرینه ام
بارم دهی آیم برت ورنه بمانم بردرت
ای لم یزل من چاکرت ای مونس دیرینه ام
بارم دهی خرم شوم ردم کنی درهم شوم
از تو زیاد و کم شوم ای مونس دیرینه ام
راهم دهی بینا شوم ردم کنی اعما شوم
از تو بدو زیبا شم ای مونس دیرینه ام
لطفم کنی گلشن شوم قهرم کنی گلخن شوم
گه جان شوم گه تن شوم ای مونس دیرینه ام
خواهی بخوان خواهی بران دل در تو دل بست از ازل
گشتم ز تو مست از ازل ای مونس دیرینه ام
جان لم یزل در وصل بود یک چند هجرانش ربود
آخر همان گردد که بود ای مونس دیرینه ام
فیض است و گفتگوی تو شیدای جستجوی تو
شیء الهی کوی تو ای مونس دیرینه ام

فیض کاشانی



شروط فهم قرآن

از نظر شهید مطهری

شبکه تخصصی قرآن تبیان

است؟ فلسفه است؟ تاریخ است؟ ریاضی است؟ ... هیچ کدام؟ پس چیست؟ کتاب هدایت است!! هدی.»

اما نکته مهمی که وجه جداکننده دیدگاه مطهری از دیگران است، این است که ایشان مبدأ و مآخذ این انتظار را خود قرآن می‌داند نه تصورات و توهمات بیرون و بیگانه از آن. وی در این زمینه قرآن را نه صامت، بلکه دارای زبان گویایی می‌داند که به روشنی رسالت و هدف و به‌طور کلی ماهیت خودش را بیان کرده است.

بنابراین از نگاه مطهری بآنکه تعیین انتظار از قرآن، یک پیش‌شرط ضروری در شناخت قرآن و قضاوت درست نسبت به مفاهیم و آیات آن به شمار می‌آید، اما آسختور آن خود قرآن است؛ در خود قرآن با توجه به آیات صریح و روشن آن باید جست‌وجو کرد.

کنار نهادن ذهنیتهای پیشین

نکته دیگری ایشان مطرح کرده است که به گونه‌ای با این مسئله ارتباط پیدا می‌کند و آن ذوق‌ها و سلیقه‌هاست. استاد بر این نکته اصرار دارد که فهم صحیح قرآن، بسته به آن است که انسان همه سلیقه‌ها و همچنین دآوری‌های پیشین خود را درباره موضوعی که در آیات مطرح است کنار بگذارد و با ذهن خالی به آیات مراجعه کند. ذوق و سلیقه‌ها و خواسته‌های پیشین، مانع از رسیدن به معانی و مفاهیم قرآن و باعث تحریف و تأویل آن می‌گردند:

«روشن‌تر اینکه نباید قرآن را موافق ذوق و ذائقه خود تفسیر کنیم یا مورد استشهادهای قرار دهیم، بلکه ذوق خود را باید بر قرآن تطبیق دهیم؛ اگر قرآن را پیشوای خود قرار داده‌ایم باید ذوق ما ساخته شده بر موازین قرآن محید باشد.»
در جای دیگر درباره تحریفات و تأویلات برخی روشنفکران از آیات قرآن می‌نویسد: «فکر می‌کنم ریشه اصلی گرایش باره‌ای روشنفکران مسلمان به مادت تاریخی دو چیز است: یکی همین‌که پنداشته‌اند اگر بخواهند فرهنگ اسلامی را فرهنگ انقلابی بدانند و یا اگر بخواهند برای اسلام فرهنگ انقلابی

این موضوع که آیا قرآن شرایط ویژه‌ای برای فهم دارد یا نه و اگر دارد آن شرایط کدامند، از موضوعاتی است که شهید مطهری بیش از هر موضوع دیگری درباره آن سخن گفته است. علت این امر شاید تحریف‌ها و تأویل‌هایی بود که در زمان ایشان از سوی گروه‌های التقاطی نسبت به مفاهیم قرآن صورت می‌گرفت.

استاد مطهری معتقد است که فهم قرآن مند و بزه‌ای دارد که در خارج خوب ضابطه‌های ویژه و معین شکل می‌گیرد و بدون فراهم بودن آن ضابطه‌ها که تعیین‌کننده فهم صحیح از سقیم است، هرگونه برداشتی از قرآن برداشت انحرافی و غیرقابل اعتماد است.

انتظار از قرآن

نخستین پیش‌شرط شناخت و فهم قرآن، تصحیح توقع و انتظاری است که مفسر از هدف و رسالت قرآن باید داشته باشد. این مطلبی است که استاد مطهری نیز بر آن تأکید دارد:

«اولین چیزی که در شناخت قرآن و نزدیک شدن به آن مطرح است این است که بدانیم اصولاً قرآن برای چه نازل شده و ماهیت آن چیست تا در اصالت آن دچار شک و تردید نشویم، زیرا هر کتابی که انسان نداند برای چه نوشته شده و هدف آن چیست، نمی‌تواند به‌هیچ‌وجه روی آن اظهار نظر کند.»
اما نکته مهمی که وجه جداکننده دیدگاه مطهری از دیگران است، این است که ایشان مبدأ و مآخذ این انتظار را خود قرآن می‌داند نه تصورات و توهمات بیرون و بیگانه از آن. وی در این زمینه قرآن را نه صامت، بلکه دارای زبان گویایی می‌داند که به روشنی رسالت و هدف و به‌طور کلی ماهیت خودش را بیان کرده است و از این رو آنجا که خود، دیدگاهش را درباره این موضوع مطرح می‌کند به قرآن تکیه می‌کند:

«حال ببینیم واقعاً قرآن چه کتابی است و برای چیست؟ آیا کتاب طب

یک آیه از آیات قرآن را حدا کنیم و بگوئیم تنها همین یک آیه را می‌خواهیم بفهمیم شیوه درستی اتخاذ نکرده‌ایم.»
«استناد به یک آیه قرآن بدون توجه به آیات دیگر قرآن حایز نیست، برای آن که بعضی از آیات قرآن آیات دیگر را تفسیر می‌کند، یعنی آن که قرآن را باید در کل مطالعه کرد نه در یک جزء؛ مطالعه قرآن در یک آیه یا چند آیه جداگانه سبب گمراهی انسان می‌شود. تمام آیات قرآن با یکدیگر پیوسته است و کسی می‌تواند آیات قرآن را تفسیر کند که به نحوی در همه آیات قرآن تسلط داشته باشد و آیات را از هم مجزا نکند.»

تأکید بر به هم پیوستگی آیات با یکدیگر و در نتیجه شیوه خاصی که فهم قرآن آن را می‌طلبد و نیز پیش‌شرط آشنایی با مجموع آیات، در موارد متعددی از آثار و نوشته‌های مطهری دیده می‌شود که جهت اختصار از آن صرف‌نظر می‌شود.

آشنایی با سنت

تأکید استاد مطهری بر تفسیر قرآن با قرآن، وی را از ضرورت و توجه به سنت در فهم قرآن غافل نمی‌کند، گرچه ایشان جایگاه و مرحله مشخصی را برای سنت در فرایند فهم قرآن تعیین نمی‌کند. به این معنی که در چه مواردی و در کدام مرحله نیاز به سنت به وجود می‌آید؛ و همچنین از نحوه ارتباط تفسیر به کمک سنت و شیوه تفسیر قرآن با قرآن سخن نمی‌گوید، اما بر این نکته اصرار می‌ورزد که شناخت سنت و روایات یک امر ضروری در فهم قرآن است و نقشی مؤثری در آن دارد:

«شرط سوم، آشنایی با سخنان پیامبر (صلی الله علیه و اله) است... روایات معتبری که از ائمه علیهم السلام رسیده نیز همان اعتبار روایات معتبری را دارد که از ناحیه رسول خدا رسیده است، و لهدا روایات موثق ائمه کمک بزرگی است در راه شناخت قرآن.»

شناخت تاریخ اسلام و اسباب نزول

از امور دیگری که استاد مطهری به‌عنوان مقدمات فهم قرآن یاد می‌کند آشنایی با تاریخ اسلام و رویدادهایی است که در زمان حیات پیامبر اکرم پدید می‌آید و باعث نزول وحی می‌شود. از آنجاکه نزول آیات همراه با واقعیت‌ها و با به‌بای حوادث صورت می‌گرفت طبیعی است که آشنایی دقیق با آن رویدادها تا حدود زیادی در روشن شدن مضمون و محتوای آیات مؤثر و راهگشاست، ۹ با اذعان به اینکه این حوادث و رویدادها نقشی در مرزبندی و تعیین گستره مفهومی آیات ندارند و به‌اصطلاح، با مورد خود آیات را تخصصی نمی‌زنند.

آشنایی با زبان و قواعد عربی

این شرط نیز با توجه به زبان قرآنی که زبان عربی است و به طبع ویژگی‌های خاص خود را دارد امری بدیهی به نظر می‌رسد و به خاطر همین وضوح و بدهاشتن مرحوم مطهری زیاد از آن سخن نمی‌گوید، تنها به این اشاره بسنده می‌کند که: «یکی از شرط‌های ضروری شناخت قرآن، آشنایی با زبان عربی است» ۱۰ اما مسائل دیگری امروزه در زبان مطرح است که در آثار شهید مطهری از آن سخن نرفته است؛ به‌عنوان نمونه با توجه به دگرگونی واژه‌ها و حیات و مرگ زبان‌ها، آیا معیار در مفاهیم لغت، مفاهیم زمان نزول و پیش از آن، یعنی دوران جاهلیت است، یا به لحاظ آن که قرآن برای همه نسل‌ها و عصرها آمده است، همه دگرگونی‌های زبان در چارچوب مفاهیم آیات می‌گنجد؟ و همین‌طور آیا آداب و عادات، اندیشه‌ها و تصورات و به‌طور کلی فرهنگ عرب و جاهلیت در تبیین مفاهیم آیات نقش دارند یا نه؟ و... تا جایی که آثار شهید مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت، سخنی در این زمینه از ایشان دیده نشده است.

به‌رحال آنچه یاد شد عوامل و عناصری است که از نگاه مطهری در فهم قرآن مؤثر است و نادیده گرفتن آن باعث کج‌فهمی و بدفهمی قرآن می‌گردد. خود شهید نیز آنجا که به تفسیر قرآن می‌پردازد یا برخی برداشت‌های انحرافی را نقد می‌کند، بر این عناصر تکیه می‌کند و با این کار در عمل التزام به آن‌ها را نشان می‌دهد.

دست‌وپا کنند، گریزی از گرایش به مادت تاریخی نیست. باقی سخن آن که مدعی می‌شوند شناخت قرآنی ما چنین الهام می‌کند، بازتاب شناخت ما از قرآن چنان است، از آیه استضعاف این گونه استنباط کرده‌ایم، همه بهانه و نوجوهی است برای این پیش‌اندیشه، و همین‌جاست که سخت از منطق اسلام دور می‌افتند و منطق پاک و انسانی و فطری و خدایی اسلام را تا حد یک منطق ماتریالیستی تنزل می‌دهند.»

از این سخن چنین استنباط می‌شود که قدر مسلم، دیدگاه‌ها و گرایش‌های فکری که آگاهانه نسبت به یک موضوع انتخاب می‌شوند، نباید بر آیات تحمیل شوند. برعکس باید ذهن را از آن‌ها خالی کرد و البته این کار شدنی است، اما آیا مجموع معلومات و اطلاعات کلی انسان که فضای فکری او را شکل می‌دهد، نیز این حکم را دارد یا خیر؟ از سخنان فوق نمی‌توان چیزی در این زمینه به دست آورد، بلکه شاید بتوان از سخنان پیشین راجع به عوامل مؤثر در به فعلیت رسیدن قابلیت مفاهیم آیات در معانی متعدد، خلاف آنچه در اینجا آمد، استنباط کرد، به‌ویژه که خالی کردن ذهن از تمام اندوخته‌ها امری ناممکن می‌نماید.

تعقل و تزکیه

یکی از نکته‌هایی که مطهری روی آن تأکید دارد و بی‌خبری با غفلت از آن را موجب خطا و لغزش در فهم قرآن می‌داند، تعقل و تزکیه است. از نظر استاد شهید، قرآن با دو زبان سخن می‌گوید و از دو ابزار برای ارتباط با مخاطبانش بهره می‌گیرد؛ یکی عقل و دیگری دل. گاهی قرآن با زبان عقل که منطق و استدلال است سخن می‌گوید، و گاهی با زبان دل که احساس است. مفاهیم قرآن، تنها برهان و استدلال نیست. گاهی موعظه و تذکر نیز هست که دل را به تپش و تحرک وامی‌دارد. کسی که می‌خواهد قرآن را بفهمد باید هم با زبان عقل آشنا باشد و هم با زبان دل، یعنی هم قدرت استدلال و توانایی اندیشیدن داشته باشد و هم روح شفاف و قلب پاک، زیرا احساسی که از قلب محصور در جنبه غریب و کشش‌های حیوانی پدید آید احساس قلب نیست، بلکه هواهایی است که با طبیعت قلب و فطرت الهی بیگانه است:

«... درک معانی قرآن نیز ویژگی‌هایی دارد که باید به آن توجه داشت... یک وظیفه قرآن، یاددادن و تعلیم کردن است. در این جهت مخاطب قرآن عقل انسان خواهد بود و قرآن با زبان منطق و استدلال با او سخن می‌گوید. اما به‌جز این زبان، قرآن زبان دیگری نیز دارد که مخاطب آن عقل نیست، بلکه دل است، و این زبان دوم احساس نام دارد. آن که می‌خواهد با قرآن آشنا گردد و بدان اس بگیرد می‌باید با این دو زبان هر دو آشنایی داشته باشد و هر دو را در کنار هم مورد استفاده قرار دهد. تفکیک این دو از هم، مایه بروز خطا و اشتباه و سبب خسران و زیان خواهد بود.»

بنابراین آن‌ها که فکر می‌کنند قرآن را فقط با استدلال خشک بدون آن که روح و نفس به طهارت و پاکی لازم رسیده باشد و با احساس برخاسته از شمیم معطر وحی دمساز باشد می‌توان فهمید، سخت در اشتباه‌اند، زیرا قرآن کتابی است که «لا یمتثه الا المظهورون».

جامع‌نگری نسبت به آیات

مطهری آیات قرآن را یک مجموعه به‌هم‌پیوسته و خدایی‌ناپذیر می‌داند و همین واقعیت را بنیاد روشی خاص در فهم قرآن می‌شمارد که عبارت است از مطالعه مجموعی آیات و شناخت نگاه‌های روپاروی هر یک به دیگری. وی همواره بر این جمله تأکید دارد که: «القرآن یفسر بعضه بعضاً. ندانستن یا توجه نداشتن به این ویژگی که فهم هر بخش از آیات بستگی دارد به شناخت آیات دیگر مرتبط با موضوع، یا حتی آیات عام و کلی که بیانگر دیدگاه‌های کلی‌تر قرآن هستند، انحراف و بدفهمی در مورد آیات قرآن را در پی دارد. بنابراین مهم‌ترین گام در مسیر فهم قرآن، آشنایی و تسلط بر آیات و جامع‌نگری در مقام تفسیر و فهم است، و تنها از این راه است که می‌توان به مقصود خداوند نائل آمد:

«نکنه مهمی که در بررسی قرآن باید به آن توجه داشت این است که در درجه اول می‌باید قرآن را به کمک خود قرآن شناخت، مقصود این است که آیات قرآن مجموعاً یک ساختمان به‌هم‌پیوسته را تشکیل می‌دهند، یعنی اگر

انسان در قرآن

مجید آقا بابا

ضد ارزش‌ها

او بسیار ستمگر و بسیار نادان است (نوبه/۲۲)
 او نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس است (احزاب/۷۲)
 او آنگاه که خود را مستغنی می‌بیند طغیان می‌کند (علق/۶ و ۷)
 او تنگ‌چشم و مسک و مجادله‌گرتترین مخلوق است (اسراء/۱۰۰)
 او عجول و شتابگر و حریص آفریده شده است (معاارج/۱۹)
 اگر بدی به او رسد، حرج کننده است و اگر نعمت به او رسد
 بخل کننده است (معاارج/۲۰ و ۲۱)
 انسان مانند جانداران دیگر تحت تأثیر حاذیبه‌ها و کشش‌های مادی
 و طبیعی است، میل به غذا، میل به خواب، میل به امور حسی، میل
 به استراحت و امتثال این‌ها او را به سوی ماده و طبیعت می‌کشد، اما
 حاذیبه‌هایی که انسان را به خود می‌کشد منحصر به این‌ها نیست، همچون
 اصول حاذیبه‌های معنوی که تا امروز شناخته شده و مورد قبول است،
 همچون: علم و دانایی، خیر اخلاقی، جمال و زیبایی، تقدیس و پرستش
 اسلام عنایت خاص دارد که انسان خود را بشناسد و جا و موقع خویش را در
 جهان آفرینش تشخیص دهد. این همه تأکید در قرآن در مورد انسان برای این
 است که انسان خویش را آن‌چنان که هست بشناسد و مقام و موقع خود را
 در عالم وجود درک کند و هدف از این شناختن و درک کردن این است که
 خود را به مقام والایی که شایسته آن است برساند. قرآن کتاب انسان‌سازی
 است، یک فلسفه نظری نیست که علاقه‌اش تنها به بحث و نظر و چشم‌انداز
 باشد، هر چشم‌اندازی را که ارائه می‌دهد برای عمل و گام برداشتن است.

نتیجه

از نظر قرآن، انسان یک کدخدای انتخاب شده زمین است و به حکم شایستگی
 و صلاحیت، نه صرفاً زور و جنگال تنازع، از طرف ذی صلاحیت‌ترین مقام
 هستی، یعنی ذات خداوند، برگزیده و انتخاب و به تعبیر قرآن اصطلاحاً شده است
 و به همین دلیل مانند هر برگزیده دیگر «رسالت» و «مسئولیت» دارد
 رسالت از طرف خدا و مسئولیت در پیشگاه او.
 اعتقاد به اینکه انسان موجودی انتخاب شده است و هدفی از انتخاب در کار
 است، نوعی آثار روانی و تربیتی در افراد به وجود می‌آورد و اعتقاد به اینکه انسان
 نتیجه یک سلسله تصادفات بی‌هدف است، نوعی دیگر آثار روانی و تربیتی در
 افراد به وجود می‌آورد و اعتقاد به اینکه انسان نتیجه یک سلسله تصادفات
 بی‌هدف است، نوعی دیگر آثار روانی و تربیتی در انسان به وجود می‌آورد.

انسان در جهان بینی اسلامی داستانی شگفت دارد. این موجود از نظر قرآن
 زرف‌تر و مرموزتر از این است که بتوان آن را خیلی ساده تعریف کرد.
 قرآن انسان را مدح‌ها و ستایش‌ها کرده و هم مذمت‌ها و نکوهش‌ها نموده است.
 عالی‌ترین مدح‌ها و بزرگ‌ترین مذمت‌های قرآن درباره انسان است؛ او را از آسمان
 و زمین و از فرشته برتر و در همان حال از چارپایان پست‌تر شمرده است.
 از نظر قرآن، انسان موجودی است که توانایی دارد جهان را مسخر خویش
 سازد و فرشتگان را به خدمت خویش بگمارد و هم می‌تواند به «استغفل
 سافلین» سقوط کند؛ این خود انسان است که باید درباره خود تصمیم بگیرد
 و سرنوشت نهایی خویش را تعیین نماید.

ارزش‌های انسان چیست؟

۱- انسان خلیفه خدا در زمین است
 «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَرْدُودًا؟»
 ۲- ظرفیت علمی انسان بزرگ‌ترین ظرفیت‌هایی است که یک
 مخلوق ممکن است داشته باشد
 «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ
 إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره/۳۱).
 ۳- نعمت‌های زمین برای انسان آفریده شده است
 «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ
 سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (بقره/۲۹).

و مواردی همچون:

- آفرینش انسان، آفرینشی حساب شده است، تصادفی نیست، انسان
 موجودی انتخاب شده و برگزیده است (سوره طه/۲۲)
- او از وجدانی اخلاقی برخوردار است، به حکم الهی فطری، زشت و زیبا
 را درک می‌کند (سوره شمس/۸ و ۹)
- او را برای این آفرید که تنها خدای خویش را پرستش کند و فرمان او
 را بپذیرد. (سوره ذاریات/۵۶)
- او جز در راه پرستش خدای خویش و جز با یاد او خود را نمی‌بلد. (سوره حشر/۱۹)
- او جز با یاد خدا با چیز دیگر آرام نمی‌گیرد.
- او شخصیتی مستقل و آزاد دارد، امانت‌دار خدا است، رسالت و مسئولیت
 دارد. (سوره احزاب/۷۲)
- او تنها برای مسائل مادی کار نمی‌کند، یگانه محرک او حوائج مادی
 زندگی نیست. (سوره فجر/۲۷ و ۲۸)
- در سرشت انسان علاوه بر عناصر مادی که در جماد و گیاه و حیوان
 وجود دارد، عنصر ملکوتی و الهی وجود دارد. (سوره سجده/۷ و ۹)
- او از یک کرامت ذاتی و شرافت ذاتی برخوردار است و خدا او را بر
 بسیاری از مخلوقات خویش برتری داده. (سوره اسراء/۷۰)
- بنا بر آنچه گفته شد، از نظر قرآن انسان موجودی است برگزیده از طرف
 خداوند که حق بهره‌گیری مشروع از نعمت‌های خدا به او داده شده است و در
 برابر خداوند متعال وظیفه‌دار است و خواهد بود.



اهمیت نماز صبح

مهدی مهدوی

اهمیت نماز صبح (به‌ویژه نماز جماعت صبح) از نظر قرآن و روایات: از نظر قرآن:

قرآن می‌فرماید: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا» (سوره اسراء آیه ۷۸)

نماز را از زوال خورشید تا نهایت تاریکی شب، (نیمه شب) بر یادار و همچنین قرآن فجر (نماز صبح) را؛ چراکه قرآن فجر، مورد مشاهده (فرشتگان شب و روز) است.

طبق روایاتی در ذیل آیه شریفه وارد شده است، مقصود از «قرآن الفجر» نماز صبح است و این روایات را دانشمندان شیعه و اهل تسنن نقل کرده‌اند.

امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) فرموده‌اند: منظور از «قرآن الفجر» نماز صبح است. (تفسیر نور الثقلین، عبدالعلی خویری، ج ۳، ص ۲۰۱ و ۲۰۲، ج ۳۷۶ و ۳۷۸)

برخی از نکات این آیه شریفه:

۱. اهمیت و جایگاه ویژه نماز صبح نسبت به سایر نمازها (ان قرآن الفجر کان مشهوداً)
۲. مطلوبیت و فضیلت اقامه نماز صبح در اول وقت (طلوع فجر). (باینکه

وقت نماز صبح نیز موسع (طلوع فجر تا طلوع آفتاب) است ولی اضافه شدن «قرآن» به واژه «فجر» اهمیت و فضیلت اول وقت را می‌رساند)

۳. نماز صبح در اول فجر، مورد شهود و نظاره ویژه «ملائکه شب و روز» است و هر دو گروه ثواب نماز صبح را می‌نویسند.

۴. اهتمام به اقامه نماز صبح همراه با جماعت.

احتمال دارد که ذکر صفت مشهود برای نماز صبح، نوعی تشویق به این باشد که شایسته است انجام آن در معرض شهود و دید همگان باشد. (تفسیر راهما، اکبر هاشمی رفسنجانی، ج ۱، ص ۲۰۸)

علامه طباطبایی می‌فرماید: «روایات از طرق عامه و خاصه متفقاً حمله «ان قرآن الفجر کان مشهوداً» را تفسیر کرده‌اند به اینکه: نماز صبح را هم ملائکه شب (در موقع مراجعت) و هم ملائکه صبح (در موقع آمدن) می‌بینند. (المیزان، علامه طباطبایی، ج ۱۳، ص ۱۷۶ - ۱۷۸)

و نیز در بحث روایتی، پس از نقل اخبار در ذیل آیه شریفه می‌فرماید: «تفسیر مشهود بودن «قرآن فجر» در روایات شیعه و سنی، به اینکه چون ملائکه شب و روز آن را می‌بینند، آن قدر در این دو طایفه بسیار است که نزدیک است به حدّ تواتر برسد و در بعضی از آن‌ها همان‌طور که گذشت، شهادت خدا و دیدن مسلمین نیز اضافه شده است». (المیزان، علامه طباطبایی، ج ۱۳، ص ۱۷۶ - ۱۹۱)

۵. نماز تنها عبادتی است که به نام «قرآن» توصیف شده است (قرآن الفجر)
۶. قرآن و تلاوت آن در نماز، محور اصلی است. (قرآن الفجر) (تفسیر نور، محسن قرائتی، ج ۷، ص ۱۰۴)

۷. «قرآن الفجر» در آیه عطف است به کلمه «الصلوة» که تقدیرش چنین می‌شود: «و اقم قرآن الفجر» که مراد از آن، نماز صبح است و چون مشتمل بر قرائت قرآن است، آن را «قرآن صبح» خوانده؛ چون روایات همه متفق‌اند بر اینکه مراد از «قرآن الفجر» همان نماز صبح است.

امامت در قرآن

تلخیص: احمد عسگری

در این نوشتار سعی شده با تبیین معنای لغوی امام و بیان استعمالات مختلف آن در قرآن کریم به بزرگی‌هایی که از کلام خداوند درباره امام به معنای رهبر جامعه مؤمنان استفاده می‌شود اشاره گردد.

راغب اصفهانی در کتاب المفردات که از کتاب‌های مهم در توضیح لغات قرآن است در تعریف امام می‌گوید:

امام آن است که از وی پیروی و به وی اقتدا شود خواه انسان باشد یا کتاب یا غیر آن، حق باشد یا باطل و جمع آن ائمه است (فاموس قرآن ج ۱ ص ۱۲۱).

از جمله آیاتی که در این زمینه در قرآن آمده است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد که امام در معانی بالا به کار رفته است:

و تَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (۵) قصص.

آری، فرعون برای انقراض بنی‌اسرائیل تلاش می‌کرد، درحالی‌که ما می‌خواستیم کسانی را که در زمین به استضعاف کشیده شده بودند نعمتی گران‌سنگ عطا کنیم؛ آنان را پیشوایانی قرار دهیم که از ایشان پیروی شود و مواهبی را که در اختیار فرعونیان بود از آن ایشان کنیم.

وَ جَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ (۴۱) قصص.

و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که در کفرورزی و ارتکاب گناه مقتدا باشند و مردمان را به کفر و گناه که در پی دارند آتش است فراخوانند و در قیامت شفاعت هیچ‌کس به آنان نمی‌رسد و باری نمی‌شوند.

و لذا هم امام حق داریم هم باطل.

وَ إِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ تَعْدِ عَهْدِهِمْ وَ طَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ (۱۲) توبه.

و اگر گروهی از مشرکان پیمان‌های خود را که بر آن‌ها سوگند یاد کرده‌اند پس‌از آن‌که بر آن عهد بستند، شکستند و درباره دین شما زبان به بدگویی گشودند آنان پیشوایان کفر به شمار می‌آیند و شما باید با پیشوایان کفر پیکار کنید، چراکه آنان را هیچ پیمانی نیست، باشد که از پیمان‌شکنی دست‌بردارند.

وَ مِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَ رَحْمَةً وَ هَذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِسَانِ عَزْرِيحَا لِيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَ يُسْرى لِلْمُحْسِنِينَ (۱۲) احقاف.

آنان قرآن را دروغ می‌شمارند در صورتی‌که پیش از آن، کتاب موسی که پیشوای بنی‌اسرائیل و مایه رحمت آنان بود وجود داشته است، و این قرآن کتابی است به زبان عربی که تصدیق‌کننده آن است و با این هدف نازل شده است که ستمکاران را هشدار دهد و برای نیکوکاران بشارتی باشد.



هدایت شده باشند پس در هدایت معصوم باشند و الا ناخواسته به جای هدایت مردم را دچار گمراهی می کنند. وَ حَقَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا...

۶- به امام نسبت به انجام تمام خوبی ها وحی می شود. ...الْخَيْرَاتِ... (آل بر سر اسم جمع افاده عموم می کند).

۷- امام به طور اختصاصی وظیفه اقامه نماز و دادن زکات را بر عهده دارد. إِقَامَ الصَّلَاةَ وَ إِيَاءَ الزَّكَاةِ....

۸- امام باید عابد باشد. ...وَ كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ. وَ حَقَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بآيَاتِنَا يَوْفُونَ (۲۴) سجده.

و از میان آنان گروهی را چون در امر دین شکمیایی ورزیدند و پیش از آن به آیات ما یقین داشتند، به امامت و رهبری گماردیم تا مردم را به فرمان ما به سر منزل هدایت برسانند.

۹- امام باید در تمام جهات صابر باشد. ... لَمَّا صَبَرُوا... (چون نفرموده در چه جهت صبر می کنند باید به طور مطلق صبر در همه جهات را در نظر گرفت).

۱۰- امام دائماً نسبت به آیات الهی حال یقین را داراست. ... كَانُوا بآيَاتِنَا يَوْفُونَ (کان + فعل مضارع دلالت بر استمرار می کند).

ده نکته بالا خصوصیات است که از قرآن برای

امام به دست می آید^۱

در ادامه روایتی از کتاب «امالی» شیخ صدوق رحمه الله علیه آورده می شود

که در آن پیامبر اکرم (ص) حضرت علی (ع) را به عنوان امام معرفی می کنند:

امیر المؤمنین فرمود من برخاستم و عرض کردم یا رسول الله کدام عمل در این ماه بهتر است فرمود ای ابو الحسن بهترین عمل در این ماه ورع از محارم خدای عز و جل است سپس گریست عرض کردم یا رسول الله چرا

گریه میکنی؟ فرمود برای آنچه در این ماه از تو حلال شمارند گویا تو را می نگرم که نماز برای پروردگارت می خوانی و شقی تر اولین و آخرین که

حجت بی کننده شتر نمود است برانگیزخته شود و ضربتی بر فرقت زند و ریشت را حصاب کند امیر المؤمنین فرمود گفتم یا رسول الله این در صورتی

است که دین من سالم است؟ فرمود با سلامتی دین تو است سپس فرمود ای علی هر که تو را بکشد مرا کشته و هر که تو را بخشم آرد مرا بخشم آورده و

هر که تو را دشنام دهد مرا دشنام داده زیرا تو جان منی روحت از روح من و گلت از گل من است به راستی خدای تبارک و تعالی آفریده مرا تا تو برگزیده

مرا با تو و مرا برای نبوت اختیار کرده و تو را برای امامت هر که منکر امامت تو است، منکر نبوت من است؛ ای علی تو وصی من و پدر فرزندان من و شوهر

دختر من و خلیفه من بر امت من هستی، در زندگی من و پس از مردن من فرمانت فرمان من و غدغنت غدغن من است سوگند به آن که مرا به نبوت

گسیل کرده و بهترین خلق ساخته که تو حجت خدائی بر خلقش و امین اوبی بر سرش و خلیفه اوبی بر بندگانش. (ترجمه سید محمد باقر کمراهی)

۱. ترجمه آیات برگرفته از ترجمه قرآن کریم بر اساس المیزان، تألیف آقای سید محمد رضا صفوی می باشد

در اینجا امام خود کتاب است.

إِنَّا نَخْنُ نُحَى الْمَوْتَى وَ نَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَ آتَاهُمْ وَ كُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ (۱۲) پس.

ما خود، مردگان را برای کیفر و پاداش زنده می کنیم و کارهای نیک و بدی را که در دوران زندگی بیش فرستاده اند و نیز سنت های شایسته و ناشایستی را که از خود در میان مردم به جای گذاشته اند، همه را در کتابی ثبت می کنیم.

و ما هر چیزی را در لوح محفوظ که پیشوای خلاق است و مقدرات حتمی آن ها را به روشنی دربردارد، برشمرده و ثبت کرده ایم.

علامه طباطبائی رحمه الله علیه در تفسیر المیزان می فرماید امام مبین، اشاره به لوح محفوظ دارد (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص: ۶۶ و ۶۷).

مطالب ارائه شده تا اینجا برای بیان معانی مختلف امام در قرآن کریم بود. از بین این سه معنای ذکر شده، معنای رهبر جامعه و شخص خارجی امام مدنظر ما است و به آن می پردازیم.

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید که هر گروهی در قیامت برای حسابرسی به امامش خوانده می شود فارغ از اینکه امام چه کسی باشد:

يَوْمَ تَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَ لَا يظَلْمُونَ قِتِيلًا (۷۱) اسراء.

یاد کن روزی را که هر گروهی را با پیشوایی که برگزیده و از او پیروی کرده است فرامی خوانیم. پس کسانی که کارنامه آنان به دست راستشان داده شود، کارنامه خود را می خوانند و به آنان به اندازه هسته خرمایی ستم نمی شود و پاداششان به طور کامل به آنان عطا می گردد.

در ادامه ویژگی های امام به عنوان انسانی حق طلب و هادی مردم که از آیات قرآن استفاده می شود بیان می گردد:

وَ إِذِ اتَّبَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبَّهُ بِكَلِمَاتٍ فَاتْمِثْنَ قَالَ أَنبَىٰ جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِن ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ (۱۲۴) بقره.

و چون ابراهیم را پروردگارش به کارهایی که او را بدانها امر فرمود بیازمود و وی را به انجام آن ها موفق ساخت، گفت: من تو را پیشوای مردم قرار خواهم داد. ابراهیم گفت: آیا از فرزندان من نیز کسی را پیشوای مردم قرار می دهی؟ فرمود: امامت، عهد من است، و عهد من به کسانی از فرزندان تو که ستمکارند نمی رسد.

۱- رسیدن به مقام امامت بعد از امتحان های متعدد است. وَ إِذِ اتَّبَلَى...

۲- جعل امام توسط خدا صورت می گیرد. ...إِنِّي جَاعِلُكَ....

۳- عهد امامت به ظالمین نمی رسد. ... لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ.

وَ حَقَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ إِقَامَ الصَّلَاةَ وَ إِيَاءَ الزَّكَاةَ وَ كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ (۷۳) انبیاء

و آنان را پیشوایی فرآوردیم که به فرمان ما مردم را به راه سعادت آورند و به مقصد برسانند، و آنان را با نیرویی الهی که در درونشان نهاده و استوارشان

ساختیم فراخوانده و به انجام کارهای نیک و برپایی نماز و پرداخت زکات سوقشان دادیم و آنان بیش از این نیز پرستشگران ما بودند.

۴- امام به امر خدا هدایت می کند. ... يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا....

۵- ائمه چون به امر خدا مردم را هدایت می کنند باید قبلاً خودشان

انسان آینه حق نما

یوسف رجبی

ترفت تا تو برفتی خیالت از نظرم

برفت در همه عالم به بی دلی خیرم
من از تو روی نخواهم به دیگری آورد
که زشت باشد هر روز قبله دگر
بلای عشق تو بر من چنان اثر کردست
که پند عالم و عابد نمی‌کند اثرم
قیامت که به دیوان حشر پیش آرند
میان آن همه تشویش در تو می‌نگرم
به جان دوست که چون دوست در برم باشد
هزار دشمن اگر برسند غم نخورم
به جان و سر که نگردانم از وصال تو روی
و گر هزار ملامت رسد به جان و سرم
مرا مگوی که سعدی چرا پریشانی
خیال روی تو بر می‌کند به یک دگر

ولی حین رزم با کفار می‌فرماید من در هر ضربه‌ای که می‌زنم هفت نسل از طرف مقابلم را می‌بینم که اگر انسان صالحی از او به‌جامانده بود، از کشتن او صرف‌نظر می‌کنم. این قدرت انسان کامل و حلیفه الهی است که توانسته این ویژگی (عبد بودن) را از معبود خود اخذ کند فلذا اوست که به این مرتبه رسیده او عبد خداوند قادر متعال است...

پس عبد به انسانی می‌گویند که سر تا پا تعلق به مولا و صاحب خود دارد، اراده‌اش تابع اراده او و خواستش تابع خواست او است؛ در برابر او مالک چیزی نیست، و در اطاعت او هرگز سستی به خود راه نمی‌دهد.

و به تعبیر دیگر عبودیت اظهار آخرین درجه خضوع در برابر معبود است، و به همین دلیل تنها کسی می‌تواند معبود باشد که نهایت انعام و اکرام را کرده است و او کسی جز خدا نیست.

بنابراین عبودیت نهایت اوج تکامل یک انسان و قرب او به خدا است. عبودیت نهایت تسلیم در برابر ذات پاک او است. عبودیت اطاعت بی‌قید و شرط و فرمان‌برداری در تمام زمینه‌هاست.

و بالاخره می‌توان گفت عبودیت کامل آن است که انسان جز به معبود واقعی یعنی کمال مطلق ننهد بشود، جز در راه او گام برندارد، و هر چه غیر او است فراموش کند، حتی خویش را!

لیکن از باب لغت عبودیت را اظهار فروتنی و طاعت و فرمان‌برداری (از حق) معرفی کرده‌اند و برخی واژه عبادت را از عبودیت بلع تر دانسته‌اند، زیرا عبادت نهایت فروتنی و طاعت است، لذا استحقاق و شایستگی برستش را ندارد مگر کسی که نهایت کمال و فصیلت از اوست و او خدای تعالی است.

اما اهل لغت تعاریف دیگری را نیز از لفظ عبد و عبودیت بیان کرده‌اند که برای نمونه برخی را در اینجا می‌آوریم:

الْحَصُوعُ لِلَّهِ عَلَىٰ وَجْهِ الْعَظِيمِ وَالشَّعَائِرِ الدِّينِيَّةِ وَقَالَ ابْنُ جَرِّمٍ: الْعَبْدُ يُطْلَقُ عَلَى الدَّكْرِ وَالْأُنْثَىٰ وَقَالَ سَيِّبُوهُ: الْعَبْدُ وَهُوَ فِي الْأَصْلِ صِفَةٌ، قَالُوا: رَجُلٌ عَبْدٌ، وَلَكِنَّهُ اسْتَعْمِلَ اسْتِعْمَالَ الْأَسْمَاءِ

الْعَبْدِيَّةِ حِكَاةً صَاحِبِ الْمُوعَبِ، عَنِ الْقَرَاءِ

و الْعَبُودِيَّةِ وَالْعَبُودَةُ بِصَمِّهِمَا وَ

الْعَبَادَةُ بِالكَسْرِ: الطَّاعَةُ. وَقَالَ

بَعْضُ أَئِمَّةِ الْإِسْتِثْقَاءِ: أَضَلُّ

الْعَبُودِيَّةِ: الدُّلُّ وَالْحِصُوعُ. وَ

قَالَ آخِرُونَ: الْعَبُودَةُ: الرِّضَا

بِمَا يَفْعَلُ الرَّبُّ، قَبْلَ تَسْقُطِ

در ابتدا باید گفت ما همه برای عبادت پروردگار آفریده شده‌ایم، اما مهم این است که بدانیم حقیقت عبادت چیست؟ آیا تنها انجام مراسمی مانند رکوع و سجود و قیام و قعود و نماز و روزه منظور است؟ یا حقیقتی است ماورای این‌ها؟ برای یافتن پاسخ این سؤال باید روی واژه عبد تکیه کرد و به تحلیل آن پرداخت. معنای پایه و اولیه ریشه «ع ب د»، با صورت کهن تر آن «bd»، در عبری عهد عتیق و زبان‌های سامی باستان: کار کردن، خدمت کردن و ساحتن است. در مراتب بعد خراج گزاردن برای شاه یا ارباب به منظور اطاعت از او، نیز خدمت به خدا و برستش او، به‌عنوان معانی ثانوی این ریشه ذکر شده‌اند.

معنای اصلی عبَد، که از لحاظ دستوری اسم مفرد مذکر است، در عهد عتیق عبارت از برده و خدمتکار، مطیع و تابع ارباب یا شاه و معنای ثانوی آن، بندگان و برستسگران خدا و بندگان بهوه به معنی الاخص که مشتمل بر خوانندگان لای و پیامبران است.

معنای حسی عبد گناهی خوشبوست که به ستر می‌دهند تا شیر او افزایش یافته و خود حیوان قره گردد. از معانی دیگر آن می‌توان به نیرو، منبع، سرعت، حرص و بقاء اشاره کرد که در اصل متصل به یکدیگرند و بعضی از آن‌ها به بعضی دیگر منتهی می‌شوند. با ارحله بزرگ‌منشی و جنگ شدید و ندامت و ملامت نفس اشاره کرد که ارتباطی با اصل حسی گناه خوشبو دارند.

فلذا از این مطلب این نتیجه را می‌توان گرفت که عبد آن است که توانسته مستجمع صفات بسیاری باشد که گاه متضاد یکدیگر باشند ولی اصالتاً نارگست به یک اصل وجودی (گل خوشبو) می‌کنند.

لهذا آورده‌اند حضرت مولی‌الموحدین علی بن ابی‌طالب (ع) مستجمع جمیع صفات رب خویش است که در وقت بخش کردن بیت‌المال سخت و حشن است ولی در کنار جاه مثل ابن بهاری می‌گرید و یا در جنگ خندق قاطع برای اسلام شمشیر می‌زند تا جایی که: ضربة علی بوم الحدیق افضل من عباده النقلین می‌شود



تحلیل دقیق تری معلوم می‌شود که اصلاً به غیر خدای متعال نباید التفات داشت و از وی غفلت نمود. عبودیت و بندگی به این معناست که در هر زمان بدانیم وظیفه‌مان چیست چگونه عمل کنیم. حتی در نماز خواندن و روزه گرفتن نیز بندگی کنیم، گاهی در بسیاری از خشک‌مفردسی‌ها عبودیت نیست. در این میان خوشا به حال کسانی که تمرین بندگی می‌کنند. آن چیزی که مانع بندگی می‌شود، تعلقات ماست گاهی یک تعلق ما را زمین‌گیر می‌کند. به‌طور مثال شیطان ناین‌همه عبادت‌ش که ۶ هزار سال بود، یک عیب داشت و آن هم تکبر بود که او را به ذلت کشاند.

قلدا غرض از خلق، عبودیت است و حقیقت عبودیت، ترک معصیت در اعتقاد که عمل قلب است و در عمل جوارح است. و ترک معصیت، حاصل نمی‌شود به‌طوری‌که ملکه شخص نشود، مگر با دوام مراقبه و یاد خدا در هر حال و زمان و مکان و در میان مردم و در خلوت «ولا أقول سبحان الله و الحمد لله، لکنه ذکر الله عند حلاله و حرامه».

حال می‌توان گفت نگاه متحجرانه به احکام اسلامی، معامله‌گرانه است نه عبادانه. در نگاه عبادانه (که در اینجا از دیدگاه عبودیت است نه عبادت)، انتظار با دانی داشتن معنا ندارد. زیرا، در حقیقت، عبودیت در واقع کسب وجود از خالق هستی است. طبیعی است که انسان عابد برای دریافت وجود از منبع فیض به هر نوع فداکاری دست می‌زند. اما در نگاه معامله‌گرانه، فرد حاضر به مخاطره و پرداخت هزینه بالا نیست. بنابراین او نمی‌تواند به عمق عبودیت پی ببرد و بر همان وضعیت فشرده‌گرایی باقی می‌ماند. که این فشرده‌گرایی دینی با سلطنت موروثی سازگاری دارد و از سیاست‌گروان است و شعار «جدایی دین از سیاست» را نصب العین خود قرار داده است. نظام‌های سیاسی جدید، نه تنها مخالف با تحجرگرایی نیستند که ملع و حامی آن نیز هستند.

پس انسان «عبد»، هدف حیات را یافته و «زندگی معنادار» را درک و تجربه کرده است. در اینجا است که «عبودیت» به زندگی انسان سالک عابد، «معنای حقیقی» می‌بخشد و حیات دنیوی را برای او شیرین می‌سازد و چنین انسانی از معنویت و بزه‌های بهره‌مند است، زیرا انسان با عبودیت از عالم کثرت و جسمانیت به عالم وحدت و روحانیت انتقال می‌یابد.

در کتاب شریف مصباح الشریعة از حضرت الصادق علیه السلام این‌طور منقول است:

العبودية جوهرة كنهها الرّبونية، فما فقد من العبودية وجد في الرّبونية، و ما حفي من الرّبونية أصيب في العبودية. لذا هرکس که با قدم عبودیت سیر کند و داغ ذلت بندگی را در ناصبه خود گذارد، وصول به عزّ ربوبیت پیدا کند. طریق وصول به حقایق ربوبیت سیر در مدارج عبودیت است، و آنچه در عبودیت از انبیت و انانیت مفقود شود در ظل حمایت ربوبیت آن را می‌یابد، تا به مقامی رسد که حق تعالی سمع و بصر و دست و پای او شود و چون از تصرفات خود گذشت و مملکت وجود خود را بکسره تسلیم حق کرد و خانه را به صاحب‌خانه واگذار نمود و فانی در عزّ ربوبیت شد، صاحب‌خانه خود متصرف در امور گردد، پس تصرفات او تصرف الهی گردد...

درواه طلب عاقل و دیوانه یکی است

در شیوه عشق خویش و بیگانه یکی است

آن را که شراب وصل جانان دادند

در مذهب او کعبه و بیتخانه یکی است

العَبَادَةُ فِي الْأَجْرَةِ لَا الْعُبُودَةُ، لِأَنَّ الْعُبُودَةَ أَنْ لَا بَرَى مُتَصَرِّفًا فِي الدَّارَيْنِ فِي الْحَقِيقَةِ إِلَّا اللَّهُ.

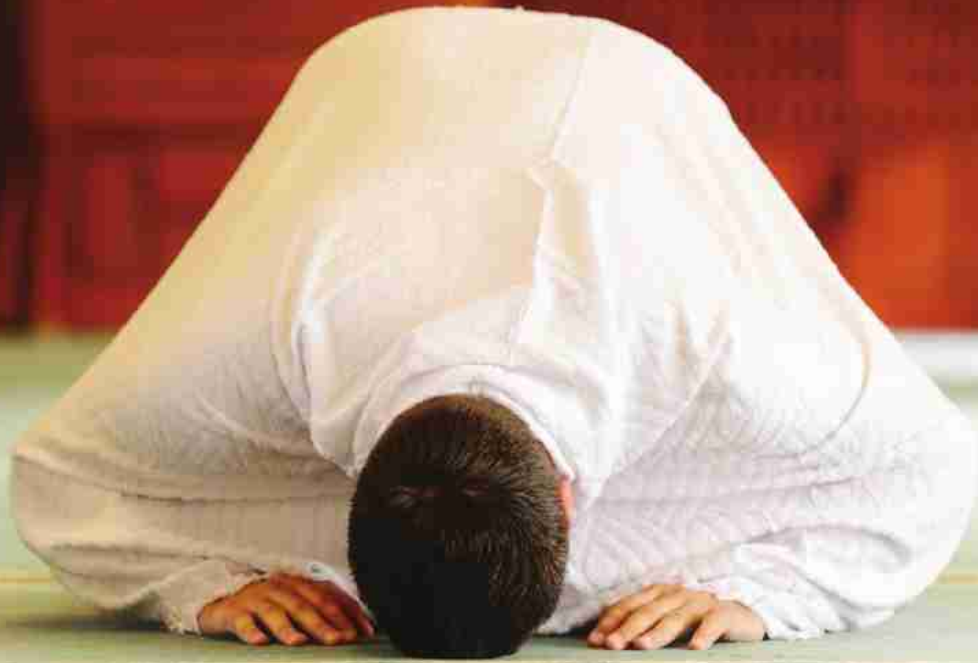
در عمل اظهار عبودیت از بنده خدا همان عملی است که می‌کند، و قبل از انجامش بسم‌الله می‌گوید، و امر ذی نال و مهمم همین کاری است که اقدام بر آن کرده، پس ابتدا به نام خدای سبحان هم راجع به او است، و معنایش این است: خدا ما من به نام تو عبودیت را برای تو آغاز می‌کنیم. پس باید گفت: متعلق باء در بسم‌الله سوره حمد ابتدا است، در حقیقت می‌خواهیم اخلاص در مقام عبودیت، و گفتگوی با خدا را به حد کمال برسانیم، و بگوییم پروردگارا حمد تو را بانام تو آغاز می‌کنیم، تا این عمل نشانه تو را داشته باشد، و خالص برای تو باشد، ممکن هم هست متعلق آن فعل (ابتدا) باشد، و معنایش این باشد که خدایا من خواندن سوره و یا قرآن را بانام تو آغاز می‌کنیم، بعضی هم گفته‌اند: باء استعانت است، و لکن معنی ابتدا مناسب‌تر است، برای اینکه در خود سوره، مسئله استعانت صریحاً آمده، و فرمود: (ایاک نستعین)، دیگر حاجت به آن نبود که در بسم‌الله نیز آن را بیاورد.

منظور و مقصود از خلقت انسان وصول به مقام عبودیت است، که انسان خودش را عند مطلق پروردگار بداند و در صراط عبودیت مطلق حرکت کند و بالنتیجه انسان آنچه را که در عالم وجود، از وجود و استقلال و حیات، علم و قدرت به نحو استقلال است، همه را تسلیم خدا کند و اعتراف و اقرار کند که مال خداست و آنچه فقر و ضعف و جهل و نیستی است، از ناحیه خود اوست؛ و انسان عبد مطلق پروردگار است، هم در مقام اصل وجود و هم در مقام عمل و تکلیف، و این مقام انسان کامل و بزرگ‌ترین درجه‌ای است که خداوند علی‌اعلی به انسان عنایت می‌کند.


بر اساسی اصلی اعتقادی مالکیت و حاکمیت خداوند بر همه هستی، انسان خود را در برابر خداوند فقیر، مملوک، نیازمند، فاقد کمال و خیر می‌داند؛ اما در مقابل، خداوند را غنی، مالک، خالق هستی، سرچشمه همه کمالات، زیبایی‌ها، منبع خیر و وجود می‌شناسد. به دنبال این معرفت، حالتی روانی در انسان پدید می‌آید که باعث احساس حقارت در پیشگاه با عظمت الهی می‌شود.

بر این اساس، عبودیت نهایت اوج تکامل یک انسان و قرب او به خدا است، و عبادت آخرین حد خضوع و تواضع است که به‌عنوان تعلق و وابستگی مطلق و تسلیم بی‌قید و شرط عابد در برابر معبود انجام می‌گیرد. در حقیقت عبادت‌کننده با عبادت خود، نشان می‌دهد که در برابر معبود، تسلیم محض است، و سرنوشت خود را درد است او می‌داند و این مهم‌ترین هدفی است که خداوند برای رسیدن انسان به آن هدف او را آفرید، و به آن میدان و علم و آگاهی داد تا با بهره‌گیری از تمام امکانات، خود را به این هدف نزدیک‌تر کند. خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»؛ من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادت‌م کنند و از این طریق تکامل یابند و به من نزدیک شوند.

بنابراین، عبادت واقعی و کامل باید در نهایت خلوص و با تمام توجه باشد و هرگونه توجهی به‌عبراز خدا، اگر برای خدا نباشد و حالت استقلال داشته باشد، در واقع شریک قرار دادن برای خداست. علامه طباطبائی رحمه‌الله می‌فرماید: آیه «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا» گرچه ظاهرش نبی از بت پرستی است، ولی با تأمل و تحلیل معلوم می‌شود که بت پرستی بت‌ها برای این ممنوع است که خضوع و فروتنی در برابر غیر خداست و بت بودن معبود نیز خصوصیتی ندارد، چنان‌که خدای متعال اطاعت از شیطان را عبادت او شمرده است و با تحلیلی دیگر، معلوم می‌شود که در اطاعت و فرمان‌برداری انسان میان خود و غیر فرقی نیست و چنان‌که از غیر خدا نباید اطاعت کرد، از حیوانات‌های نفس در برابر خدای متعال نیز نباید اطاعت کرد و با



تأملی در واژه عبد

بهنام هژیرخواه 

واژه عبد، دو ریشه صحیح و تقریباً متضاد دارد: (الف) نرم و رام (لین و ذل) (ب) شدت و غلظت.

معنای ریشه عبد، مملوک و بنده است. وقتی بخواهند از این ریشه در خصوص بندگان خدا فعل بسازند، گفته می‌شود: عَبَّدَ يَعْبُدُ عباده.

ولی هنگامی که بخواهند برای بردگان فعل بسازند گفته می‌شود: عَبَّدَ یعنی بنده شد و به بندگی اعتراف کرد. معتبد یعنی کسی که خویش را وقف عبادت کرده است. مشرکان را، بندگان و پرستش گران طاغوت و بتان می‌خوانند و مؤمنان را بندگان و پرستش گران خدای متعال.

شتر نرم و راهوار، البعیر المعبود خوانده می‌شود. معتبد یعنی رام. راه هموار را نیز بدین سبب «طریق معتبد» می‌نامند. طریق معبد یعنی راهی که، بر اثر گام‌های روندگان، نرم و هموار گردیده است.

ریشه دیگر این واژه، «عَبَدَ» به معنای قوت و صلاحیت است. وقتی پارچه‌ای ضخیم و محکم باشد، گفته می‌شود: «هذا ثوب له عبده»؛ این پارچه‌ای است دارای ضخامت و استحکام.

عبد از نظر لغت عرب به انسانی می‌گویند که سر تا پا تعلق به مولا و صاحب خود دارد، اراده‌اش تابع اراده او، و خواستش تابع خواست او است. در برابر او مالک چیزی نیست، و در اطاعت او هرگز سستی به خود راه نمی‌دهد.

از گفته اهل لغت برمی‌آید که عبادت، یعنی خضوع و کرنش.

اشکال این تعریف این است که تعریف به اعم است، زیرا عبادت مخصوص خداوند است. اگر عبادت به معنای خضوع باشد، باید هر نوع کرنشی در برابر غیر خدا ممنوع باشد، در نتیجه هر کرنش گر از دایره موحدان بیرون می‌افتد، درحالی که خداوند از خضوع فرشتگان برای آدم و کرنش فوق‌العاده یعقوب و فرزندان او در برابر یوسف خبر می‌دهد و کرنش ملائکه نسبت به آدم را می‌ستاید و از سربیزی ابلیس از فرمان سجود نکوهش می‌کند: «فَسَجَدْ

الْمَلَائِكَةَ كُلُّهُمْ أَخْمَعُونَ» «و رَفَعَ أَبُونَهُ عَلَى الْعَرْشِ وَ حَرُّوا لَهُ سَجْدًا». در آیه دیگری خطاب به ابلیس می‌فرماید: «قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ» و چون ابلیس عذر می‌آورد که، من هرگز در برابر بشری که از گل خشکیده، از گل بد بویی که او را آفریده‌ای سجده نمی‌کنم، خدای سبحان او را مخاطب فرار می‌دهد که: «پس بیرون شو، همانا تو رانده شده‌ای» همه این‌ها می‌رساند که تنها خضوع و کرنش - چه به لفظ و بیان باشد، چه به عمل و رفتار - عبادت نیست. پس برای حل مشکل باید ضابطه‌ای کلی برای عبادت بیان کرد، تا آن خضوعی که نشان پرستش است، با کرنش‌های دیگر متمایز باشد.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت، عبادت به دو چیز تحقق پیدا می‌کند: ۱. خضوع با بیان و عمل. ۲. اعتقاد به خدایی و پروردگاری آنکه در برابرش کرنش انجام می‌گیرد و عقیده به اینکه سرنوشت کلی یا جزئی کرنش کننده، اکنون یا در آینده، به دست اوست، چه این اعتقاد درست باشد آن گونه که درباره خداوند است، چه باطل باشد، مثل آنچه در پرستش غیر خداست. پس اگر در خضوع، چنین اعتقادی نباشد، پرستش نیست. خواهیم گفت که همه موحدان و مشرکان در پرستش خود اعتقادی خاص نسبت به آن معبود دارند، چه آن معبود، خدای سبحان باشد، چه خدایان ادعایی.

(۱) معجم مقابیس اللغة، ج ۴، ص ۲۰۵ - ۲۰۶، لسان العرب، مفردات راغب، قاموس محیط (واژه عبد).

(۳) حجر آیه ۳۰ «همه فرشتگان سجده کردند».

(۴) یوسف آیه ۳۰ «یوسف پدر و مادرش را بر تخت خود بالا برد و آنان در برابر او به سجده افتادند».

(۵) حجر آیه ۳۲ «ای ابلیس، تو را چه می‌شود که با سجده کنندگان نیستی؟».

(۶) همان: ۳۳ و ۳۴.

(۷) سحانی، جعفر، سیمای عقاید شیعه، ص ۷۹

نعمت جوانی

هادی احمدی 

نعمت جوانی

با نیکی و نیکوکاری رفتار کنید و شخصیت آن را گرمای و محترم بدارید.
(کتاب قریش، ص ۱)

تربیت‌پذیری جوان

۵ حضرت امام علی (علیه السلام) ضمن نامه خود به حضرت مجتبی (علیه السلام) فرموده‌اند: دل جوان نوحاسته، مانند زمین خالی از گیاه و درخت است، هر بذری که در آن افشاندن شود می‌پذیرد و در خود می‌پرورد. سپس فرمودند: فرزند عزیز، من در آغاز جوانیت به ادب و تربیت تو مبادرت نمودم پیش از آنکه عمرت به درازا بکشد و دلت سخت گردد. (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

۶ حضرت امام موسی بن جعفر (علیه السلام) فرموده‌اند: آموخته‌های دوران جوانی مانند نقشی که بر سنگ حجاری شده باشد، ثابت و پایدار می‌ماند. (سفینه ((شعب))، ص ۶۸۰)

۷ حضرت امام صادق (علیه السلام) فرموده‌اند: دوست ندارم جوانی را از شما مسلمانان ببینم مگر آنکه روز او به یکی از دو حالت آغاز شود، یا تحصیل کرده و عالم باشد، یا متعلم و دانشجو، اگر هیچ‌یک از این دو حالت در وی نباشد و با نادانی بسر برد، در اداء وظیفه کوتاهی کرده است، مسامحه در اداء وظیفه تزییع حق جوانی است، تزییع جوانی به گناهکاری متجر می‌شود و اگر مرتکب گناه شود به خداوندی که بیغمیر اکرم را به نبوت فرستاده قسم است که در عذاب الهی مسکن خواهد گزید. (بحار، ۱، ص ۵۵)

۱ خداست که شمارا از ناتوانی آفرید (که ضعیف بودید)، آنگاه پس از ناتوانی قوت بخشید، سپس بعد از قوت، ناتوانی و پیری داد. هر چه بخواهد می‌آفریند و هم اوست دانای توانا. (سوره روم ۵۴)

۲ حضرت امام علی (علیه السلام) فرموده‌اند: دو چیز است که قدر و قیمتشان را نمی‌شناسد مگر کسی که آن دو را از دست داده باشد، یکی جوانی و دیگری تندرستی و عافیت است. (غررالحکم، ص ۴۴۹)

رفتار نیک با جوانان

۳ حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده‌اند: به شماها درباره نو بالغان و جوانان به نیکی سفارش می‌کنم که آن‌ها دلی رقیق‌تر و قلبی فضیلت پذیرتر دارند. خداوند مرا به پیامبری برانگیخت تا مردم را به رحمت الهی بشارت دهم و از عذابش بترسانم. جوانان سخنانم را پذیرفتند و با من بییمان محبت بستند ولی پیران از قبول دعوتم سر باز زدند و به مخالفت برخاستند. سپس به آیه‌ای از قرآن اشاره کرد و درباره مردم کهن‌سال که مدت زندگی آن‌ها به درازا کشیده و دچار قساوت و سخت‌دلی شده‌اند سخن گفت. (کتاب شبای قریش، ص ۱)

۴ حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره احترام جوانان فرموده‌اند: من به تمام شما مسلمانان توصیه می‌کنم که نسبت به جوانان





عوامل ایجاد پیوند میان مسجد و جوانان

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

بر همدلی تأکید ورزید. ما معمولاً در نصیحت کردن فہرمانیم اما در ہمدلی واقعاً کم می‌آوریم و بہ همین دلیل پل‌های ارتباط را می‌شکنیم.

ہمدلی با جوانان نیازمند چند مسئله است:

۱- درك جوان:

واقعیت آن است کہ دورہ جوانی اقتضات خاص خود را دارد. بسیاری از متصدیان کانون‌های دینی و مساجد، بدون توجہ کافی بہ واقعیات دوران نوجوانی و جوانی و مشکلات ویژه آنان، اقدام بہ واکنش‌های تند و افراطی می‌کنند و چہ‌سا یک یا دو برخورد ناسمجیدہ و ناصواب برای ہمیشہ جوانان را از مساجد و عرصہ تربیت دینی دور گرداند.

استاد مطہری داستانی را نقل می‌کند کہ گویا این حقیقت است و می‌گوید: شخصی کہ بہ مسجد می‌آمد و نماز جماعتش ترک نمی‌شد توسط یکی از مقدسین مورد عتاب قرار می‌گیرد کہ اگر مسلمانی چرا ریشت را این‌طور کرده‌ای؟ او از همان جا سجاده را برمی‌دارد و می‌گوید این مسجد و این نماز جماعت و این دین و مذهب مال خودتان رخت کہ رفت.

آنان کہ مادیان و ناشران فرهنگ نمازند باید راه‌های ارتباط با جوانان را شناسایی کنند و از روش‌های کارآمد استفاده نمایند و خود را جای جوان بگذارند و توقع بیش‌ازحد از او نداشته باشند.

۲- انعطاف‌پذیری:

ہمدلی بدون انعطاف‌پذیری ممکن نیست. جوان بہ حکم جوان بودن در معرض خطا و لغزش است. خداوند بہ پیامبر رحمتش می‌فرماید: اگر سخت‌دل و ترش روی بودی ہمہ از تو دور تو بپراکنده می‌شدند (آل عمران ۱۵۹). مسؤلان مساجد باید با تحمل و بردباری و انعطاف‌پذیری، با جوانان برخورد کنند.

۳- جوان‌گرایی:

معمولاً جوان از جوان بہتر و زودتر می‌پذیرد. در دو جوان بہ دلیل نزدیک بودن جہان احساسی و عاطفی و روحی، تفہیم و تفاہم سریع‌تر اتفاق می‌افتد در این رابطہ لازم است تحولی در سیستم مساجد بہ وقوع پیوندد و فرهنگ جوان‌گرایی در ادارہ مساجد نهادینہ گردد و جوانان در کنار سالمندان در تصمیم‌گیری‌های مساجد مشارکت کنند. ہیئت‌های امنا، بانیان و واقفان از ارکان تأثیرگذار جذب جوانان بہ مساجد بہ شمار می‌روند و نحوه تعامل آنان با جوانان بسیار حساس و ظریف می‌باشد. اگر خدای ناکرده ہیئت‌های امنا

جوانان و نوجوانان سرمایہ‌های ہر مملکت و آئینی بہ حساب می‌آیند، آیندہ و بقای حکومت و ادیان بہ دست نوجوانان و جوانان جامعہ خواهد بود. جامعہ‌ای می‌تواند بہ سمت موفقیت پیش برود کہ برای تربیت و پرورش نوجوانان و جوانان خود برنامه‌های جدی و کارآمدی داشته باشد. مسجد بہ‌عنوان بہترین پایگاہ انتقال مفاہیم بلند دینی و سازمان‌دہی گروه‌های مذهبی شناخته‌شده است. پس لازم است راهکارهای جذب جوانان ہدایت آنان بہ مساجد شناسایی شود مورد اہتمام قرار گیرد تا رقتہ رقتہ زمینہ‌های حضور فعال‌تر جوانان در مساجد فراهم شود.

۱- ایجاد ارتباط عاطفی بین خانہ و مسجد:

خانوادہ بہ‌عنوان نخستین کانون تعلیم و تربیت نقش عمدہ‌ای در برقراری ارتباط جوان با مساجد دارد. بسیاری از کارهای ناپسند نا بہ‌صورت عادت درنیايد در اجتماع انجام نمی‌گیرد. اسلام سفارش می‌کند فرزندان را از کودکی بہ نماز و روزہ عادت دہید تا تقید بہ فرائض در بزرگسالی بر آنان دشوار نگردد.

۲- ایجاد ارتباط عاطفی بین مدرسہ و مسجد:

مدرسہ بہ‌عنوان خانہ دوم می‌تواند پل ارتباطی بین جوان و مسجد باشد. جوانان ما بیش‌تر اوقات خود را با محیط مدرسہ و با تماس و گفتگو با مربیان می‌گذرانند و بدیہی است کہ گفتار و کردار آنان تأثیر بیش‌تری دارد. از این فرصت باید استفاده کرد و تفکیک ناخواستہ میان تعلیم و تربیت را از بین برد مراکز آموزشگاهی نباید دغدغہ خود را آموزش و تدریس بدانند.

۳- ایجاد ارتباط عاطفی بین مسجد و جوان:

جوان، موجودی است عاطفی، زودرنج و شکنندہ. اگر با جوانان با صداقت و احترام برخورد شود بہ سہولت می‌توان در این دورہ از حیات در عمق دل و صفای قلب او نمود کرد. پیامبر اکرم (ص) توصیه فرمودہ‌اند: بر شما ناد بہ جوانان کہ قلب آنان رقیق‌تر و آمدہ پذیرش خیر است. وقتی خداوند مرا برای انداز و بشارت مردم مبعوث کرد سالخورده‌ها با من مخالفت کردند اما جوانان با من پیمان بستند.

لازم نیست شعائر دینی و تکالیف شرعی را بر جوانان تحمیل کرد کہ این کار عکس‌العمل منفی دارد بلکہ کافی است کانون مذهبی را بہ‌صورت جذاب، عرضه نمود و فضای ضمیمی و خوشایندی را فراهم کرد. و در کنار ہدایت

زمینه‌ساز انحراف و بی‌رغبتی به دین یا کانون‌های دینی است. بی‌کاری، عدم ازدواج و عدم تأمین معیشتی زمینه دین‌گریزی و سستی نسل جوان را فراهم می‌سازد. از جوانی که در آتش غریزه جنسی می‌سوزد و بر اثر بی‌کاری و عدم امید به آینده سر از یأس و ناامیدی درمی‌آورد و مأمنی برای حل مشکلات خود نمی‌یابد چگونه انتظار رغبت به نماز و دین‌مداری از او می‌توان داشت... مردم دل به کسی می‌دهند و خانه دل را حریم کسانی می‌سازند که با درد و رنج آنان آشنا و با غم‌هایشان محرم و در راه خدمت به آنان کوشا باشند.

در این راستا پیشنهاد می‌شود در مساجد ستاد رفع مشکلات جوانان تأسیس گردد و معتمدین محل از اهل مسجد در سامان‌دهی معیشت جوانان، کاریابی، آسان‌سازی ازدواج و غیره مشارکت نمایند.

نتیجه‌گیری

اهمیت و ارزش حضور در مسجد و نمازهای جماعت بر اساس آیات الهی، روایات و سیره معصومین (ع) برکسی پوشیده نیست، از طرفی جذب جوانان به این امر مهم در کشور اسلامی مسئله جدی و از دغدغه‌های متولیان امر می‌باشد، ویژگی‌های دوره جوانی ایجاب می‌کند که راهکارهای متناسبی جهت جذب آن‌ها به مسجد و جماعات استفاده شود. در این راستا موارد زیر قابل‌طرح است:

۱. بهانه‌های مختلفی برای عدم حضور در مساجد مطرح می‌شود که پیشنهاد شد، باید جوانان را با فلسفه، اسرار و ارزش جماعات و حضور در مساجد آشنا کرد که طبق فرمایش پیامبر اسلام (ص) اگر افراد ارزش حضور در جماعات را ندانند، برای شرکت در آن فرعه‌کشی می‌کنند.

۲. بهداشت و نظافت مساجد به‌عنوان عامل دیگری برای جذب جوانان مطرح است، روشن است که جوانان به‌ویژه تحصیل‌کرده‌ها جقدر به امر بهداشت و تمیزی اهمیت می‌دهند.

۳. ایجاد جاذبه برای حضور زنان در مساجد به‌عنوان نیمی از افراد جامعه و عوامل مؤثر در تربیت افراد جامعه

۴. نقش امام جماعت به‌عنوان یکی از ارکان و عوامل تأثیرگذار در امورات مسجد و همچنین جذب و نگهداری جوانان است که در این زمینه ایجاد ارتباط عاطفی، گذاشتن وقت کافی برای آموزش جوانان، موردبدرش مردم و جوانان بودن، داشتن تقوا و فضایل اخلاقی و عدالت، رعایت نظافت و تمیزی، نظم و انضباط داشتن، بردباری، آسان‌گیری و عمل به گفته‌ها مواردی هستند که رعایت آن از طرف امام جماعت در جذب جوانان مؤثر است.

۵. در روش و شیوه‌های تبلیغ، داشتن ایمان قلبی، عامل بودن و نیز روش ارتباط مستقیم نفس با نفس و جذب همسالان توسط جوان مسجیدی مؤثر است.

۶. از وظیفه و نقش نمازگزاران و اهالی مسجد می‌توان به داشتن غیرت نسبت به نماز، رعایت حرمت اشخاص، بهداشت و نظافت لباس، بدن و دهان، پرهیز از تند و افراط در برخورد با نوجوانان و جوانان، مطابقت گفتار و عمل متولیان امور مساجد، ایجاد ارتباط بین مدرسه و مسجد و به‌طور کل احیای مسجد و جماعات اشاره کرد.

۷. احیای کارکردهای مختلف مسجد از جمله آموزش، فعالیت‌های ورزشی، فرهنگی، هنری و...

۸. ارائه الگو برای جوانانی که در جماعات و مسجد حضور نمی‌یابند از طریق صدواسیما، رسانه‌های جمعی از قهرمانان ورزشی، هنرمندان و اهل علم در حال نمازخواندن و حضور در مساجد.

۹. عدم انحصاری کردن امورات و فعالیت‌های مسجد و پایگاه مقاومت و کانون‌های مساجد و رفع موانع حضور و عضویت جوانان و نوجوانان علاقه‌مند محله‌ها در این نهادها.

۱۰. ارائه و بیان ترجمه دعاها و اذکار به زبان روان جهت آشنایی جوانان و نوجوانان با معارف و پیام‌های دل‌نشین و تأثیرگذار این دعاها.

به‌خصوص با جوانان رفتاری دین‌شان آنان داشته باشند و به‌گونه‌ای شخصیت آنان را دچار خدشه کنند، باعث فاصله گرفتن ایشان از مسجد خواهند شد.

۴ - زیباسازی مساجد:

یکی از راه‌های استحکام پیوند جوانان با مساجد، زیبا ساختن مساجد و کانون‌های دینی است. مساجد از همان سردر تا درون مسجد (صحن، محراب، فضا، دیوارها و غیره) باید آراسته و پیراسته و جوان‌پسند باشد و از جاذبه‌های هنری و علمی در پیشانی مسجد استفاده شود.

۵ - فعال کردن مساجد:

برای حضور جوانان در مساجد، لازم است، مساجد را از انحصار به نماز، خارج کرد، جوان عنصری فعال و پرشور است و به دنبال کانونی فراگیر و خودجوش می‌باشد اگر امکانات هنری، ورزشی، نمایشی، کتابخانه در کنار مسجد به‌عنوان جزئی از بیکره مسجد محسوب شود جوانان به مسجد راغب‌تر خواهند شد. باکمال تأسف دنیای الحاد در مسیر خود با طواهری زیبا از روش‌های نو و از تمامی امکانات استفاده می‌کنند ولی ما تنها به روش‌های سنتی اکتفا کرده‌ایم و از همه ظرفیت‌ها استفاده نمی‌کنیم. چرا ما برای هدایت مردم از شیوه‌های هنری مثل فیلم، کارتون، تئاتر، نقاشی، گرافیک، مسابقه و غیره استفاده نکنیم؟

۶ - بهبود شیوه‌های پیام‌رسانی دینی:

متأسفانه در روش‌های تبلیغی و جذب جوانان، بیش‌تر از روش‌های کلیشه‌ای و تکراری و به‌صورت مستقیم استفاده می‌کنیم و همین امر در بی‌علاقگی و گریز جوانان از نماز جماعت مؤثر بوده است. پرتویی، مکرر گویی و ارتباط مستقیم آمرانه و دستوری باعث دل‌زدگی و نفرت و دین‌گریزی جوانان می‌شود. ما در عصر استکرات و حلافت‌ها به سر می‌بریم هرروز شیوه‌های جدید اطلاع‌رسانی و تبلیغاتی ابداع می‌شود که باید بکار گرفته شوند.

۷ - عمل‌گرایی:

روابط جوان با مسجد تا حد زیادی بستگی به نوع برخورد و رفتار امام جماعت و الگوهای جامعه دارد. جوانان حساس و زود شکن هستند. رؤیت فاصله میان گفتن و بودن در جامعه، زمینه گریز جوانان را فراهم می‌کند. آن‌ها کم‌تر می‌توانند به تحلیل عمیق بپردازند، از این‌رو زود قضاوت و حکم صادر می‌کنند. بسیار اتفاق افتاده وقتی از جوانان می‌پرسیم چرا به مسجد نمی‌روی؟ می‌گویند فلان مسجیدی نماز جماعتش ترک نمی‌شود ولی در عمل فلان کار را می‌کند. او انتظار چنین رفتاری را از الگوهای جامعه ندارد. از این‌رو نسبت به همه‌چیز بدبین و بی‌اعتماد می‌شود.

در شرایطی که جوان به الگو گرای و همانندسازی توجه خاص دارد باید رویکرد تازه‌ای به این معقوله ارزشمند صورت گیرد و الگوهای متناسب با فرهنگ دینی به شکل جوان معرفی گردد و در دو بخش، سخت‌افزاری و نرم‌افزاری شکل و محتوای مساجد، تغییر اساسی به وجود آید تا در تعامل جوان و مساجد، شاهد حیرتی همه‌جانبه باشیم.

۸ - پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی جوانان:

جوانان ذهن خلاق و جستجوگری دارند و همواره به دنبال کشف حقیقت و حل مسائل و پاسخ‌گویی به شبهات‌اند. علاوه بر آن امروز شبهه افکنی در حوزه فرهنگ دینی یکی از برخطرترین جلوه‌های تهاجم فرهنگی در عرصه تربیت دینی است این شبهات گذرگاه خوبی هستند اما عدم پاسخ‌گویی به آن‌ها موجب تزلزل در عقاید و اندیشه‌های دینی آنان می‌گردد و پایه‌های تربیت دینی را سست می‌گرداند. جوان اگر احساس کند که مسجد محلی برای پاسخ‌گویی به سؤالات اوست و در آن شخصیت ارزشمند و فرهیخته‌ای است که درد او را درک می‌کند، خواهناخواه به سمت‌وسوی او متمایل می‌گردد و دیگران را نیز با خود همراه می‌سازد.

۹ - پیوند مسجد با زندگی جوان:

اگر مساجد از خاصیت تک‌بعدی (معنوی گرایی) به‌سوی چندبعدی شدن سوق داده شود و اقدام عملی در جهت نیازهای فردی و اجتماعی نسل جوان برآورد قطعاً در جذب جوانان موفق خواهد بود. وجود برخی مشکلات



مسجد و سلامت اجتماعی

بهداشت و ایمنی شعار نیست، شعور است.

سعید لواف
پژوهشگر و کارشناس امور اجتماعی

جهانی بهداشت (WHO) بیانگر این مسئله است که سلامتی یک مسئله چندبعدی است حتی امروزه علاوه بر بعد جسمی، روانی و اجتماعی جنبه معنوی را هم در نظر می‌گیرد و باید توجه داشت که ابعاد مختلف سلامتی و یا بیماری بر یکدیگر اثر کرده و تحت تأثیر یکدیگر قرار دارند.

مفوله «مسجد و قانون‌گذاری» با موضوع مأموریت مساجد، اخیراً در دستور کار مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی قرار گرفته است و با توجه به فراگیر شدن سیستم مدیریت یکپارچه (Integrated Management System) بدیهی است در صورتی که مساجد، موفق به گرفتن گواهینامه IMS شوند می‌توان امید و انتظار داشت یکی از اصلی‌ترین زیرساخت‌ها برای محور قرار گرفتن مساجد در ارائه خدمات فرهنگی و اجتماعی محله شکل گرفته است. لذا اقدامات انجام‌شده برای ارتقای سلامتی می‌بایستی به تمام جوانب سلامتی فردی، جسمی، روانی، معنوی و سلامت کلی (اجتماعی) جامعه توجه داشته باشد.

موضوعاتی نظیر معنویت و سلامت در قرآن، شواهد علمی در زمینه سلامت معنوی، رفتارهای بهداشتی، حمایت‌های اجتماعی و احساس رضایت ناشی از دیدگاه معنوی (سایکو نورو فیزیولوژیک) و بسیاری از پدیده‌های بررسی‌شده موجود، مبین این مطلب است که بدون توجه به بعد معنوی انسان، نمی‌توان جسم، روان و همین‌طور شخصیت اجتماعی او را شناخت و برای سلامت آن کاری کرد.

از سوی دیگر، هر حوزه سازمانی نظیر مساجد اعم از شهری و روستایی برای پویایی و ارتقاء خود نیازمند تدوین و به‌کارگیری استانداردهای اخلاق حرفه‌ای مبتنی بر اخلاق اسلامی هستند. برنامه‌ریزی برای سازندگی و بهبود سیر تعالی و رسیدن به رستگاری، می‌تواند با بهره‌گیری از (H.S.E) و توجه خاص به سلامت اجتماعی، بسترهای لازم را در محور قرار گرفتن مساجد اعم از شهری و روستایی برای ارائه خدمات فرهنگی و اجتماعی بهتر و مناسب‌تر فراهم آورد.

آشنایی مختصر با:

سیستم مدیریت یکپارچه (Integrated Management System) سیستم مدیریت یکپارچه سیستمی متشکل از سه استاندارد سیستم مدیریت کیفیت ISO9001 و سیستم مدیریت زیست‌محیطی ISO14001 و سیستم ایمنی و بهداشت شغلی OHSAS18001 می‌باشد.

مزایای سیستم مدیریت یکپارچه IMS:

۱. ارزیابی مشاورین، بیمانکاران و تأمین‌کنندگان
۲. ارزیابی میزان ریسک ناشی از اجرای فعالیت‌ها مرتبط با محصولات و خدمات در مساجد

زمین گهواره انسان است و او باید در آن احساس آرامش کند.
قرآن کریم - سوره زحرف، آیه ۱۰

مقدمه: موضوع HSE - Health Safety and Environment

بهداشت، ایمنی و محیط‌زیست مفوله‌ای نسبتاً جدید است که طی سالهای اخیر علاوه بر حوزه‌های صنعتی، تجاری و توریستی، در حوزه‌های اجتماعی نیز به‌طور فراگیر مطرح و موردتوجه قرار گرفته است. بر اساس ظرفیت‌ها و قابلیت‌های مهم این مفوله، در نظر است که در حوزه فرهنگی نیز مورد رسیدگی قرار گرفته، ابعاد گوناگون آن بررسی شود. بعد از آشنایی مختصر با HSE به شرح ذیل، بهره‌گیری از سیستم مدیریت یکپارچه (IMS) در فرایند امور مساجد اعم از شهری و روستایی مورد مذاقه قرار می‌گیرد. در انتها، جمع‌بندی موضوع با ارائه راهکارهایی که جنبه راهبردی دارد در حوزه مسجد و سلامت اجتماعی ارائه می‌شود.

Health: بهداشت و سلامت خادمین مساجد و کلیه افراد مرتبط، صدور کارت بهداشت و انجام معاینات پزشکی دوره‌ای، کنترل و نظارت بر مکان‌های پذیرایی و ملزومات آن‌ها، کنترل و نظارت بر سرویس‌های بهداشتی و غیره.
Safety: انجام تدابیر ایمنی (اطفاء حریق)، انجام تدابیر حفاظتی و غیره، نصب جعبه کمک‌های اولیه و انجام آموزش‌های مربوطه به افراد ذی‌ربط و حتی آموزش همگانی.

Environment: انجام تدابیر زیست‌محیطی، زیباسازی محیط داخل و خارج مسجد، ساماندهی و نظارت بر تهویه هوا، معطر سازی هوا، کنترل آلاینده‌های احتمالی و ... جلوگیری از آلودگی صوتی از خارج به داخل مساجد، کنترل و بهینه‌سازی حجم صدای لازم برای فضاهای مسجد خصوصاً در ایام مناسبت‌های مذهبی.

شایان‌ذکر است در صورت نهادینه شدن دستورالعمل‌ها و اجرایی شدن آن‌ها در امور ساختمانی و معماری و تأسیساتی مساجد، در امور نگهداری و تربیت نیروی انسانی کارآمد در مساجد، ترویج و گسترش دانش مذکور به اجتماع نمازگزار، تدوین استراتژی‌های لازم در مدیریت کلان مساجد و رعایت آن‌ها می‌توان انتظار و امید داشت که برای مساجد نیز گواهینامه‌های ISO طرح و در سطح بین‌المللی عملیاتی نمود.

چکیده مطالب مسجد و سلامت اجتماعی:

هرچند از طرح موضوع سلامت معنوی بیش از پنج دهه می‌گذرد ولی همچنان ابعاد این موضوع بااهمیت، ناشناخته باقی‌مانده است. تعریف سازمان

مساجد از سوی مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی مبین ضرورت رسیدگی و بررنگ نمودن این مهم می‌باشد.

ج. راهکارهای ذیل می‌تواند جنبه‌های راهبردی موضوع مسجد و سلامت اجتماعی را بیشتر آشکار نماید.

- ۱ ارتقای فرهنگ سلامت، ایمنی و محیط‌زیست از طریق فرهنگ‌سازی مناسب در مساجد و حوزه‌های فرهنگی.
 - ۲ بهبود شرایط محیط مساجد از نظر بهداشت، ایمنی و ... به‌وسیله پایش عوامل زیان‌آور فیزیکی، شیمیایی، و بیولوژیکی و توجه به مهندسی فاکتورهای انسانی (ارگونومی).
 - ۳ گسترش فرهنگ مشارکت و ایجاد هم‌افزایی در مجموعه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی.
 - ۴ افزایش رضایت نمازگزاران و مراجعین به مساجد و ارائه عادلانه خدمات سلامت، رفاه و حمایت اجتماعی.
 - ۵ توجه به تغذیه و امنیت غذایی در پذیرایی‌های مراسم مختلف در مساجد با عنایت به شیوه زندگی سالم.
 - ۶ تغییر نگرش و توجه به نگاه پیشگیرانه در برنامه‌های کنترل حوادث در حوزه‌های دینی، مساجد و مراکز فرهنگی.
 - ۷ کاهش مصرف منابع انرژی و حفظ محیط‌زیست و کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی داخل و خارج مساجد.
 - ۸ تشکیل کارگروه‌های تخصصی به‌منظور ارائه طرح‌ها و پیشنهادات، توصیه‌ها در جهت ارتقاء کیفی و بهبود وضعیت مساجد و حوزه‌های تابعه از طریق بهره‌گیری افراد مشاور و با شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات HSE و ISO.
 - ۹ برنامه‌ریزی صحیح جهت اجرای دقیق فرایندهای HSE در راستای سیستم مدیریت یکپارچه (IMS).
 - ۱۰ دستیابی به قوانین و مقررات HSE ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مرتبط با مساجد و محل‌های اجتماعات فرهنگی.
 - ۱۱ توسعه زیرساخت‌ها و یکپارچگی ساختار HSE در مساجد برای تمامی مساجد شهری و روستایی.
 - ۱۲ ارائه خدمات (اعم از دینی، فرهنگی و اجتماعی) با رویکرد ارتقاء سلامت جامعه و کاهش بیماری‌ها.
 - ۱۳ ایجاد و توسعه رابطه معقول و منطقی بین منافع فردی و دینی.
 - ۱۴ توسعه فضای کاری پرخادبه و نوام با اعتماد و اطمینان به‌نجوی که حامی و پشتیبان وحدت، همدلی و صداقت، خلاقیت و نوآوری، واقع‌گرایی، ابتکار، عدالت محوری و وجدان کاری در مساجد باشد.
 - ۱۵ ترویج و نهادینه‌سازی منشور اخلاقی و دینی مساجد.
 - ۱۶ توسعه نگرش صرفه‌جویی (بهره‌گیری و حفاظت از بیت‌المال).
 - ۱۷ ایجاد ظرفیت مشارکت‌جویی و مشارکت‌پذیری آحاد افراد جامعه در فرآیند سلامت اجتماعی به‌نجوی که برنامه‌های آن قابلیت اجرا در مساجد شهری و روستایی داشته باشد.
 - ۱۸ آموزش مهارت و توسعه فرهنگ دینی و اخلاقی و شایسته‌سالاری.
 - ۱۹ اجرای نظام 5S (خاستگاه 5S کشور ژاپن بود. پس از جنگ جهانی دوم ژاپنی‌ها به این پدیده که معیارهایی همچون نظافت، بهداشت، نظم و ترتیب، جلوگیری از حوادث ناگوار، جلوگیری از انباشت ضایعات در محیط بود اهمیت خاصی قائل شدند. نظام 5S را می‌توان به‌طور خلاصه به‌صورت زیر بیان کرد:
۱. Seiri سازمان‌دهی
 ۲. Seiton مرتب‌سازی
 ۳. Seiso تمیز و پاکیزه نگاه‌داشتن
 ۴. Seiketsu استانداردسازی
 ۵. Shitsuke فرهنگ‌سازی
- به‌عبارت‌دیگر می‌توان با اجرای این نظام در امور مساجد شاهد بهسازی و بهبود روند فعالیت‌ها و عملکرد جاری و فرهنگی باشیم.

- ۳ حذف و کاهش میزان ریسک مرتبط با مخاطرات و کاهش و حذف جنبه‌های زیست‌محیطی
- ۴ اطمینان از اعمال و رعایت قوانین مرتبط موجود.
- ۵ تعیین اهداف در ارتباط با ایمنی و بهداشت شغلی و زیست‌محیطی و کیفیت.
- ۶ ایجاد آمادگی‌های لازم در برخورد با شرایط اضطراری
- ۷ افزایش میزان آگاهی و اطلاع افراد به‌طور نظام‌یافته (سیستماتیک).
- ۸ برنامه‌ریزی و زمان‌بندی اصولی و منطقی خدمات در مساجد و دهها مزیت دیگر در محیط‌های گوناگون کاری در مساجد.

مراحل اخذ گواهینامه IMS:

- تعیین و تدوین خط مشی و اهداف ایمنی و بهداشت، زیست‌محیطی و کیفی و برنامه‌های کاری در مساجد.
 - تحت کنترل درآوردن، یکپارچه‌سازی، بروز رسانی و بهینه‌سازی مستندات و سوابق امور در مساجد.
 - ارزیابی دوره‌ای تطابق با اهداف و برنامه‌ها و الزامات زیست‌محیطی و ایمنی و بهداشت
 - نیازسنجی، برنامه‌ریزی، اجرا و اثربخشی آموزشی برای خادمین مساجد، نمازگزاران و دست‌اندرکاران امور مساجد.
 - تدوین و تعیین معیارهای عملیاتی و کنترل عملیات شامل: مخاطرات، ریسک، حوادث، جنبه‌ها، پیامدها
 - شناسایی الزامات قانونی و مقرراتی فعالیت‌ها، خدمات مرتبط با خطرات و ریسک‌ها، تعیین، شناسایی و کنترل ریسک، جنبه‌ها و پیامدها و خطرات ایمنی و بهداشت شغلی مرتبط با مساجد.
 - ایجاد مکانیزمی برای تعیین و پاسخگویی به طرف‌های ذینفع و ارتباطات داخلی و بیرونی (خارجی) محیط برای مساجد.
 - تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از انواع نمودارها، گزارشات آماری از کلیه واحدهای مربوطه
 - برنامه‌ریزی، تهیه چک لیست‌ها، اجرای و ثبت مشاهدات ممیزی و موارد عدم انطباق ممیزی
 - مسئولیت انجام، مهلت اجرا، بررسی اقدامات به‌عمل آمده و اثربخش بودن اقدامات اصلاحی و پیشگیرانه.
 - بهبود مداوم در تمام واحدها و بخش‌های مساجد
 - تدوین طرح‌های کیفی، روش‌های کنترلی و بازرسی حین انجام خدمات و حتی بعد از آن.
 - ممیزی شخص ثالث توسط شرکت گواهینامه دهنده.
- بعد از آشنایی با سیستم مدیریت یکپارچه بدهی است در صورتی که مساجد موفق به گرفتن گواهینامه IMS شوند می‌توان امید و انتظار داشت یکی از اصلی‌ترین ربرساخت‌ها برای محور قرار گرفتن مساجد در ارائه خدمات فرهنگی و اجتماعی محله شکل گرفته است.

جمع‌بندی و پیشنهادات:

الف. نگاه کلی به موضوع سلامت با رویکرد اجتماعی در حوزه خدمات فرهنگی، اجتماعی محله در محیط‌های مساجد شهری و روستایی می‌تواند ابعاد بسیار گسترده‌ای در موارد ذیل داشته باشد:

۱. نیروی انسانی اعم از نمازگزاران و خادمین مساجد (ازنقطه‌نظر صدمات، بیماری و مرگ)
۲. تجهیزات و امکانات مساجد (ازنقطه‌نظر اتلاف سرمایه، سرویس و جایگزینی آن‌ها)
۳. محیط‌زیست مساجد (ازنقطه‌نظر تأثیر آلاینده‌ها نظیر انتشار گازهای CO₂، CO و SO₂ در صورت احتراق ناقص سیستم‌های حرارتی (موتورخانه مرکزی، یکج و ...)، رویدادهایی نظیر بسملاهای شهری که تأثیر سوء بر محیط‌زیست خواهند داشت).
۴. فعالیت تولید و چرخه کار و اداره مساجد (ازنقطه‌نظر از دست دادن فرصت برای انجام فعالیت‌ها مربوطه). این موارد تحت عنوان اقتصاد HSE نیز مطرح می‌شوند.

ب. توجه و تأکید به موضوع سلامت در نظام تحول اداری ابلاغی مقام معظم رهبری، شاخص‌های سیمای سلامت در جمهوری اسلامی ایران (مضوب وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی)، لزوم قانون‌گذاری در



متنی زیبا از شهید بهشتی در مورد نماز

تحریریه نشریه

آرزوهایش فرومی‌برد که گه‌گاه برای رسیدن به این آرزوها در برابر این‌وآن به چم‌وخمش وامی‌دارد؛ از خود و شخصیت واقعی و انسانی خود بیگانه‌اش می‌سازد و جسم و جانش را آلوده می‌کند. از آلودگی جسمی مثال بزنیم:

کمتر کسی است که درائشای کار روزانه، دستش، لباسش، دست و صورتش، سر و پایش، و گاهی همه پیکرش، کثیف نشود و به تنظیف روزانه آن‌ها نیازمند نگردد. دانش‌آموز یا دانشجویی که درسی می‌خواند، معلمی که درسی می‌دهد، کشاورزی که به کندوکاو زمین، کاشتن تخم با نشاندن نهال، آبیاری، وچین یا درو و برداشت محصول مشغول است، کارگر یا مهندسی که در کارگاه کار می‌کند، پرستار یا پزشکی که با بیماران سروکار دارد، بانوی خانه‌داری که خانه را اداره می‌کند، پیشه‌ور یا بازرگانی که به دادوستد مشغول است و محققى که به کاوش علمی می‌پردازد، همه باید روزی یک یا چند بار لباس و تن خود را شست‌وشو دهند تا پاکیزه بمانند.

روح ما نیز در میدان زندگی روزانه به همین اندازه یا بیشتر در معرض آلودگی است: آلودگی به هوس‌های تحریک‌شده و لجام‌گسیخته، خودخواهی‌ها و چشم‌پوشی‌های برانگیخته، غرور ناشی از پیروزی و کامیابی، یا عقده روانی ناشی از شکست و ناکامی، و به دنبال آن حسد و کینه و انتقام و صدها آلودگی دیگر. این آلودگی‌ها روح را تیره می‌کند و ما را از راه راست زندگی، راه پاکی و فضیلت و تقوا منحرف می‌سازد و به راه فساد می‌کشاند؛ از یاد خدا غافل می‌کند و به دام شیطان و وسوسه‌های شیطانی می‌افکند.

بنابراین، باید همان‌طور که لباس و تن خود را می‌شوئیم و پاکیزه می‌کنیم، دل‌و جان خود را هم شست‌وشو دهیم و پاکیزه کنیم؛ خود را به خدا، سرچشمه پاکی و کمال، نزدیک سازیم؛ لحظاتی را به یاد او، به نیایش او، و راز و نیاز با او بگذرانیم و روح آلوده را در چشمه صاف و زلال الهی شست‌وشو دهیم. این است نمازی که مسلمان روزی چند بار می‌خواند...

در آن لحظه که آدمی به کمال و شکوه بی‌نهایت آفریدگار جهان می‌اندیشد، سراپا شیفته آن می‌شود؛ دل‌و جانش به خضوع و خشوع و فروتنی می‌گراید؛ با آهنگ فطرت در برابر آن همه کمال و عظمت سر تعظیم فرود می‌آورد: «رکوع»؛ سر به زمین می‌ساید: «سجود»؛ و زبان به ستایش می‌گشاید: «حمد و تسبیح». قرآن عبادت را مخصوص خدای یکتا می‌شمرد و پرستش هر کس و هر چیز دیگر جز خدا را حرام و گناهی بس بزرگ می‌داند:

«و قُضِيَ رِبْكَ اَلَا تَعْبُدُوا اِلَّا اِيَّاهُ...» «فرمان خدا بر آن رفته که جز او را نپرستید...» اسلام از نظر کلی، برای عبادت خدای یکتا هیچ زبان یا شکل خاصی معین نکرده و هیچ قید و شرطی نگذارده است. تنها شرط مهم عبادت در اسلام این است که آنچه بتدگان خدا به‌عنوان عبادت به‌جام می‌آورند به اوهام و خرافات، شرک، خودنمایی و ریا آلوده نباشد.

بنابراین، مسلمانان با رعایت کامل این نکات، در هر وقت و هر جا، به هر زبان و هر لغت و به هر شکل و هر جور که بخواهند می‌توانند به نیایش خدا و راز و نیاز با او بپردازند.

نماز، مراسم مخصوصی برای پرستش خدا و راز و نیاز با اوست که در آن جنبه‌های ارزنده و آموزنده خاصی در نظر گرفته‌شده، و به همین جهت شکل مخصوصی به خود گرفته است.

نماز، سرود توحید و یکتاپرستی و سرود فضیلت و پاکی است که باید فکر و روح ما را در برابر عوامل شرک‌زا و آلوده‌کننده‌ای که در زندگی روزمره با آن‌ها سروکار داریم پاک و یکتاپرست نگه دارد. هر یک از ما در زندگی روزانه خود سرگرم کار و هدف خویش است و کمتر به چیزی دیگر جز آن می‌اندیشد. سرگرمی به کار و تلاش روزانه درراه زندگی، برای بشر امری طبیعی و ضروری است؛ به جسم و جانش نشاط می‌بخشد، راه‌های جدید زندگی را به روی او می‌گشاید و او را درراه علم و هنر و صنعت و ایجاد وسایل گوناگون بهتر زیستن به جلو می‌راند؛ ولی درعین‌حال او را چنان در خود و

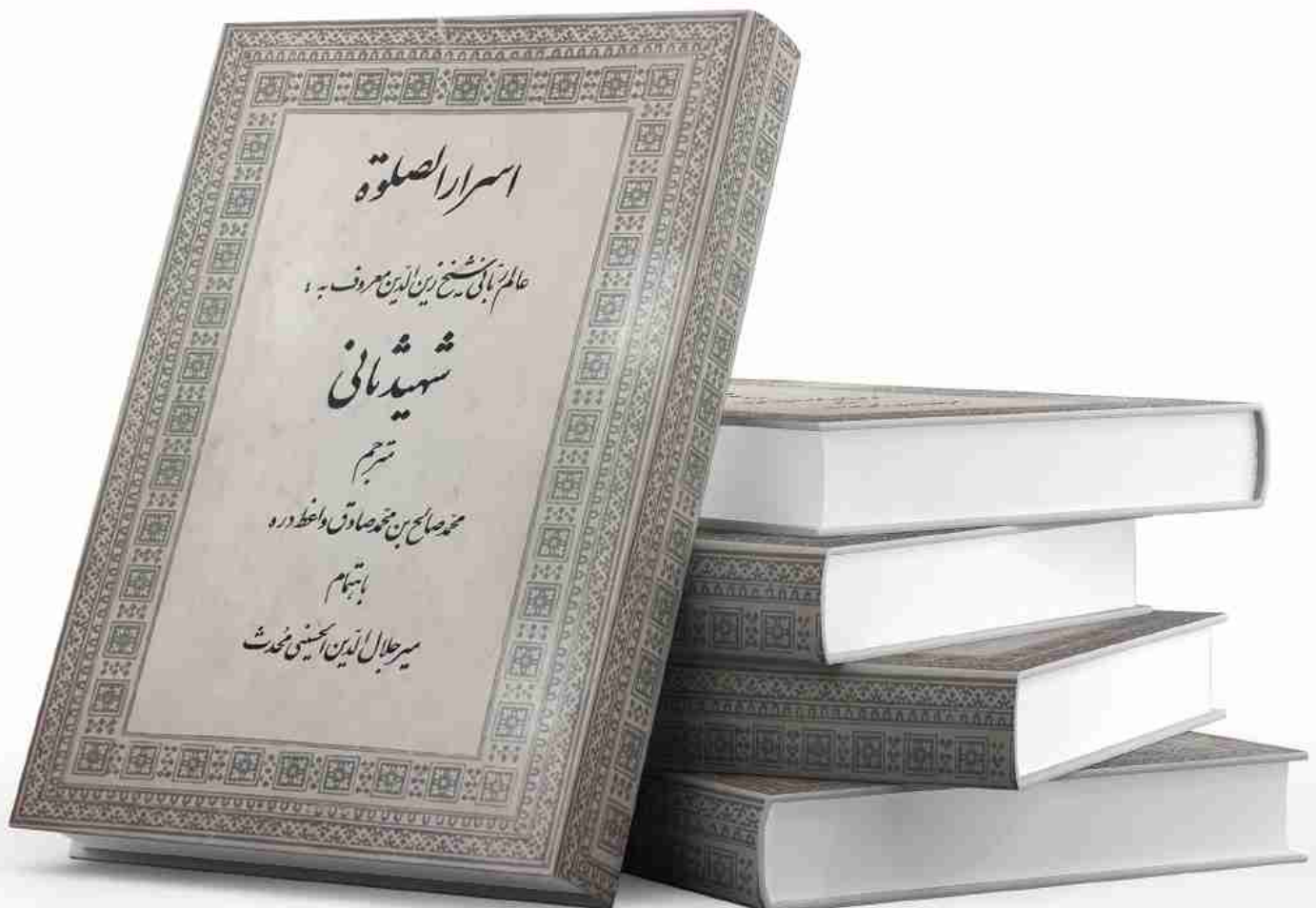
کتاب اسرار نماز

نوشته شهید ثانی

روح الله علی‌رضالو

که یکی القیه در نمازهای یومیه و دیگر التغلبه در نمازهای مستحب و یکی اسرار الصلوة می‌باشد. کتاب اسرار الصلاة مشتمل بر به مقدمه و سه فصل و یک خاتمه می‌باشد مقدمه شامل سه مطلب می‌باشد، اول تحقیق در معنای قلب حضور قلب آنچه که مانع از حضور قلب می‌باشد اما فصل اول کتاب در مقدمات نماز فصل دوم در مقارنات نماز (آن اعمالی که با نماز همراه هستند مثل نیت، تکبیره الاحرام رکوع سجود و فصل سوم در مورد آنچه که با نماز منافات دارد و در خاتمه دو بحث را جناب شهید ثانی مطرح می‌نمایند یکی بحث حیران خللهایی که در نماز واقع می‌شود، دیگری در خصوصیات نمازهای دیگر غیر یومیه امید است با مطالعه این کتاب نسبت به اسرار نماز آشنایی بیشتری داشته باشیم

نماز طبق فرمایش امام رضا علیه اسلام نزدیک کننده هر متقی به خداوند متعال می‌باشد با توجه به اهمیت و سفارشی بزرگان دین معیار اعمال را نماز می‌دانند که فرمود به آن تمام اعمال تابع نماز می‌باشد یا در روایتی فرمود که اگر نماز قبول شد دیگر اعمال قبول می‌باشد در این نوشتار کتابی پیرامون نماز محضر مبارک‌کنان معرفی می‌نمایم یکی از کتاب‌های پرمحتوا و قابل توجه که در زمینه نماز نوشته شده کتاب اسرار الصلوة مرحوم عالی مقام شیخ زین‌الدین معروف به شهید ثانی فقیه نامدار شیعی در قرن دهم که از نوادگان علامه حلی می‌باشد البته اصل کتاب به صورت عربی تألیف گردیده که جناب آقای محمد صالح بن محمد صادق واعظ دره ترجمه نموده است مرحوم آقا بزرگ می‌نویسد که شهید ثانی سه رساله در زمینه نماز داشتند



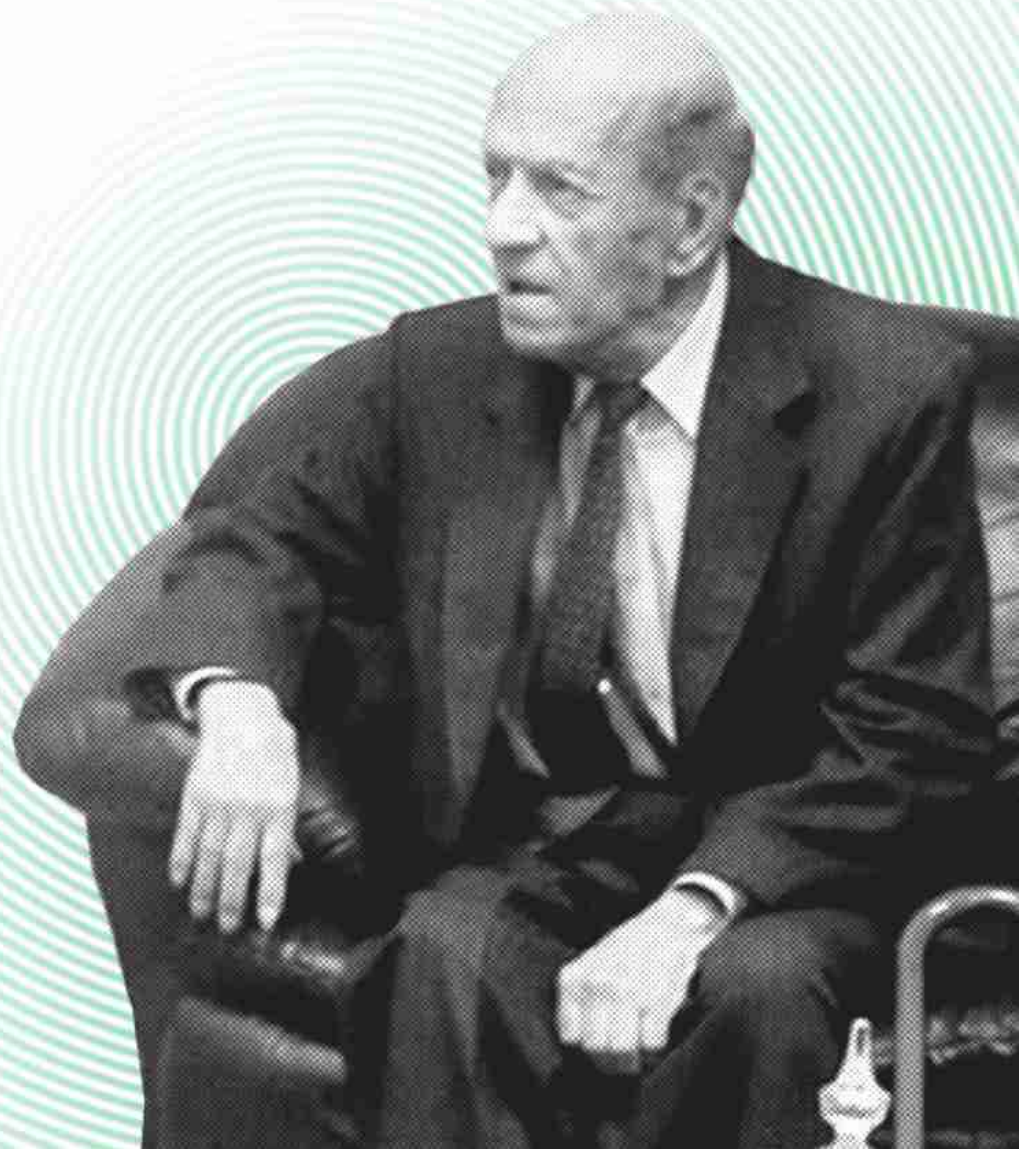
مصاحبه ای خواندنی از جرج جرداق مسیحی

تلخیص: محمدنوروزی
برگرفته از شفقنا - لبنان

جرج جرداق مسیحی: بعد از امام علی (ع) کسی را سزاوار نویسندگی ندیدم به همین دلیل جز ایشان در مورد کسی ننوشتم

جرج جرداق درباره راز عدم نوشتن درباره شخصیت دیگری غیر از علی علیه‌السلام سخن می‌گوید و بیان می‌کند: عده‌ای از مردم کشورهای حوزه خلیج فارس و مصر به من پیشنهاد می‌کردند که مثلاً در مورد عمر و یا دیگران بنویسم... اما من نپذیرفتم نه به این خاطر که بخواهم بگویم عمر و یا کس دیگری بد است نه اصلاً این‌طور نبود بلکه من پس از علی علیه‌السلام کسی را شایسته نوشتن ندیدم و تصمیم گرفتم که جز در مورد علی (ع) ننویسم «جرج جرداق» مسیحی مورخ و شخصیتی سرشناس است که چهار دهه از عمر خود را صرف مطالعه و تحقیق در مورد به تعبیر خودش یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های جهانی یعنی امام الموحدین حضرت علی

علیه‌السلام کرده است. حاصل تحقیقات وی چندین جلد کتاب ارزشمند در مورد شخصیت امام علی (ع) است. جرج جرداق در منزل شخصی‌اش در منطقه الاشرفیه بیروت ساکن بوده است. ابتدای مصاحبه وی این چنین آغاز می‌کند: سلام بر همه کسانی که خورشید حسین و یادهای کریلا چهره او را سوزانده است، سلام بر کسانی که زمین لمسش کرده و از فرات آب نوشیده است، سلامی با بوی انقلاب و بهشت پیروزی، سلام بر تمامی حسینیان و زائرانی که طریق عاشورا در پیش گرفتند. وی پس از حوشامدگویی که از ضمیر و روی گشاده‌وی برده برمی‌دارد، ادامه می‌دهد: حسین بن علی (ع) امام عادل بود و در جنگ با یزید فلسق دستور شرعی داشت. جرداق در پاسخ به اینکه چه شباهت‌هایی بین علی (ع) و حسین (ع) وجود دارد و اینکه چرا علی (ع) را برای نوشتن انتخاب کرده و امام حسین (ع) را انتخاب نکرده است، می‌گوید: بی‌بردم که حسین (ع) خط طبیعی پدرش علی (ع) است و به این موضوع نیز در نوشته‌هایم اشاره کرده‌ام. از فسق



کشتار خالی بوده است. بنابراین تصمیم گرفتم که این موضوع را انتخاب کنم. پژوهشگر و محقق مسیحی لبنان می‌افزاید: انقلاب علی علیه‌السلام انقلاب انسانی، اجتماعی، فکری و فرهنگی بود و در آن بین دو جنبه فسق و قتل و قاجاق انسان و برده و مرگ از یک طرف و جنبه دین و رحمت و عدالت و انسانیت و آزادی و حیات فاصله‌های زیادی بود. موصوف شدم که جنبه علی را که خالص‌ترین جنبه‌ها است، مورد بررسی و تحلیل قرار دهم. این جنبه راه را برای من روشن کرد و چراغ راهم شد.

این اندیشمند لبنانی درباره دلیل انتخاب سقراط به‌عنوان نمونه‌ای برای مقایسه با علی علیه‌السلام و اینکه چرا افلاطون، ارسطو، طالبس، آدیوجین و فرد دیگری را انتخاب نکرده است، می‌گوید: سقراط استاد همه این افراد بود و علی در حکمت و فلسفه استاد عصر و نسل خود بلکه استاد نسل‌های بعد از خود است به همین دلیل در مورد علی (ع) و نهج‌البلاغه نوشته‌ام.

وی در ادامه درباره راز عدم نوشتن درباره شخصیت دیگری غیر از علی علیه‌السلام سخن می‌گوید و بیان می‌کند: عده‌ای از مردم کشورهای حوزه خلیج فارس و مصر به من پیشنهاد می‌کردند که مثلاً در مورد عمر و یا دیگران بنویسم... اما من نپذیرفتم نه به این خاطر که بخواهم بگویم عمر و یا کس دیگری بد است نه اصلاً این‌طور نبود بلکه من پس از علی علیه‌السلام کسی را شایسته نوشتن ندیدم و تصمیم گرفتم که جز در مورد علی (ع) ننویسم.

جرداق در پاسخ به سوال در مورد منهج علی (ع) و شخصیت تربیتی، اجتماعی و انقلابی ایشان، از تأثیر زمانی و مکانی خود از نهج‌البلاغه سخن می‌گوید و معتقد است که نهج‌البلاغه در بعد انسانی و تشریحی جزو قوانینی است که همانند آن اندک است.

وی با اشاره به اینکه سخنان بسیاری از امام علی در نهج‌البلاغه را به خاطر سپرده است، از شیوه نگارش امام در نهج‌البلاغه، شیوایی کلام و استحکام عبارات آن سخن می‌گوید.

جرج حرداق نویسنده لبنانی در ادامه گفتگوی خود، از امام حسین (ع) و ایده مقاومت در نزد - به تعبیر وی این مرد شجاع سخن می‌گوید و تصریح می‌کند: بیزید - لعنت الله علیه حیوانی انسان‌نما بود و تا مدت‌ها آرزو می‌کردم که کاش قبل از آن اقدام شرم‌آور خودکشی کرده بود و یقین دارم که با آن اقدام در واقع خودکشی کرد. برگزاری مراسم سالگرد انقلاب حسینی و راهپیمایی کربلا و عاشورا دلیل عقلی و واقعی بر پیروزی خون بر شمشیر است. حسین علیه‌السلام آزادی را به مردم و زائرانش آموخت و به آن‌ها آموخت تا راه عدالت و شهادت را در پیش بگیرند.

اندیشمند بزرگ لبنانی سخن خود را با ذکر این نکته که زندگی خود را در راه تحقیق در مورد امام علی صرف کرده است، به پایان برده. می‌گوید: از علی نوشتم و چه سبب زیارت ایشان و پیوستن به رکاب وی را آرزو کردم. ایشان منهج من، و مرد آزادی و عدالت و صلح است.

«جرج سمعان حرداق» نویسنده، اندیشمند و ادیب مسیحی لبنان است که در سال ۱۹۳۳ م در منطقه مرجعیون در جنوب لبنان دیده به جهان گشود. وی صاحب دایرةالمعارف «علی: ندای عدالت انسانی، علی و حقوق بشر، علی و انقلاب فرانسه، علی و سقراط، علی و ناسیونالیست عربی» و عناوین دیگری در این زمینه است.

معاویه و حمایت وی و همچنین ظلم بیزید و زورگویی‌های وی نیز نوشتم. هنگامی که از تمدن علی (ع) برای تاریخ انسانیت نوشتم، بی‌بردم که در ایشان وجوه مشترکی با ادیان کبھانی و ربانی وجود دارد بنابراین ایشان را به‌عنوان نمونه‌ای برای موفقیت انقلاب فرانسه و عدالت و حقوق بشر انتخاب کردم و همچنین در اثر «علی و سقراط» ایشان را چراغی برای فلسفه و حکمت و اخلاقی برگزیدم.

این اندیشمند مسیحی لبنان می‌افزاید: نوشتن کتاب علی علیه‌السلام و ناسیونالیسم عربی پاسخی بود به کسانی که ایشان و مرا به شعوبه منم می‌کردند. مثال‌های زیادی با این مفاد ذکر کردم که نباید آنچه که بین من و علی علیه‌السلام و یا بین علی (ع) و فرد دیگری رخ می‌دهد مبتنی بر نژاد، گروه، حزب و یا طرز تفکری تنگ‌نظرانه تلقی شود.

جرج حرداق ادامه می‌دهد: عدالت موجود در علی علیه‌السلام و عادات عربی اصیلی چون دوست داشتن خیر، کمک، اخوت، شهادت، کرم، مردانگی، فھرمانی، سوارکاری، شجاعت، عدل، انصاف، فرهنگ، ادب، فکر، علم، دین و زهد و ترس از خداوند و امور دیگری از این دست که از عادات اصیل یک فرد عربی محسوب می‌شود، مرا واداشت تا از امام علی (ع) نمادی ملی و عربی اتخاذ کنم و به ایشان افتخار کنم.

جرداق معتقد است که شخصیتی نزدیک به علی علیه‌السلام و روش تفکر وی وجود ندارد. او علی علیه‌السلام را انسانی ناب برمی‌شمارد و معتقد است که لازم نیست صفت ربوبیت به ایشان بدهیم؛ علی یک انسان است اما قدرت ایشان در ایجاد نوعی بیداری و نوعی آگاهی جهانی در زمینه حقوق و برابری و عدل و عقو و تسامح باعث شده است تا وی در نظر برخی افراد فرا بشری باشد.

جرداق آنگاه می‌گوید: علی علیه‌السلام یک انسان نمونه بودند. ایشان در دولتش عدالت محمدی (ص) را بنیان نهادند. مگر ایشان نیست که می‌گوید فقر در وطن، غریب است. مال در غریب، وطن است و اینکه مردم دو گروه هستند: یا برادر تو در دین هستند و یا همنوع تو در آفرینش هستند. این همان چیزی است که جبران خلیل جبران نیز به آن اشاره کرده است جبران از امام علی (ع) تأثیر پذیرفت و در مورد ایشان می‌گوید پیامبر (ص) امام علی (ع) را به عیسی بن مریم تشبیه می‌کرد این تشبیهی تنها جسمانی نیست چون من یقین دارم که نور علی از نور پیامبران و فرستادگان خداوند متفاوت نیست.

این نهج‌البلاغه پژوه خاطر نشان می‌کند: به نظر من سخن يسوع و طلب غفران و رحمت برای کسانی که صلیب را برای وی مهیا می‌کردند، با سخن امام علی (ع) هنگامی که از سوی ابن ملجم ضربت خورد شهادت دارد آنجا که فرمود: اگر زنده ماندم خودم به کارش رسیدگی می‌کنم اگر مردم، او را یک ضربت بزنند.

وی در پاسخ به اینکه دلیل انتخاب علی (ع) و انقلاب فرانسه چه بوده است، تأکید می‌کند: پس از انقلاب فرانسه که غرب به قاتلانی بربری تبدیل شد و مردم در بین آن‌ها بیشتر به گله‌های گوسفندی در خدمت امرای خود تبدیل شده بودند و کشت و کشتار به راه انداخته بودند، صلاح‌دیدم که چیزی در این زمینه بنویسم و طبیعتاً در مورد امام علی (ع) مطالعه داشته و از ایشان تأثیر پذیرفته بودم، به این موضوع پی بردم که ایشان انقلاب‌های بی‌درپی انجام داده است در حالی که انقلاب‌های ایشان و رویدادهای آن از کشت و

بحار الانوار

تحریریه نشریه

چکیده:

نام کامل کتاب «بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام» است. از عمده‌ترین و گسترده‌ترین دائرةالمعارف بزرگ حدیث شیعه است که روایات کتب حدیث را با یابندگی و نظم داده است و ایشان در تفسیر و شرح روایات از منابع مختلف لغت، فقه، تفسیر، کلام، تاریخ، اخلاق و... استفاده کرده است.

انگیزه نگارش

مرحوم مجلسی پس از آموختن کتب روایی مشهور به دنبال کتب و مراجع دورافتاده رفت. علامه که اوضاع را برای یافتن این کتب به شهرها و کشورهای مختلف اسلامی گسیل داشت و باهمت و پشتکار او مقدار زیادی از این کتب پیدا شد.

علامه مجلسی پس از مطالعه این منابع مهم و بی بردن به ارزش آن‌ها نهایت سعی خویش را برای نسخه‌برداری و تکثیر این کتب نمود. به همین جهت است که هم‌اکنون نسخه‌های خطی فراوانی از کتب مختلف اسلامی از قرن ۱۱ و ۱۲ هجری در دست است.

علامه شاگردان خود را نیز تشویق می‌کرد به‌طوری‌که مثلاً از سید نعمت‌الله جزائری که از شاگردان میرز علامه مجلسی است ده‌ها کتاب موجود است که به خط خویش آن‌ها را استنساخ نموده است.

علامه مشکل مهمی در این کتب یافت و آن تنوع فراوان عناوین کتاب‌ها و تنوع موضوعات بود به‌طوری‌که گاهی یافتن مطلب و موضوع دلخواه در آن‌ها کاری بسیار مشکل و خسته‌کننده می‌شد.

از سویی بیم آن می‌رفت که پس از چند سال یا چند دهه دوباره گرد غریت بر این کتب بنشیند و زحمات علامه و معاصرانش عقیم بماند و احتمالاً تمام نسخه‌های این کتب نابود گردد.

او خود در مقدمه بحار چنین می‌گوید: «من در آغاز جوانی بر دانش‌آموزی در انواع علوم حریص بودم و مدتی از عمر خویش را در استفاده از این دانش‌ها سپری کردم، ولی پس‌ازاندیشه در ثمرات این علوم و تأمل در علم سودمند برای آخرت دریافتیم که زلال علم تنها از سرچشمه وحی و روایات اهل بیت علیهم السلام به دست می‌آید.

بدین‌سان علامه که علوم عقلی و نقلی گوناگون عصر خویش را خوانده و در هر یک از آن‌ها استادی توانمند بود وجه نظر خویش را معطوف به کلمات گهربار معصومین علیهم السلام نمود و تمام تلاش خود را در حفظ و تعلیم و تعلم آن‌ها صرف کرد.

علامه با این اقدام بی‌نظیر ده‌ها هزار روایت ارزشمند را از خطر نابودی نجات داد.

همکاران علامه مجلسی

علامه مجلسی برای اجرای چنین کار عظیمی از همکاران و شاگردان بسیاری کمک گرفته که در برخی منابع شمار آن‌ها را بالغ بر هزار نفر دانسته‌اند و کسانی چون میرزا عبدالله افندی، میر محمد صالح حسینی ملا ذوالفقار، ملا محمد رضا، عبدالله بن نورالدین بحرینی، نعمت‌الله جزائری و آمنه‌خاتون خواهرش را جزو همکاران وی شمرده‌اند

شیوه بیان مطالب

کتاب بحار الانوار به کتاب‌های متعدد تقسیم شده که هر موضوع کلی یک کتاب است. هر کتاب نیز دارای ابواب کلی است و زیرمجموعه هر باب کلی باب‌های جزئی قرار دارد. برخی ابواب جزئی نیز دارای فصل‌هایی است که زیرمجموعه آن‌ها هستند. شیوه چینش مطالب در بحار بسیار متأثر از کتاب کافی است، البته تفاوت‌هایی هم در این‌بین دیده می‌شود.

روایات تکراری از یک یا چند منبع آدرس داده شده و اختلافات در سندها یا متن روایات مشابه در کتب گوناگون تذکر داده شده است.

در بسیاری موارد علامه مجلسی با عنوانی مانند «بیان» توضیحات و شرح‌هایی بر روایات زده که بسیار از حیث مطالب و موضوعات متنوع است، به‌طوری‌که جمع‌آوری این شرح‌ها و بیان‌ها خود چند جلد کتاب ارزشمند می‌شود.

تاریخ تألیف

ابتدای نوشتن بحار در سال ۱۰۷۰ هجری بود و تا سال ۱۱۰۳ هجری ادامه یافت. البته مجلدات بحار به ترتیب تألیف نگشت. بلکه کاملاً متفرق آماده شدند مثلاً در سال ۱۰۷۷ هجری جلد دوم بحار تمام شد و پس‌از آن جلد پنجم و سپس یازدهم آماده گشت. جلد دهم در سال ۱۰۷۹ هجری به اتمام رسید و پس‌از آن جلد نهم کامل شده و جلد سوم نیز در سال ۱۰۸۰ به اتمام رسید. آخرین مجلد بحار نیز جلد چهاردهم آن بود که در سال ۱۱۰۳ هجری کامل گشت. (این ارقام مجلدات بر اساس ترتیب ۲۵ جلدی علامه است)

فهرست بحار الانوار

موضوعات مطرح‌شده در بحار الانوار به ترتیب مجلدات آن به شرح زیر می‌باشند:

جلد اول: این جلد مشتمل بر ۴۰ باب شامل کتاب عقل و جهل، فضیلت علم و علما و طبقات آن‌ها، حقیقت اخبار و قواعدی که از آن‌ها استخراج می‌شود، نکوهش قیاس با مقدمه مفصل درباره مصادر کتاب و توفیق مصادر

و مطالب سودمند می‌باشد.

جلد دوم: مشتمل بر ۳۱ باب شامل کتاب توحید و صفات خداوند و اسماء حسناى ذات الهی، توحید مفضل.

جلد سوم: مشتمل بر ۵۹ باب شامل کتاب عدل، مشیت، اراده، قضاء، قدر، هدایت، ضلالت، امتحان، طینت، میناق، توبه علل احکام، مقدمات مرگ و مؤخرات آن.

جلد چهارم: کتاب احتجاجات و مناظرات در ۸۳ باب و تمام کتاب اما علی بن جعفر علیه السلام می‌باشد.

جلد پنجم: احوال پیامبران و سرگذشت آن‌ها در ۸۲ باب است.

جلد ششم: این جلد مشتمل بر ۷۲ باب، شامل احوال پیغمبر اکرم و جمعی از یدران آن حضرت، شرح حقیقت معجزه و جگونگی اعجاز قرآن، شرح حال ابوذر، سلمان، عمار، مقداد و برخی دیگر از بزرگان

جلد هفتم: در مشرکات احوالات ائمه علیه السلام و شرایط امامت و جگونگی ولایت آن‌ها و شئون غریبه و برتری آن‌ها نسبت به پیغمبران سابق و ثواب دوستی آن‌ها و فضیلت دربه آن ذات مقدسه و باره‌ای از مناظرات علماء در ۱۵۰ باب

جلد هشتم: فتنه‌هایی که بعد از پیغمبر روی داد، سیرت خلفا و آنچه در روزگار آن‌ها اتفاق افتاد، جنگ حمل، جنگ صفین، جنگ نهروان، غارتگری معاویه از اطراف عراق، احوال بعضی از اصحاب امیرالمؤمنین، شرح قسمتی از اشعار منسوب به آن حضرت و شرح برخی از نامه‌های آن وجود مقدس در ۶۲ باب

جلد نهم: احوال امیرالمؤمنین از ولادت تا شهادت، سرگذشت ابوطالب پدر آن حضرت و ایمان او و گروهی از اصحاب امیرالمؤمنین و روایات وارده در امامت امامان دوازده‌گانه در ۱۲۸ باب

جلد دهم: احوال حضرت فاطمه علیها السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام، خروج مختار و خونخواهی از قلعه کربلا در ۵۰ باب

جلد یازدهم: احوال ائمه چهارگانه بعد از امام حسین یعنی امام زین العابدین علیه السلام، امام محمدباقر علیه السلام، امام جعفر صادق علیه السلام، امام موسی کاظم علیه السلام و جماعتی از اصحاب و فرزندان آن‌ها در ۴۶ باب

جلد دوازدهم: شرح حال چهار امام قبل از امام منتظر یعنی امام رضا علیه السلام، امام محمدتقی علیه السلام، امام علی النقی علیه السلام، امام

حسن عسگری علیه السلام، شرح حال بعضی از اصحاب آن‌ها در ۳۹ باب

جلد سیزدهم: احوال حجت منتظر عجل الله تعالی فرجه در ۳۶ باب

جلد چهاردهم: آسمان و جهان (سما و عالم) پیدایش آن‌ها، اجزاء آن‌ها مانند فلکیات، فرشتگان، جن، انسان، حیوان، عناصر، صید، طریق کشتار حیوانات، خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها و تمام کتاب طب النبوی و کتاب طب الرضا در ۲۱۰ باب

جلد پانزدهم: ایمان و کفر در سه بخش: ایمان و شرط آن و صفات مؤمنین و فضل آن‌ها و فضل شیعه و اوصاف آن‌ها، دوم: اخلاق حسنه و آنچه موجب نجات آدم از مهالک دنیاست، سوم: کفر و شعب آن و اخلاق رزئله که جمعاً در ۱۰۸ باب آورده شده است

جلد شانزدهم: در آداب و سنن، زیست‌ها و تحملات، نظافت، سرمه کشیدن، استعمال عطریات، شنبزنده‌داری، خواب، سفر، منهیات و گناهان کبیره در ۱۳۱ باب

جلد هفدهم: مواظب و حکم در باب ۷۳ باب

جلد هجدهم: در دو بخش: طهارت که مشتمل بر شش باب است و بخش دوم: صلاة در صد و شصت و یک باب علاوه رساله «راحة العلة» شارحان بن جبرئیل قمی

جلد نوزدهم: نیز در دو بخش: فضایل قرآن و آداب آن و ثواب و اعجاز آن، همچنین تمام تفسیر نعمانی در ۱۳۰ باب، بخش دوم: درباره ذکر و انواع آن و آداب دعا و شروط آن، حررها، دعا برای دردها، ضحیفه ادبیس و غیره در ۱۳۱ باب

جلد بیستم: زکات، خمس، صدقه، نماز، اعتکاف، اعمال سال در ۱۲۲ باب

جلد بیست و یکم: حج، عمره، احوال شهر مدینه و غیره در ۸۴ باب

جلد بیست و دوم: زیارت‌هایی که از ائمه معصومین نقل شده است در ۶۴ باب

جلد بیست و سوم: عقود و ایقاعات در ۱۳۰ باب.

جلد بیست و چهارم: احکام شرعی نا کتاب دیات در ۴۸ باب.

جلد بیست و پنجم: اجازات و تمام فهرست شیخ منتخب الدین رازی، منتخب کتاب «سلافة العصر» سید علیخان شیرازی، اوایل کتاب اجازات سید بن طاووس، اجاره کبیره علامه حلی برای «بنی زهره» و اجاره شهید اول و دوم و غیره آن.



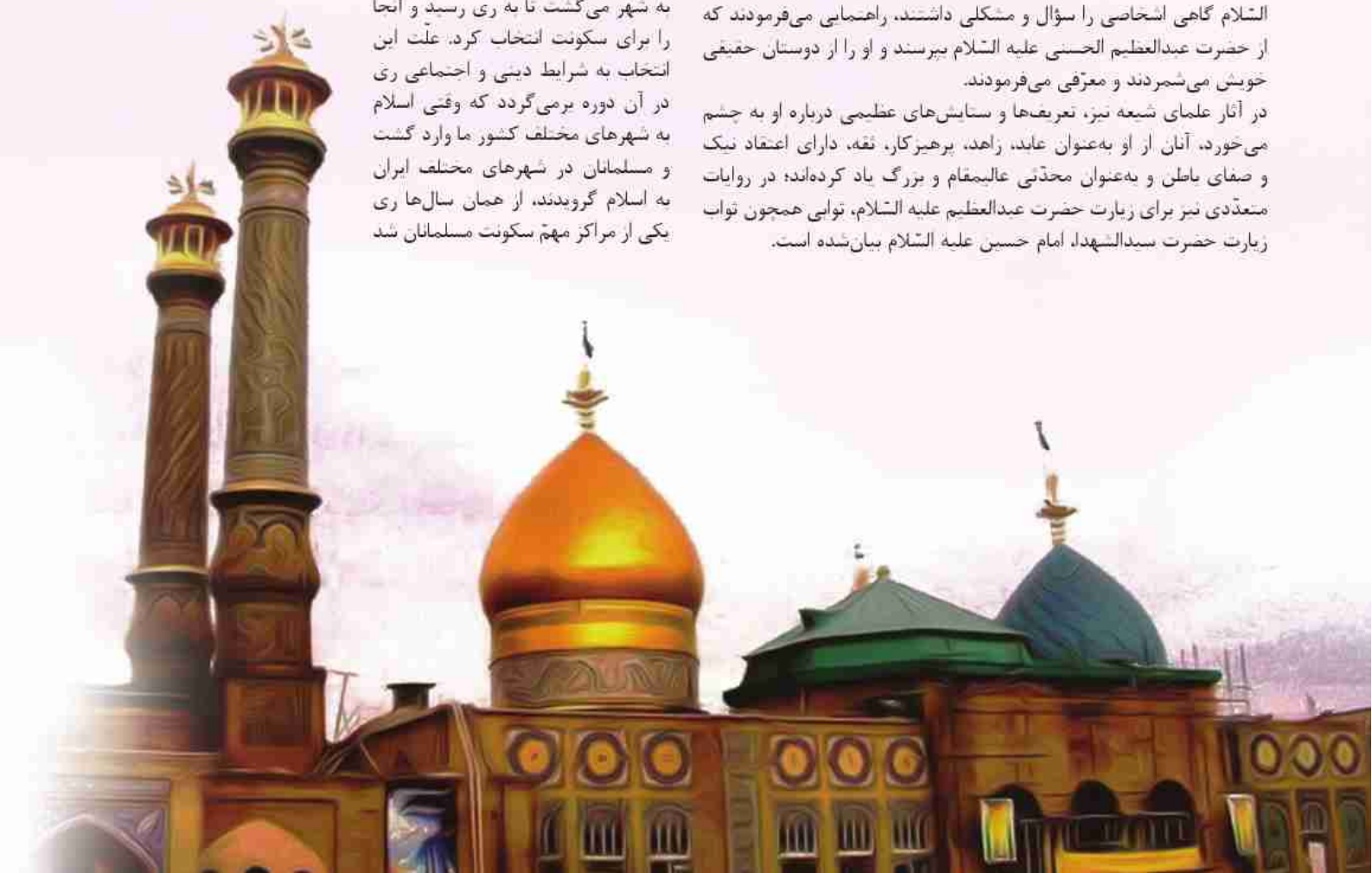
نگاهی به زندگانی و شخصیت حضرت عبدالعظیم حسنی (ع)

زندگی‌نامه

عبدالعظیم علیه السلام فرزند عبدالله بن علی، از نوادگان حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام است و نسبش با چهار واسطه به آن حضرت می‌رسد. پدرش عبدالله نام داشت و مادرش فاطمه دختر عقبه بن قیس. ولادت باسعادت حضرت عبدالعظیم علیه السلام در سال ۱۷۳ هجری قمری در شهر مقدس مدینه واقع شده است و مدت ۷۹ سال عمر بابرکت او با دوران امامت چهار امام معصوم یعنی امام موسی کاظم علیه السلام، امام رضا علیه السلام، امام محمدتقی علیه السلام و امام علی تقی علیه السلام مقارن بوده، محضر مبارک امام رضا علیه السلام، امام محمد تقی علیه السلام و امام هادی علیه السلام را درک کرده و احادیث فراوانی از آنان روایت کرده است. این فرزند حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، از آنجاکه از نوادگان حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام است به حسنی شهرت یافته است. حضرت عبدالعظیم الحسنی علیه السلام از دانشمندان شیعه و از راویان حدیث ائمه معصومین علیهم السلام و از چهره‌های بارز و محبوب و مورد اعتماد، نزد اهل بیت عصمت علیهم السلام و پیروان آنان بود و در مسائل دین آگاه و به معارف مذهبی و احکام قرآن، سنجخت و معرفتی وافر داشت. ستایش‌هایی که ائمه معصومین علیهم السلام از وی به عمل آورده‌اند، نشان‌دهنده شخصیت علمی و مورد اعتماد اوست؛ حضرت امام هادی علیه السلام گاهی اشخاصی را سؤال و مشکلی داشتند، راهمایی می‌فرمودند که از حضرت عبدالعظیم الحسنی علیه السلام بپرسند و او را از دوستان حقیقی خویش می‌شمردند و معرفی می‌فرمودند. در آثار علمای شیعه نیز، تعریف‌ها و ستایش‌های عظیمی درباره او به چشم می‌خورد، آنان از او به عنوان عابد، زاهد، پرهیزکار، فقه، دارای اعتقاد نیک و صفای باطن و به عنوان محدثی عالمقام و بزرگ یاد کرده‌اند؛ در روایات متعددی نیز برای زیارت حضرت عبدالعظیم علیه السلام، توابی همچون تواب زیارت حضرت سیدالشهدا، امام حسین علیه السلام بیان شده است.

زمینه‌های مهاجرت حضرت عبدالعظیم علیه السلام از مدینه به ری و سکونت در غربت را باید در اوضاع سیاسی و اجتماعی آن عصر جستجو کرد؛ خلفای عباسی نسبت به خاندان حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و شیعیان ائمه علیه السلام بسیار سختگیری می‌کردند، یکی از بدرفتارترین این خلفاء متوکل بود که خصومت شدیدی با اهل بیت علیهم السلام داشت، و تنها در دوره او چندین بار مزار حضرت امام حسین علیه السلام را در کربلا تخریب و با خاک یکسان ساختند و از زیارت آن بزرگوار جلوگیری به عمل آوردند. سادات و غلویون در زمان او در بدترین وضع به سر می‌بردند. حضرت عبدالعظیم علیه السلام نیز از کینه و دشمنی خلفا در امان نبود و بارها تصمیم به قتل آن حضرت گرفتند و گزارش‌های دروغ سخن‌چینان را بهانه این سختگیری‌ها قرار می‌دادند، در چنین دوران دشوار و سختی بود که حضرت عبدالعظیم علیه السلام به خدمت حضرت امام هادی علیه السلام رسید و عقاید دینی خود را بر آن حضرت عرضه کرد، حضرت امام هادی علیه السلام او را تأیید فرموده و فرمودند: تو از دوستان ما هستی.

دیدار حضرت عبدالعظیم علیه السلام در سامرا با حضرت امام هادی علیه السلام به خلیفه گزارش داده شد و دستور تعقیب و دستگیری وی صادر گشت، او نیز برای مصون ماندن از خطر، خود را از چشم مأموران پنهان می‌کرد و در شهرهای مختلف به صورت ناشناس رفت‌وآمد می‌کرد و شهر به شهر می‌گشت تا به ری رسید و آنجا را برای سکونت انتخاب کرد. علت این انتخاب به شرایط دینی و اجتماعی ری در آن دوره برمی‌گردد که وقتی اسلام به شهرهای مختلف کشور ما وارد گشت و مسلمانان در شهرهای مختلف ایران به اسلام گرویدند، از همان سال‌ها ری یکی از مراکز مهم سکونت مسلمانان شد



ابن موسی بن بابویه و او از محمد ابن یحیی اشعری عطار قیمی روایت کرده یکی از اهالی ری، گفت بر حضرت ابوالحسن العسکری امام هادی علیه السلام وارد شدم آن جناب از من پرسید کجا بودی؟

عرض کردم به زیارت سیدالشهدا علیه السلام رفته بودم آن حضرت فرمود بدان و آگاه باش اگر قبر عبدالعظیم حسنی علیه السلام را که در نزد شماست زیارت کرده بودی مثل آنست که حضرت حسین ابن علی را در کربلا زیارت کرده باشی

گفتار علماء درباره حضرت عبدالعظیم (علیه السلام)

نجاشی در رجال خود حضرت عبدالعظیم علیه السلام را پس از ذکر شجره‌اش صاحب خطب امیر المؤمنین علیه السلام ذکر نموده است. مرحوم میرزا حسین نوری محدث قرن اخیر در مستدرک الوسائل صفحه ۶۱۴ ذکر نام و معروفیت وی را به امانت و راستگویی و درستکاری و اهل زهد و عبادت بودن تأکید می‌نماید و از قول حضرت ابوالحسن الهادی علیه السلام یادش زیارت او را بهشت می‌داند.

مرحوم کجوری در روح و ربخا از قول سید مرتضی علم الهدی حدیث عرض دین آن حضرت را نقل کرده است. مرحوم مجلسی در هدیه الزائرین ص ۵۴۶ از مزارات معلوم و مشهور، مرقه منور حضرت عبدالعظیم علیه السلام را در مقابل شجره ری ذکر می‌کند شیخ الطائفه در رجال خود حضرت عبدالعظیم علیه السلام را از اصحاب امام هادی علیه السلام ذکر کرده و در پایان نام او را به رضی الله عنه یاد نموده که رضی الله عنه نزد اصحاب حدیث با اهمیت است. علامه حلی در خلاصه الاقوال، حضرت عبدالعظیم علیه السلام را جزء ثقات و ممدوحین ذکر کرده مرحوم صدوق (ره) در صفحه ۹۲ ثواب الاعمال از محاسن برقی حدیثی را از حضرت عبدالعظیم علیه السلام نقل کرده و صاحب محاسن او را رضی علمداد نموده است.

مرحوم صدوق (ره) در من لا یحضره الفقیه کتاب صوم باب یوم الشک حدیثی را از قول حضرت عبدالعظیم علیه السلام نقل نموده و گفته این حدیث نادر است و من جز در طریق عبدالعظیم علیه السلام ندیده‌ام و او هم مرضی است، این گفتار نهایت اعتماد را می‌رساند.

محمد ابن علی اردبیلی در جامع الزواجر گفتار شیخ طوسی (ره) و نجاشی را ذکر کرده است. مرحوم میرداماد رحمت الله علیه در راسخه خامسه از (رواشح السماویه) گفته: واضح است که طریق عبدالعظیم حسنی علیه السلام مدفون در مسجد شجره ری (حسن) شمرده شود زیرا که اهل حدیث و علما رجال وی را مدح و توصیف و تمجید نموده‌اند. اگر چه در گفتار علما به توثیق او تصریح نشده است من معتقدم افراد روشن و بصیری که در حدیث تخصص داشته و در حالت رجال و محدثین مطالعات کافی دارند از اینکه تصریح به توثیق این محدث بزرگوار نشده اظهار تاراحتی می‌کنند.

و این سکوت را زشت می‌شمارند، مگر حضرت هادی علیه السلام به او فرمود، تو به حق از دوستان ما هستی این فرمایش امام علیه السلام جامع‌ترین تعریف درباره حضرت عبدالعظیم علیه السلام با در نظر گرفتن شرافت، نسب و عظمت خانوادگی اوست، اکنون تمام این‌ها دلالت دارد که وی مردی شریف و بزرگوار خوش نفس و خوش عقیده بوده و اخباری که در زیارت او از امام علی التقی علیه السلام رسیده و محدثین بزرگی چون صدوق (ره) و ابن قولویه (ره) آن‌ها را در کتب خود ذکر کرده‌اند شاهد گویایی از مقام ارجمند وی در نزد معصومین علیهم السلام است و گفتار دو عالم بزرگوار فوق الذکر کفایت می‌کند که طریق حضرت عبدالعظیم علیه السلام را در درجه عالی از صحت بدانیم و اخبار و احادیث منقول وی را در اعداد صحاح بشماریم مرحوم شیخ عبدالله مقانی در تنقیح المقال درباره حضرت عبدالعظیم علیه السلام سخن گفته، نوشته است علت عدم تصریح محدثین و فقها به توثیق ایشان جلالت و بزرگواری وی را نفع ذکر کنند، زیرا مقام آن حضرت والاتر از نفع می‌باشد. مرحوم شیخ عباس قمی (ره) در سفینه البحار گفتار صاحب بن عباد و بقیه علما را آورده و در مورد زیارت ایشان فضیلت زیادی را ذکر نموده است.

و اعتبار و موقعیت خاصی پیدا کرد. زیرا سرزمینی حاصلخیز و برنعمت بود، عمرسعد هم به طبع ریاست یافتن بر ری در حادثه جانسوز کربلا، حضرت حسین بن علی علیه السلام را به شهادت رساند. در ری هم اهل سنت و هم از پیروان اهل بیت علیهم السلام زندگی می‌کردند و قسمت جنوبی و جنوب غربی شهر ری بیشتر محل سکونت شیعیان بود.

حضرت عبدالعظیم علیه السلام به صورت یک مسافر ناشناس، وارد ری شد و در محله ساریانان در کوی سکه الموالی به منزل یکی از شیعیان رفت، مدتی به همین صورت گذشت. او در زیرزمین آن خانه به سر می‌برد و کمتر خارج می‌شد، روزها را روزه می‌گرفت و شبها به عبادت و تهجد می‌پرداخت، تعداد کمی از شیعیان را او می‌شناختند و از حضورش در ری خبر داشتند و مخفیانه به زیارتش می‌شافتند، اما می‌کوشیدند که این خبر فاش نشود و خطری جان حضرت را تهدید نکند.

پس از مدتی، افراد بیشتری حضرت عبدالعظیم علیه السلام را شناختند و خانه‌اش محل رفت‌وآمد شیعیان شد، نزد او می‌آمدند و از علوم و روایاتش بهره می‌گرفتند و عطر خاندان عصمت علیهم السلام را از او می‌بویدند و او را یادگاری از امانان خویش می‌دانستند و بروانه‌وار گرد شیخ وجودش طواف می‌کردند.

حضرت عبدالعظیم علیه السلام میان شیعیان شهرری بسیار ارجمند بود و پاسخگویی به مسائل شرعی و حل مشکلات مذهبی آنان را برعهده داشت؛ این تأکید، عم گویای مقام برجسته حضرت عبدالعظیم علیه السلام است و هم می‌رساند که وی از طرف حضرت امام هادی علیه السلام در آن منطقه، وکالت و نمایندگی داشته است؛ مردم سخن او را سخن امام علیه السلام می‌دانستند و در مسائل دینی و دنیوی، وجود او محور تجمع شیعیان و تمرکز هواداران اهل بیت علیهم السلام بود.

روزهای پایانی عمر ببرکت حضرت عبدالعظیم علیه السلام با بیماری او همراه بود، آن قامت بلند ایمان و تلاش، به بستر افتاده بود و پیروان اهل بیت در آستانه محرومیت از وجود ببرکت این سید کریم قرار گرفته بودند، اندوه مصیبت‌های بیایی مردم و روزگار تلخ شیعیان در عصر حاکمیت عباسیان برایش دردی جانکاه و مضاعف بود؛ در همان روزها یک رویای صادقله حوادث آینده را ترسیم کرد: یکی از شیعیان پاکدل ری، شبی در خواب حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب دید. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به او فرمود: فردا یکی از فرزندانم در محله سکه المولی چشم از جهان فرو می‌نهد، شیعیان او را بر دوش گرفته به باغ عبدالجتار می‌برند و نزدیک درخت سبب به خاک می‌سپارند.

سحرگاه به باغ رفت تا آن باغ را از صاحبش بخرد و افتخار دفن شدن یکی از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را نصیب خویش سازد، عبدالجتار که خود نیز خوابی همانند خواب او را دیده بود، به رمز و راز غیبی این دو خواب پی برد و برای اینکه در این افتخار، بهره‌ای داشته باشد، محل آن درخت سبب و مجموعه باغ را وقف کرد تا بزرگان و شیعیان در آنجا دفن شوند.

همان روز حضرت چشم از جهان فرو بست. خبر درگذشت این نواده رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دهان به دهان گشت و مردم با خبر شدند و خانه‌های سیاه پوشیدند و بر در خانه حضرت عبدالعظیم الحسینی علیه السلام گریبان و مویه کنان گرد آمدند؛ بیکر مطهر او را غسل دادند، به نقل برخی مورخان در هنگام غسل، در حین پیراهن او کاغذی یافتند که نام و نسب خود را در آن نوشته بود؛ بر بیکر او نماز خواندند، تابوت او را بر دوش گرفتند و با جمعیت انبوه عزادار به سوی باغ عبدالجتار تسبیح کردند و بیکر مطهرش را در کنار همان درخت سبب که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به آن شخص اشاره کرده بود، دفن کردند تا یاره‌ای از عترت مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم در این باره به امانت بماند و نورافشانی کند و دلباختگان خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از مزار ابن ولی خدا فیض ببرند.

فضائل حضرت عبدالعظیم علیه السلام از زبان

انمه علیهم السلام

این قولویه در کامل الزیارات (باب ۱۰۷ صفحه ۳۲۴) از علی ابن حسین

روایات حضرت عبدالعظیم (ع)

حضرت عبدالعظیم علیه السلام به عنوان یکی از محدثین مشهور، روایات متعددی را از معصومین (علیهم السلام) نقل نموده است.

در این مقال به ذکر برخی از احادیث مذکور می‌پردازیم.

حضرت عبدالعظیم علیه السلام با چند واسطه از قول اسباط گوید: در خدمت حضرت امام صادق علیه السلام بودم. مردی از وی درباره آیه شریفه (ان فی ذالک لآیات للمتوسمین.. و ابها لیسبیل مقیم) سؤال می‌کرد، راوی گفت: حضرت بدو فرمودند: مقصود از متوسمین ما هستیم و سبیل مقیم نیز راهی است که ما آن را بیا داشته‌ایم، یعنی باید از طریق ما بروند تا به سر منزل مقصود برسند.

حضرت عبدالعظیم علیه السلام از امام رضا علیه السلام روایت کرده که آن جناب فرمود: سلام مرا به دوستانم برسان و به آن‌ها بگو در دل‌های خود از برای شیطان راهی باز نکنند و آن‌ها را امر کن به راستگویی در گفتار و ادای امانت و این عمل آن‌ها موجب نزدیکی به من می‌شود.

حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام از حضرت جواد علیه السلام، ایشان از پدرش و او از جدش روایت کرده که فرمود: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم می‌فرمود: سربچی از فرمان و دستورات پدر و مادر از گناهان بزرگ است زیرا خداوند (عاق) را ستمگر و بدبخت معرفی فرموده و او را به سخت‌ترین عذاب‌ها وعده داده است.

حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام فرمود: به حضرت جواد علیه السلام عرض کردم، از پدرانت برای من حدیثی روایت فرما، حضرت فرمود، پدرم از جدش و او از پدرانش از حضرت امیر المومنین علیه السلام روایت کرده که فرمود: شما هرگز نمی‌توانید مردم را بوسیله ثروت و مالی که در دست دارید به خود متوجه سازید، بلکه آنان را بوسیله اخلاق و روش صحیح به خود نزدیک کنید. گوید عرض نمودم بیشتر بیان نمائید، فرمودند: بد نوشته ای است برای روز قیامت دشمنی کردن با بندگان خدا...

حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام فرمود، از حضرت ابوالحسن هادی علیه السلام شنیدم می‌فرمود: مقصود از (رحیم) از رحمت و آمرزش دور شدن، و از درگاه خداوند رانده شدن می‌باشد (و او شیطان است) و هیچ مؤمنی او را به یاد نمی‌آورد مگر با لعن و نفرت.

حضرت عبدالعظیم الحسنی علیه السلام از حضرت امام جواد علیه السلام و او از پدرانش علیهم السلام و آن‌ها از حضرت امام سجاد علیه السلام روایت فرمودند که: روزی سلمان فارسی، ابوذر غفاری را به خانه خود میهمان کرد و از میان انبان (کبسه)، تکه نان خشکی بیرون کشید و قدری آب بر آن پاشید. ابوذر گفت: جقدر خوب می‌شد که همراه نان، قدری نمک هم بودا سلمان برخاست و رفت و ظرف آب خود را گرو گذاشت و مقداری نمک تهیه کرد و آن را در مقابل ابوذر گذارد، ابوذر از آن نمک به آن نان می‌پاشید و میل می‌کرد و می‌گفت: خداوند را سپاسگزارم که ما را تا این اندازه قناعت روزی فرموده: سلمان گفت: «اگر قناعت در کار بود، ظرف آب به گرو نمی‌رفت».

حضرت عبدالعظیم علیه السلام می‌فرماید: روزی به خدمت حضرت امام محمد تقی علیه السلام رسیدم و این گفتار دلشین را از امام شنیدم که فرمود: ملاقاته الاخوان نشره و تلیح للعقل و ان کان نظرا قلیلا دیدار دوستان آرامش و سلامت عقل را در پی دارد، اگر چه دیداری کوتاه باشد.

روزی حضرت امام رضا علیه السلام رو به حضرت عبدالعظیم علیه السلام فرمود و چند توصیه راهگشای اخلاقی به او آموخت تا به شیعیان و یاران ابلاغ کند، متن فرمایش چنین بود: ای عبدالعظیم، سلام مرا به دوستان برسان و به آن‌ها بگو:

- شیطان را به دل‌های خویش راه ندهند.
- در گفتار خویش، راستگو باشند و امانت را ادا کنند.
- از جدال و نزاع بپرهیزد ای که سودی برایشان ندارد دوری کنند و خاموشی را پیشه خود سازند.
- به همدیگر روی آورند و به دیدار و ملاقات هم بروند «فان ذلک قرینه

الی» زیرا ابتکار موجب نزدیکی به من است.

• آنان خود را به دشمنی و بدگویی یا یکدیگر مشغول نسازند، زیرا با خود عهد کرده‌ام که اگر کسی چنین کاری انجام دهد و دوستی از دوستانم را ناراحت کند یا به خشم آورد، خداوند را بخوانم تا او را در دنیا با شدیدترین عذاب‌ها مجازات کند و در آن سرا نیز از زینکاران خواهد بود.

• به ایشان بگو: همانا پروردگار نیکوکارانشان را آمرزیده و از خطای گنهکارانشان درگذشته است، مگر کسانی که به خدا شرک ورزیده یا دوستی از دوستانم را آزرده، یا کینه آن‌ها را با دل بگیرد. بدرستی که خداوند او را نخواهد بخشید تا آنکه از کردار ناشایست خویش دست بکشد، هر گاه از این اعمال نادرست دوری گیرند، آمرزش خدا را شامل خود گردانیده است و گرنه، روح ایمان از قلبش بیرون رفته و از ولایت ما خارج گشته است و بهره‌ای از ولایت ما نخواهد برد «و اعودیک من ذلک» روزی حضرت عبدالعظیم علیه السلام از حضرت امام هادی علیه السلام شنید که فرمود: همانا پروردگار، ابراهیم را دوست خود گرفت، زیرا که او بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اهل‌بیتش علیهم السلام بسیار صلوات می‌فرستاد.

حضرت عبدالعظیم علیه السلام می‌فرماید: روزی در محضر مبارک امام جواد علیه السلام بودم. عرض کردم: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حدیثی از پدران بزرگوارت علیهم السلام برای من روایت فرمائید. حضرت امام جواد علیه السلام فرمود: پدرم علیه السلام از حدم علیه السلام و او از پدرانش علیهم السلام و آنان از حضرت امیرمؤمنان علیه السلام روایت کرده‌اند که فرمود:

- هر کس خود را بی نیاز بداند (در امور مهم بدون مشورت عمل کند) خود را در خطر افکنده است.
- هر کس در دام خودبینی افتاد، نابود خواهد شد.
- هر کس یقین کند آنچه را می‌دهد عوض دارد هرگز در بخشش و احسان کوتاهی نخواهد کرد.

حضرت عبدالعظیم علیه السلام روایت فرماید که حضرت امام جواد علیه السلام فرمود: که وجود مقدس حضرت امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب علیه السلام فرمود: ارزش هر کس به اندازه اعمال نیکوی اوست.

حضرت امام محمد باقر علیه السلام به محمد بن مسلم فرمود: مردم تو را گول نزنند، زیرا که مسئولیت کارهای تو، به خودت متوجه است و به آن‌ها ارتباط ندارد، ایام عمرت را به کارهای بیهوده نگذران، روزهای زندگی را به چون و چرا به هدر مده، زیرا همراه تو کسانی هستند که کارهای روزانه تو را محاسبه و یادداشت می‌کنند. اگر عمل نیکی را انجام دادی، گرچه کوچک باشد، حقیر م شمار، برای اینکه آن را خواهی دید در جایی که تو را خشنود سازد، و اگر کار بدی انجام دادی، آن را نیز کوچک شمار زیرا که به تو خواهد رسید در هنگامی که تو را بدحال سازد، و نیکی کن، بدرستی که من چیزی را ندیدم که انسان را از زودتر به مقصد رساند از عمل خوب تازه ای که در مقابل گناه کهنه ای انجام دهد.

حضرت عبدالعظیم علیه السلام روایت فرماید که روزی به وجود مقدس حضرت امام جواد علیه السلام عرض کردم: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حدیثی از پدران بزرگوارت علیهم السلام برای من روایت فرمائید.

حضرت امام جواد علیه السلام از قول پدر و جد و از وجود مقدس حضرت امیر المؤمنین علیهم السلام روایت فرمود که:

المرء محصوء تحت لسانه.

دانش و شخصیت هر کس در زیر زبانش مخفی است.

ما هلك امرء عرف قدره.

هر کس قدر خود را بشناسد، هلاک نمی‌شود.

التدبير قبل العمل يومئذ من الندم

تدبیر و اندیشیدن پیش از انجام هر کار، تو را از پشیمانی ننگه می‌دارد.

امام رضوان الله علیه: يك سرباز مؤمن می تواند يك گروه را در هم شكند. وصیت نامه شهید محمدعلی رضوانی

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون

همه از سوی خدا می آیند و بازگشت همه به سوی اوست

از آنجائیکه وصیت و وظیفه شرعی هر فرد مسلمانی است و با موقعیت کنونی که برایم پیش آمده است، با پیام رادیو تلویزیونی رهبر عالیقدرم امام خمینی و با توجه به مقاله پیوست روزنامه بایداری مورخ ۵۹/۳/۲۷ که پیام روز ۵۹/۳/۲۲ امام در آن درج گردیده است، عازم منطقه جنگزده کردستان می باشم تا با نثار جان بی ارزش خود در راه اسلام، وطنم و رهبر عالیقدرم امام خمینی، درخت انقلاب اسلامی میهنم را بارورتر سازم و ریشه ضد



انقلاب را برکنم. باشد که مورد پذیرش درگاه احدیت واقع گردد.

ابتدا امر بدهی های خود را متذکر می گردم:

۱ مبلغ ۲۲۰۰۰ ریال به باشگاه افسران یدهکارم که متعلق به بیت المال می باشد.

۲ مبلغ ۱۵۰۰۰ ریال به آقای متوجه احمدی، دوست و همکارم که همراه من عازم است در دفترچه حساب در گردش من می باشد. متعلق به وی است، به خود او یا وابستگانش با دریافت آدرس از یادگان به آن ها مرحمت فرمائید.

و سپس از طلب هانم می گویم:

فقط مبلغ ۵۰۰۰ ریال از گروهیان متبسی همکارم که با من عازم است طلب دارم که از نظر دریافت اهمیتی ندارد، بیگیری نشود.

همچنین یکعدد دوربین، پایه دوربین، یکعدد بوتین دو تکه تازه تحویل گرفته ام در منزل دوستم قربان زاده می باشد به انضمام شناسنامه و دفترچه بانکی و مدارک شرکت.

و در پایان کلیه دارائی ام را به برادر عزیزم مهدی که از چشمان خودم بیشتر دوستش دارم می بخشم. از خانواده محترم خود کمال تشکر را دارد و افتخار به داشتن چنین والدینی می کنم که جوان را در راه اسلام تربیت کرده اند تا جان خود را در راه اسلام نثار کند و این پیش آمد را به آن ها تبریک می گویم. از کلبه دوستان و آشنایان برایم حلالیت بطلبید، همچنین از خواهرم، شوهر خواهرم و برادر عزیزم مجید.

به امید پیروزی انقلاب و بقای عمر باعزت برای رهبر انقلابان، امام خمینی

ستوان دوم وظیفه محمدعلی رضوانی

۵۹/۳/۲۸



وصیت‌نامه شهید جعفر سلیمی

بسمه تعالی

رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْمِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ
 خدایا بر ما تحمیل مکن و بر دوش ما منته آنچه را که طاقت آن را نداریم و بخش ما را و رحم کن به ما تنها تو یاور
 مائی و ما را به قوم کافران پیروز بگردان
 مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِحَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا تَدْلُوا تَدْلِيلًا

آری مردان صدیق خدا و یاران و دوستان پاک و با اخلاص ما همه به سوی معبود خویش شتافتند و بر سر پیمان خود وفا کردند و ما ماندگان از این قافله. در انتظار آن هستیم که خدا ما را به سوی خود بخواند و در صف بندگان صالحش قرار دهد.



السلام علیک ای آقا و مولای ما ای امام عصر و منجی عالم. ای که رزمندگان اسلام لحظه لحظه تو را فریاد می کنند. ای آنکه با طهورت انقلابی عظیم بر پا و پرچم پرافتخار توحید را بر فله گیتی به اهتزاز در خواهی آورد و ظلم و ستم و بیداد را ریشه کن و عدالت را جایگزین آن خواهی نمود. از تو می خواهیم که مرا از سربازان خود شمرده و در روز موعود شفاعت کنی. درود و سلام همه رزمندگان اسلام به امام امت این قلب تپنده مستضعفان جهان و امید همه محرومان و ستمدیدگان. ای اما من به ندای تو لبیک گفتم و لباسی باسداری را بر تن نمودم و برای یاری اسلام و باسداری از آن روانه نبرد شدم.

مبادا کاری کنی که باعث پشیمانی شود و فرصتی برای توبه برایتان باقی نماند؛ زیرا مرگ و حیات انسان در اختیار خداست و هر لحظه امکان فنا هست و مرگ برای همه حیز خواهد آمد. چه خوب است که در راه خدا و برای خدا بمریم. همیشه آماده مرگ باشید. خدا را فراموش نکنید اگر چه نصیحت من به شما هیچ سودی نداشت، لیکن امیدوارم که شهادت من و خون من مقدمه ای برای توبه و بازگشت برای شما باشد.

این نکته را برای پدران و مادران تذکر می دهم. پدران و مادران، دیگر میراث مادی و ثروت برای نسل آینده ما پیروزی و خوشبختی نمی آورد. تنها میراثی گران بها و ارزشمند است که در هر دو جهان (اولی و آخری) دستگیر و مستبر نبر بوده باشد و آن تعلیم و تربیت و شناخت اسلام است. مفاهیم اسلام به فرزندانان تعلیم و تربیت داده و اسلام حقیقی را به آن ها بشناسانید و برای آن ها اعمال نیک و خیر به ارث بگذارید. بار دیگر از همه می خواهیم که مرا حلال کنند و نیز از وابستگی من می خواهیم که شیون و زاری به راه نیندازند و بدانند خوشحالی شما خوشحالی من و ناراحتی شما ناراحتی من خواهد بود. خوشحال باشید تا من هم خوشحال و خدا نیز از شما خوشنود و راضی باشد.

خدایا گر چه گناهکارم و میدانم، ولی چشم امیدم به عفو و بخشش توست (الهی من لی غیرک) خدایا من جز تو کسی را ندارم. خدایا در قلبم اخلاص و ایثار و رضایت خودت را قرار ده که همواره شکر گذار نعمات تو باشم؛ و در آخر از همه می خواهیم که امام عزیز و رزمندگان اسلام را دعا کنید. والسلام

اللهم اجعلنی من زمره الشهداء

خدایا مرا بخش و با مرز و ما را در صف شهدا قرار بده

جعفر سلیمی

۶۲/۱۰/۱۹



کلنا عباسك يا زينب

تحریریه نشریه

**بچه‌های مدافع با شعار «کلنا عباسك يا زينب»
می‌جنگند و در این راه از همه چیز خودشان
گذشته‌اند.**

وصیت‌نامه شهید

۳۵

اشهد ان لا اله الا الله، وحد لا شریک له و اشهد ان محمد عبده
و رسوله و ان امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب (ع) وصیه و
ولی آ...

با سلام و خالصانه درودها به ارواح طیبه شهدای راه حق و حقیقت، از هابیل
تا به امروز و با سلام و درود بر روح مطهر و ملکوتی حضرت امام خمینی
(رضوان الله تعالی علیه) که صدای حقانیت اسلام و تشیع را به گوش جهانیان
رسانید و برده‌های جهل و غفلت را از مقابل جشمان آلوده به کنار زد و تحلی
نور را به همگان نشان داد.

و با سلام و خالصانه‌ترین درودها به قطب عالم امکان حضرت بقیه‌الله الاعظم
(ارواحنا المقدمه القداء) که قلوب دردمند و گرفته ما را با دعاهای خویش
مداوا و بر معاصی ما که سنگ محبتش را به سینه می‌کوبیم گریان است.
خدایا! امام ما را از ما گنه‌کاران، راضی و خشنود فرما و ما را از نوکران حقیقی
و شیعیان واقعی ایشان قرار ده

خداوند! تو خود شاهد باش که امروز توبه از همه گناهانم می‌کنم و امیدوارم
که مرا بخشیش و در زمره عبادالله المخلصین قرار دهی!

وضعیت جهان امروز وضع عجیب و بی‌پایه‌ای است تمام جهان کفر با تمام
عده و عده خود به جنگ با نور الهی آمده و درصدد است تا با همه‌ای
تمام‌عیار این نور را خاموش نماید در این راستا کشتار سربازان خداوند در
زمین تجاوز و تعدی به آسایش و آرامش مسلمانان سلب حاکمیت اسلام از
بلاد مسلمانان و جایگزین نمودن شیبه مسلمانان بر این بلاد حمایت از ظلم
و ستم و ... از القای اقدامات نکتت‌بار رژیم طاعوتی و کافر است در این حال
با الهام و اراده الهی مردم دنیا به خروش آمده‌اند و یک‌یک نظام‌های وابسته
به دنیای الحاد را سرنگون می‌نمایند.

این رویارویی مستقیم میان حق و باطل از نشانه‌های بیداری بیش‌ازپیش
مردم دنیا است که به شکلی غیرقابل‌باور تارو بوته‌های لیبرال دموکراسی غرب
را از هم جدا می‌کنند. حال وظیفه ما به‌عنوان عضوی از جامعه عظیم ام
القرای جهان اسلام چیست؟

مسلماً اندیشیدن و انتقال اندیشه‌های ناب و گسترش کادر جهان اسلام و هدایت
و تعمیق تفکرات مسلمانان و آشنایی آنان با سیره حقیقی پیامبر آخرالزمان و ائمه
هدی می‌تواند در این راستا مؤثر باشد همان‌گونه تاکنون نیز شاهد موفقیت این
روند بوده و هستیم. امیدوارم که این حرکت با سرعت نور ادامه یابد و به‌زودی
شاهد باشیم تا علم اسلام ناب محمدی (ص) بر رفیع‌ترین قله‌های جهان به اهتزاز
درآید و شاهد گرایش بیش‌ازپیش جهانیان به سوی حق و حقیقت باشند.

بنده حقیر و ملتسی دعا امیر رضا گلبراده ۱۳۹۲/۱/۵

بزرگی می‌گفت ارزش آدم‌ها به آن چیزهایی است که دوست دارند، به
آرزوهایشان، به افقی که در زندگی مادی و معنوی در نظر گرفته‌اند به
آن برسند و همه زندگی‌شان را حول آن تنظیم می‌کنند. خدا زیباست،
زیبایی را هم دوست دارد، حضرت زینب (س) پیامبر عاشورا هم زیبایی را
در کرپلا دید. امروز هم بسیاری زیبایی را دوست دارند، دوست دارند مرگ
زیبایی داشته باشند، هدف زیبایی داشته باشند، زندگی زیبایی داشته باشند
و مردانه زندگی کنند چون شنیده‌اند آنان که مردانه زیسته‌اند مرگی مردانه
خواهند داشت. مدافعان حرم دریافت زیبایی از مردانگی دارند، آن‌ها آدم‌های
عجیبی نیستند که از دنیا بریده باشند، همسر، فرزند و پدر و مادر نداشته
باشند، یکی دانشجو است و درس را برای هدف زیبایش رها کرده و دیگری
نانواست، پدر بودند، همسر بودند، دوست‌داشتنی بودند و دوست می‌داشتند
اما عشقی بزرگ‌تر اسباب حرکت آن‌ها شد. قصه عشق هرکدامشان به
حرم حضرت زینب کبری (س) شنیدنی است، اما همه‌اش در این مجال
نمی‌گنجد و خود آن‌ها هم ترجیح می‌دهند گم‌شده باشند. خلاصه، ماجرا از
چند سال قبل شروع شد و از حدود دو سال قبل با حمله تروریست‌ها به
آرامگاه حجر بن عدی ضحایی پیامبر (ص) و تهدید به تخریب بارگاه خواهر
حضرت اریاب اوج گرفت. جوانان مسلمان با شعار «کلنا عباسك يا زينب» از
سراسر سرزمین‌های اسلامی به سمت سوریه حرکت کردند تا چون عباس
زینب باشند... جوانان افغانستانی، عراقی، لبنانی، یمنی، ایرانی و پاکستانی
به سوئی‌ها پیوستند و در برابر تروریست‌های تکفیری قد علم کردند.
افغانستانی‌های آنجا به «فاطمیون» معروف هستند، عراقی‌ها «عباسیون» و...
اما همه آن‌ها در عین گم‌شده‌ی، می‌جنگند تا با اهدای خونشان نگذارند دشمن
تکفیری، وحشی به زینبیه نزدیک شود...

دوالفقار حمدریم یکباره طوفان می‌کنیم

با نگاه کفر را با خاک یکسان می‌کنیم

حدسه‌ای وارد شود بر مرقد آل علی

کرپلا را تا مدینه بیت الاحزان می‌کنیم

دل از هوا و هوس‌ها بریده‌اند اینان

شراب لم برلی را چسیده‌اند اینان

تمام هستی‌شان را به کف گرفتند و

متاع جنتشان را خریده‌اند اینان

کلنا عباسك يا زينب

سرتیپ خلبان محمد اسماعیل پیروان



محمد اسماعیل در سال ۱۳۳۰ در شهر مشهد در یک خانواده مذهبی به دنیا آمد. دوران ابتدائی و دبیرستان را در مدارس عنصری، حکمت و یامداد گذراند و در سال ۱۳۴۹ وارد نیروی هوائی شد و پس از طی دوره‌های عمومی و تخصصی در داخل و خارج از کشور به‌عنوان متخصص فنی مشغول خدمت گردید. در اوایل سال ۱۳۵۴ به دلیل علاقه به پرواز و شغل خلبانی پس از عبور از سد آزمایش‌ها و معاینات مربوطه وارد دانشکده خلبانی شد و پس از گذراندن دوره‌های زمینی و پروازی برای تکمیل دوره خلبانی به کشور آمریکا اعزام گردید.

دوره‌های زبان تخصصی، آکادمی پرواز و پرواز با هواپیماهای ۴۱، ت ۳۷ و جت مافوق صوت ۳۸ را با موفقیت پشت سر گذاشت و با رتبه اول در مرداد ۱۳۵۶ به ایران بازگشت و پس از طی دوره تاکتیکی با هواپیماهای شکاری میمافکن اف ۴ (فانوم) در پایگاه هوائی بوشهر به‌عنوان خلبان تاکتیکی به خدمت ادامه داد. وی در سال ۱۳۵۸ از دواج کرد و صاحب سه فرزند بنام‌های مریم، حسین و علی شد. با شروع جنگ تحمیلی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ در کنار هم‌رزمانش در مأموریت‌های مختلف بمباران اهداف در خاک دشمن و در مناطق جنگی جنوب کشور و رهگیری هواپیماهای مهاجم شرکت داشت و در سال ۱۳۶۴ به دستور معاون عملیات وقت نهاجا سرهنگ (سرلنکر شهید) عباس بابائی پس از طی دوره پروازی هواپیماهای اف ۱۴ تا پایان جنگ تحمیلی با این هواپیماهای رهگیر پیشرفته در مأموریت‌های محوله از حمله مقابله با هواپیماهای مهاجم رژیم بعث عراق در حلبج همیشه فارس انجام وظیفه نمود.

نامبرده به دلیل ایزاز لیاقت در دوران جنگ به دریافت لوح سپاس، تقدیرنامه، ارتشیدیت جنگی نائل و همچنین موفق به دریافت مدال فتح ۲ از دست مقام رهبری گردید. او در طول خدمت دوره‌های دافوس، دانشکده جنگ هوائی پاکستان، دانشکده عالی دفاع ملی (ویژه مقامات) را گذراند و در مساعل و مسئولیت‌های از حمله جانشین تیب سکاری و معاون عملیات منطقه هوائی شهید بابائی اصفهان، جانشین فرمانده پایگاه هوائی شهید یاسینی بوشهر، فرمانده منطقه هوائی شهید دوران شیراز، معاون اطلاعاتی فرماندهی نهاجا و معاون هماهنگ‌کننده فرماندهی نهاجا خدمت کرد. وی در سال ۱۳۸۲، درجه سرتیپی را از دست مقام معظم رهبری دریافت و همچنین در سال ۱۳۸۹

در لیست چهره‌های ماندگار نهاجا قرار گرفت، وی در سال ۱۳۸۵ با بیش از ۳۶ سال خدمت صادقانه با درخواست شخصی به افتخار بازنستگی نائل آمد.

خاطرات پرواز جنگی سرتیپ خلبان محمد اسماعیل پیروان را از زبان خودش بخوانید.

مقدمه: رژیم بعث عراق از ابتدای جنگ با بهره‌گیری از قدرت دریایی، هوائی، موشک‌های ساحل به دریا و اسکله‌های البکروالامیه، با بمباران جزیره خارک مرکز اصلی صادرات نفت ایران و همین‌طور شلیک موشک از زمین، دریا و هوا بر علیه کشتی‌های تجاری حامل مایحتاج کشور و کشتی‌های تانکر حامل نفت صادراتی مزاحمت‌های زیادی ایجاد کرد و با راه انداختن جنگ روانی و تبلیغات مرتب اعلام می‌کرد، کنترل آبراه‌های خلیج فارس در اختیار عراق است، حال آنکه چنین نبود. چراکه مسئولین نیروی هوائی و نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران متوجه هدف صدام که قطع شاه‌رگ اقتصادی ایران که همان صادرات نفت بود شده بودند. از همان ابتدا خلبانان شکاری نهاجا و بالگردهای نداجا (هوا دریا) و پدافند هوائی و دریادلان و خلبانان نیروی دریایی عملیات لازم را برای مقابله و خنثی کردن اقدامات مذبوحانه دشمن آغاز کردند بطوریکه در مدت دو ماه اول جنگ تعدادی از ناوچه‌های دشمن با هماهنگی نیروی دریایی توسط خلبانان تیزپرواز نیروی هوائی منهدم و اسکله‌های البکر، والامیه، پایگاه دریایی ام‌القدر چند نوبت بمباران شد و با انجام عملیات غرورآفرین مروارید نداجا با پشتیبانی قدرتمندانه نیروی هوائی در هفتم آذر ۱۳۵۹ نیروی دریایی عراق به کلی ساقط گردید. روح شهدای گران‌قدر ناوچه بیکان و فرمانده دلاوریش ناخدا همتی و خلبانان نیروی هوائی ابراهیم شریفی، حسن مفتخری و کاظم روستا که در این عملیات به شهادت رسیدند شاد و راهبان بر رهرو یاد. رژیم بعث عراق پس‌از این شکست بزرگ با استفاده از هواپیماها و موشک‌های مدرن دریافتی از شرق و غرب و حمله به کشتی‌های بزرگ نفت‌کش ما تلاش در قطع صادرات نفت داشت که با همیابی کاروان‌های صادرات نفت توسط خلبانان نهاجا و قدرت پدافند هوائی و تلاش نیروی دریایی و هماهنگی شرکت نفت در طول دفاع مقدس و به حول و قوه الهی حتی یک روز صادرات نفت ایران قطع نشد و صدام این آرزو را به گور برد.

نائل شدند (سرلشکر شهید یاسینی، سرلشکر شهید عباسی دوران، سرلشکر شهید حسین خلعتبری، سرلشکر شهید داود اکرادی) روحشان شاد و مقامشان عالی باد.

صبح ۲۸ تیرماه ۱۳۶۷ بنده (سرگرد محمد اسماعیل بیروان) به اتفاق همکارم سرگرد محمد حیدری زاده به عنوان خلبان آماده رزم، در اتاق آلرت پایگاه هوایی بوشهر نشسته بودیم که آژیر اسکرامل به صدا درآمد. در حداقل زمان ممکن هواپیمای اف ۱۴ را روشن کرده و به پرواز درآمدیم.

در جنوب غرب جزیره خارک با سه فروند هواپیمای میراژ

عراقی مواجه شدیم ولی به دلایل تاکتیکی امکان شلیک موشک راداری به سمت آن‌ها میسر نشد و ناگزیر با مانورهای مناسب در پشت سر آن‌ها قرار گرفتیم درحالی‌که که فاصله آن‌ها با ما زیاد می‌شد. میراژها برای جلوگیری از برخورد موشک حرارتی، به موتور هواپیمایشان اقدام به پرتاب فیلبرهای حرارتی کردند درحالی‌که به سمت کویت در فرار بودند. به دلیل ترس از اف ۱۴ با حداکثر سرعت حداقل ارتفاع روی آب پرواز می‌کردند. ما با استفاده از قدرت پس‌سوز موتورها با سرعتی معادل صوت پرواز کردیم و با رسیدن به فاصله مناسب اولین موشک حرارتی سایندوایندر را به سمت موتور یکی از آن‌ها شلیک کردم که موشک به سمت یکی از فیلبرهای حرارتی منحرف گردید. منحور شدیم آن قدر به تعقیب آن‌ها ادامه دهیم تا فیلبرهای آن‌ها تمام شود. درحال نزدیک شدن به میرهای آبی کویت بودیم که فیلبرهایشان تمام شد، موشک دوم را شلیک کردم. که پس از چند ثانیه به دم و موتور میراژ دشمن برخورد و منفجر شد و در سطح آب متلاشی گردید. حیدری زاده از خوشحالی تکبیر می‌گفت و به رادار بوشهر اطلاع داد یک فروند از میراژها را به قمر، آب‌های خلیج همیشه فارس فرستادیم. والسلام

خاطره: اول آبان سال ۱۳۵۹ ساعت حدود سه بعدازظهر بود. از پایگاه

دریایی بوشهر به پایگاه هوایی بوشهر که در مجاورت هم بودند اطلاع دادند سه فروند ناوچه اوزا قصد حمله به جزیره خارک را دارند و درخواست پشتیبانی هوایی کردند. بلافاصله یک دسته پروازی سه فروندی به می‌دری سرگرد خلیان علیرضا یاسینی برنامه‌ریزی شد و پس از توجیه پروازی در کوتاه‌ترین زمان هر سه فروند به پرواز درآمدیم. هواپیمای سرگرد خلیان یاسینی و ستوان ۱ حسین خلعتبری و همین‌طور هواپیمای سروان عباسی دوران و ستوان ۱ داود اکرادی، مجهز به موشک‌های ضد کشتی ماوریک و هواپیمای سرگرد (آمیر) استادخلبان محمود ضرابی و بنده (ستوان ۱ محمد اسماعیل بیروان) مجهز به موشک‌های هوا به هوا به منظور رهگیری و انهدام هواپیمای مهاجم عراقی که معمولاً برای پشتیبانی هوایی از ناوچه‌های اوزا در منطقه حضور داشتند مجهز شده بود. به محض ورود به منطقه و تماس با نیروی دریایی برای هماهنگی و شناسایی دقیق ناوچه‌های مهاجم یاسینی و دوران حملات خود را جهت انهدام ناوچه‌های عراقی آغاز کردند. درحالی‌که ناوچه‌های دشمن به شدت به سمت هواپیمای ما با توب‌های ضد هوایی خود تیراندازی و از خود دفاع می‌کردند، دو فروند هواپیمای عراقی با سرعت به منطقه درگیری نزدیک شدند که ما به سمت آن‌ها پرواز و با تاکتیک‌های مناسب و انجام قفل راداری روی آن‌ها و آماده شدن برای پرتاب موشک آن‌ها را از منطقه دور کردیم و این جنگ‌وگریز دو نوبت انجام شد تا یاسینی و دوران بتوانند با موشک‌های ماوریک سه فروند ناوچه دشمن را به قمر آب‌های خلیج فارس بفرستند و این درحالی‌که بود که تعداد زیادی از کارکنان سه ناوچه دشمن که زنده مانده بودند، قبل از غرق شدن ناوچه، خود را با حلقه‌های نجات به آب انداخته بودند که بالگردهای نیروی دریایی حاضر در صحنه به سمت آن‌ها پرواز کردند. از ۶ نفر خلبانی که در آن مأموریت شرکت داشتیم بعد از مدتی چهار نفر از آن هم‌زمان عزیز به فیض شهادت



خیبرشکنان (۳)

آنچه ما از نیروی هوایی دیدیم، شجاعت، فداکاری، شرف و بزرگواری بود. (مقام معظم رهبری)

محمد داود اردانی



الذی خلق الموت و الحیوة لیسوکم انکم احسن عملاً اوست خدایی که مرگ و زندگی را آفرید تا یازماندان که در صحنه بیکار حق و باطل کدامین از شما نیکوکار تر است. (الملک آیه ۲)

این خاطرات هدیه است به بازوان پولادینی که رهبر مستضعمان و کویته طائونیان و فرعونیان زمان بر آن بوسه میزنند. هدیه ایست به مادران فداکار و صبوری که برای صیانت دین الهی از گردن سلاطین کفر و ظلم سمنه وار جان خود و یاسرهایشان را در طبع اخلاص نهادند، و هدیه به پدران بردبار و شکیبانی که برای حلب رضای معبود، ابراهیم وار اسماعیل‌های خود را به مسلخ عشق کشانیده‌اند، و هدیه به لشکر خوبان که لهیب آتش و گرمای طاقت‌فرسای بیابان‌های جنوب و سرمای کوه‌های پوشیده از برف غرب کشور در برابر عزم و اراده آهنینشان سر تسلیم فرود آورد، و سرانجام هدیه ایست توسط موری به پیشگاه سلیمانی به آزاد مردان و آزاد زنانی که سراسر وجودشان مملو از عشق به خدا و مینهن است

اهداف عملیات

بازدارندگی از موشک‌باران شهرهای بی‌دفاع کشورمان و تسلط بر جاده بصره العماره، قطع ارتباط نیروهای شمال و حوض عراق و آزادسازی جزایر محزون

عملیات

در طول عملیات خیبر ضایعات و خسارات وارده توسط هواپیماهای شکاری نیروهای عراقی مستقر در جزیره و لابه‌لای نزارها به بالگردها قابل توجه و تکان دهنده است. در این عملیات ۵ فروند بالگرد پهن بیکر شینوک و چند فروند از انواع مختلف بالگردهای شرکت‌کننده در عملیات مورد اصابت گلوله از هوا و زمین قرار گرفتند، ولی به غیر از سرگرد خلیان (سرلشکر) غلامعلی عادل‌پوردهنوی از نیروی هوایی و سروان خلیان (سرلشکر) محمد ترابی نژاد و سرهنگ ۲ فنی علی یتیم زاده که به درجه رفیع شهادت نائل شدند، بقیه به‌طور معجزه‌آسایی از مهلکه جان سالم به در بردند.

سوم اسفند ۱۳۶۲ روز اول عملیات دو فروند بالگرد شینوک توسط عراقی‌ها سرنگون شد. یک فروند به خلیانی ستوان (سرهنگ) عباس یارلو و ستوان (سرهنگ) قربانعلی بیسوت هدف گلوله قرار گرفت و در حوضچه‌ای مملو از آب در میان نزارهایی به ارتفاع تقریبی ۷ متر در کنار جاده بصره العماره در میان نیروهای عراقی سقوط کرد، که به لطف خدا من (نگارنده) و استاد وهم رزم محبوبم ستوان (سرهنگ) حاج غلامحسین زینعلی سیاوشانی، درحالی‌که دشمن با سلاح‌های سنگین توسط فایق‌های تندرو محوطه اطراف تیراز را محاصره کرده بودند، و راهی برای ورود به حوضچه را نداشتند، خلیانان و سرنشینان را در دو نوبت از اسارت حتمی نجات داده و به مکان امن انتقال دادیم. یک فروند هم به خلیانی داریوش امین طاهری و غلام

خدادادگان در حال پرواز در خاک دشمن بر فراز نزارها بر اثر اصابت گلوله به سیستم هیدرولیک و کنترل فرامین مجبور به مراجعت شد، و هنگام فرود در خاک کشورمان به علت از کار افتادن سیستم کنترل فرامین و فرود در نزدیکی فرارگاه حفیر به شدت با زمین برخورد کرد و متأسفانه ۳۵ تن از نیروهای رزمنده به شهادت رسیدند، و مصدومین و خلیانان برای مداوا به اهواز انتقال داده شدند. در روزهای بعد هم یک فروند بالگرد شینوک به خلیانی سرهنگ (امیر) محمد انصاری و سرهنگ ابراهیم شاه‌بسنیدی بر فراز جزیره مورد اصابت فراز می‌گیرد و در نزارها سقوط می‌کند. و یک فروند دیگر نیز به خلیانی سرهنگ (امیر) علی اصغر عقیلی مقدم در حال پرواز گلوله‌ای به بدنه بالگرد اصابت و سینه یکی از سرنشینان را می‌شکافد و از طرف دیگر بالگرد عبور می‌کند و آن رزمنده در دم به شهادت می‌رسد. به علت نقص فنی و از کار افتادن یکی از موتورهای بالگرد، خلیان برنده را با یک موتور به پرواز درمی‌آورد، و به فرودگاه اهواز انتقال می‌دهد.

در صبح روز دوم عملیات من (نگارنده) و حاج غلامحسین زینعلی با بالگرد به شماره بدنه ۹۴۳۶ و سرگرد محمدولی نظریان (لیدر تیم) و سروان فرمان آقایی با بالگرد به شماره ۹۴۲۴ و شهید اکبر پورسیف و ستوان (سرهنگ) عربت ... فروتین با بالگرد به شماره ۹۴۳۵ بافاصله تقریبی ۱۰۰ متر و ارتفاع ۱۰ متر از زمین برای پنهان ماندن از دید رادارهای دشمن و در امان ماندن از سایت‌های موشکی اطراف شهر بصره به سمت جزیره محزون در پرواز بودیم، و ۶ فروند بالگرد پهن بیکر شینوک هر فروند با بیش از ۶۰ نفر سرنشین با رزم (آجیل ۰۶) به موازات ما در پرواز بودند، یک فروند هواپیمای شکاری عراقی از نوع میگ ۲۳ از بالای سرما عبور کرد، و به طرف پرواز دسته‌جمعی بالگردهای شینوک حمله‌ور شد. من (نگارنده) رادیو را اشغال کردم و گفتم، آقا مصطفی مهمان‌داری، هنوز حرفم تمام نشده بود که سرگرد محمدولی نظریان فرکانس رادیو را اشغال نمود و گفت، آجیل ۰۶ مواظب باش هواپیمای دشمن دوتا هویج برایت برتاب کرد (آجیل ۰۶ شماره بالگرد شینوک به خلیانی سرهنگ (امیر) مصطفی طاهری و سرهنگ (امیر) علی‌اکبر صالحی شیرازی بود. و منظور وی از هویج، راکت یا موشک بود) که به فاصله چند ثانیه دو ستون آب به ارتفاع تقریبی ۱۰ متر به هوا برخاست، معلوم شد که موشک‌ها یا راکت‌ها از کنارشان عبور و به آب اصابت کرده‌اند. در زمان عملیات هلی برن بالگردهای جنگنده کبرا مجهز به موشک و راکت و مسلسل در سه جهت از ما محافظت می‌کردند، قرار بود برای در امان ماندن بالگردهای در حال عملیات از حمله هواپیماهای جنگی دشمن تاب کاور (پوشش هوایی) داشته باشیم، و حت‌های جنگنده اف ۱۴ حفاظت آسمان بالایی سرما را تأمین نمایند، اما تعداد پایگاه‌های موشکی دشمن در منطقه عملیاتی خیبر و شهر بصره در صورت بهره‌برداری از جنگنده‌های اف ۱۴ به‌عنوان پوشش هوایی برای حفاظت از بالگردها، خود اف ۱۴ ها بیشتر در معرض اصابت موشک‌های



تعداد دیگری از بالگردها نیز از ترکش صفت و موشک و راکت بی‌نصب نامادند. پنجشنبه شب ۶۲/۱۲/۴ برای اقامه نماز مغرب و عشاء و قرائت دعای کمیل به جمع برادران هواپرواز پیوستیم. مراسم دعا در آن شرایط با دیگر مراسمی که امت حزب... در شهرها برپا می‌دارند فرق داشت، فارغ از تمام مظاهر مادی و به تصور آخرین دعای کمیل زندگی، و با اخلاص کامل در بیابان و در اوج تاریکی و ظلمت شیردلانی که در صحنه نبرد چون عقاب بر خصم زبون می‌نارند و از هیچ‌گونه خطری هراس ندارند، علی‌وار می‌جنگند و علی‌وار در برابر معبود سر به خاک می‌گذارند، به راستی عامل شجاعت، شهامت و ایثار رزمندگان ایمان و اعتقاد است که می‌جنگند نه چیز دیگر. بعد از خواندن دعای کمیل درحالی‌که مثل کودکان خود را پاک از هرگونه آلودگی و سبک از بار هر گناهی احساس می‌کردیم، برای استراحت و آماده شدن برای نبردی دیگر به جادها رفتیم.

آب فرات یادآور لبان تشنه سالار کربلاست

بخشی از خاطرات سرهنگ خلیان حاج احمد آقا زینعلی از زبان خودش بخوانید: رزمندگان برای رسیدن به خط مقدم جبهه گوی سبقت را از یکدیگر می‌ربودند، شور و شوق آن‌ها آن‌چنان تأثیر گذار بود که هر انسانی را دگرگون می‌کرد. من هم حال عجیبی داشتم، آن روزها ما از خداکتر توان بالگردها استفاده می‌کردیم. در منطقه جمیر رزمندگان با شور و اشتیاق وصف‌ناشدنی پس از ظرفیت در بالگرد سوار شدند. و ما به‌طرف جزیره مخون به پرواز درآمدیم. بوی مشمژکننده باروت به مشام می‌رسید گلوله‌های سرگردان بعضی‌ها یکی پس از دیگری در هوا و زمین منفجر می‌شد. دود و آتش منطقه را فراگرفته بود. ما به محل موردنظر رسیدیم، در هنگام فرود هواپیماهای عراقی منطقه را بمباران کردند، و از زمین و هوا به ما حمله‌ور شدند. چپ و راستمان موشک‌باران شد، پس از فرود، آخرین رزمنده که پیاده شد، به پرواز درآمدم. غافل از آنکه هواپیمای شکاری دشمن ما را هدف قرار داده، به‌محض بلند شدن از زمین موشک با راکت رهاشده از هواپیما به‌جای خالی ما اصابت نمود، پرواز را برای مأموریت بعدی ادامه دادیم و در کنار رود فرات فرود آمدیم خلیان همراه من سروان (سرهنگ) عباس حسنی و مهندس پرواز ما حاج آقا فریدون هجرتی از بچه‌های گروه ضربت بود، حاج آقا هجرتی از چهره‌های شناخته‌شده و از نمازگزاران مسجد جامع نارمک می‌باشد. از مردان پاک و مخلص و بی‌ادعا و ولایتمدار، و عاشق سرور آزادگان حسین (ع) حاجی با نیتی پاک خود را به رود فرات رسانید. من مطمئن بودم که او به یاد شط فرات و لبان تشنه سالار کربلاست، مشتی از آب را برداشت و به بدنه بالگرد پاشید و رو به من کرد و گفت: حاج احمد بالگردت بیمه شد، خیالت راحت، همین هم شد.

ادامه دارد ان شا الله...

دشمن قرار می‌گرفتند، لذا اف ۱۴ برابر طرح اصلی بدافندی که اساس آن توسط طراحان عملیات نیروی هوایی و با حضور شهید بابائی طرح‌ریزی شده بود، همانند عملیات بیت‌المقدس در نقاط معین پرواز و با استفاده از رادار خودش و رادار منطقه و رادار سایت‌های هاگ هواپیماهای مهاجم را شناسایی و از فاصله مناسب (و ایمن برای اف ۱۴) آن‌ها را رهگیری و با موشک فینکس مورد اصابت قرار می‌دهند: با این ترتیب برتری نسبی هوایی را که لازمه انجام هر عملیات سطحی می‌باشد را به وجود می‌آورد، گرچه با درصد کم. لازم به ذکر است در صحنه عملیات زمینی بالگردها باید اجرای مأموریت کنند که کسب برتری هوایی نسبی نیروهای خودی در آسمان منطقه حاکم باشد. طبیعی است که هواپیمای شکاری دشمن در آسمان خودش از نظر کسب برتری هوایی از ما موفق‌تر بوده و با روحیه‌ای مضاعف مانند پرندگان هور بی‌ایمان به ما حمله‌ور می‌شدند.

در نتیجه وسایل دفاعی ما بالگردهای جنگنده کبرا بودند، و آن‌ها شجاعانه نیروهای سطحی دشمن را در هم می‌کوبیدند، و با بالگردهای نهاجمی و هواپیماهای پی سی ۷ و ۹ روبرو می‌شدند.

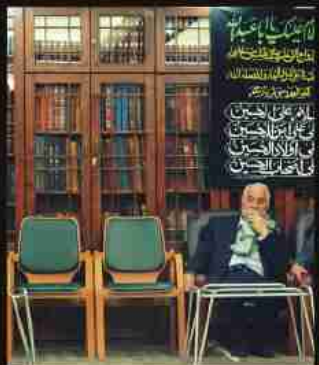
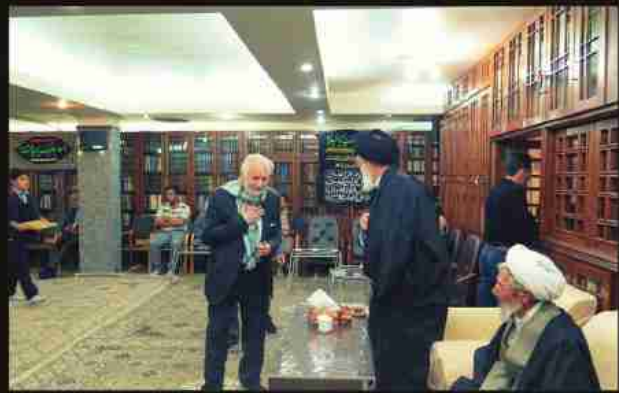
از این‌رو بالگردها برای درآمان ماندن از سایت‌های موشکی عراق و پنهان شدن از دید رادارها در ارتفاع بسیار پائین و گاهی چسبیده به نیرازها پرواز می‌کردند، که پرواز در ارتفاع پائین هم خطرآفرین است.

هواپیماهای شکاری عراق که مطمئن بودند جزایر مخون فاقد پوشش بدافندی در زمین و هواست، بی‌ایمان به بالگردها حمله‌ور می‌شدند، آنها آنقدر به ما نزدیک می‌شدند که هم‌دیگر را می‌دیدیم. من بارها شاهد شلیک موشک و راکت و مسلسل توسط هواپیماهای شکاری میگ ۲۳ و میراژ دشمن به‌طرف بالگردها نیروهای رزمنده بوده‌ام. بنده (نگارنده) نیز چند بار هدف گلوله‌های مسلسل هواپیماهای میراژ قرار گرفته‌ام و جان سالم بدر بردم. زمانی که موشک یا راکت برتاب‌شده به‌طرف بالگردها به خطا می‌رفت و به حوضچه‌های آب داخل نیرازها اصابت می‌نمود، ستونی از آب به هوا فوران می‌کرد. یکبار هم یک بالگرد شینوک با ۶۰ نفر سرنشین به خلیانی شهید رضا پیران نژاد مورد حمله هواپیمای دشمن قرار می‌گیرد، شهید پیران نژاد به‌موقع با یک چرخش سریع جا را خالی می‌کند و از این مهلکه جان سالم بدر می‌برد. من (نگارنده) در پرواز بودم که بالگرد ای بی ۲۱۲ هوادریا به خلیانی ناخدا(دریادار) مقصود نیک پیام و ناومان(ناخدا) رحیم محدث رحیم زاده توسط هواپیمای شکاری دشمن مانند آیکس سوراخ‌سوراخ شد و به‌طور معجزه‌آسایی در منطقه جمیر فرود آمد، و همچنین یک فروند بالگرد جنگنده کبرا به خلیانی ستوان (سرهنگ) رضا مقدمی و ستوان(سرهنگ) محمد خیری پردی توسط هواپیمای پی سی ۷ در هور مورد اصابت قرار گرفت و سقوط کرد و خلیانان توسط بالگرد ۲۱۴ نجات داده شدند. در طول عملیات جای امنی برای مخفی ماندن رزمندگان و وسایل پرنده وجود نداشت

الکھبر سے علم لکھنؤ کی

گزارش تصویری از ایام فاطمیہ در
حسینیہ حضرت آیت اللہ ہاشمی تبریزی











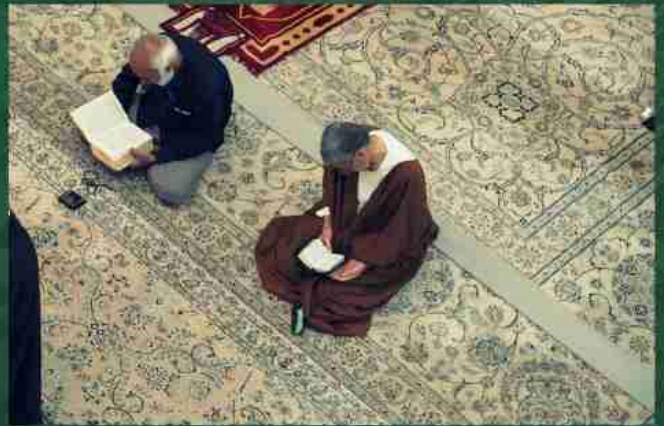
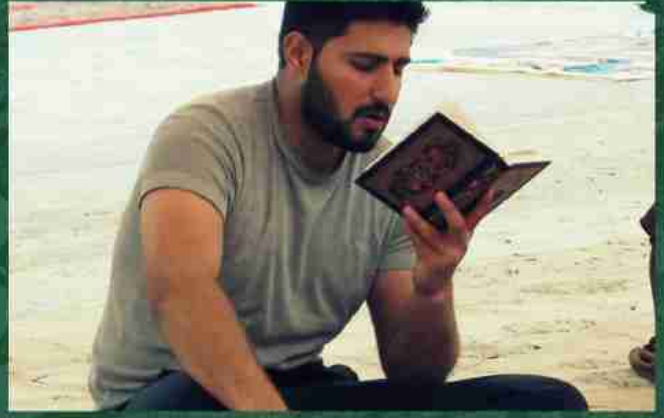


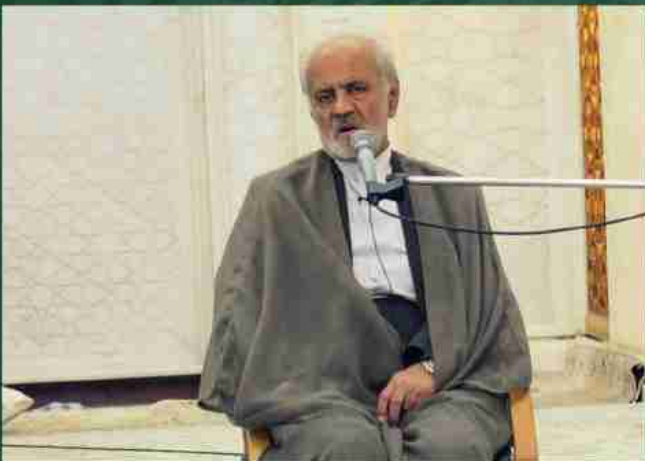
اعتراف

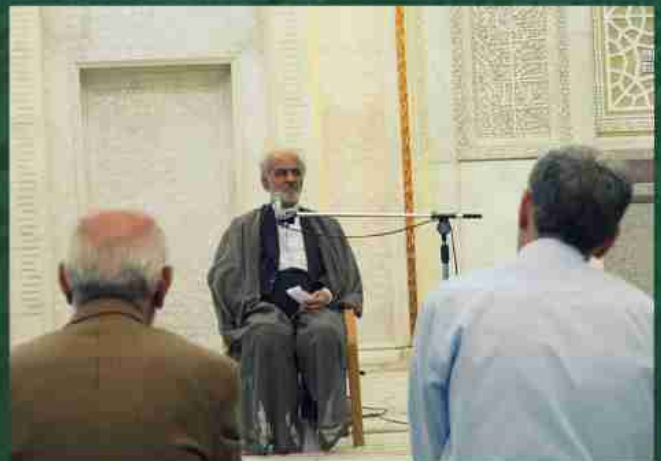
محظبه‌های ناب با حذر بودند

گزارش تصویری از ایام اعتکاف
در مسجد جامع شهرک غرب









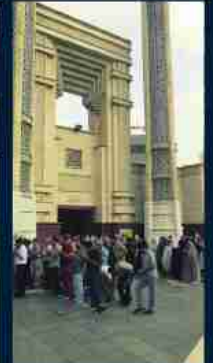
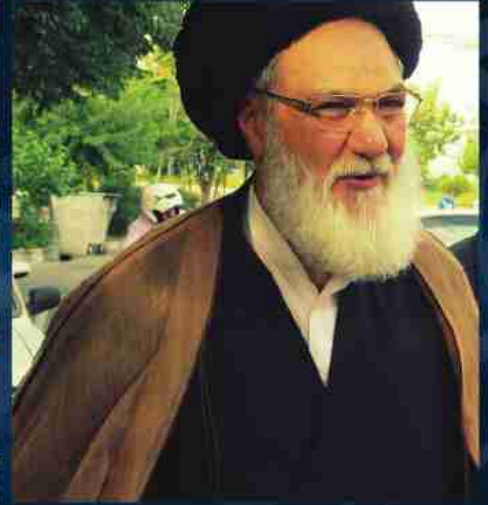




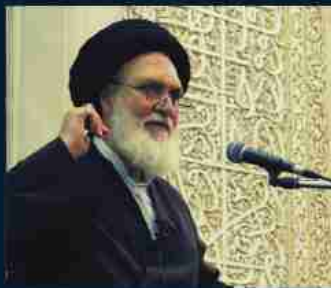
شهر رمضان المبارك

گزارش تصویری از ماه مبارك رمضان
در مسجد جامع شهرک غرب



















اقتصاد مقاومتی با مبنای کاملاً علمی

برگزیده سخنرانی حسن رحیم‌پور از غدی‌پیش از خطبه‌های نماز جمعه مشهد مقدس
در صحن جامع رضوی، ۶ فروردین ۱۳۹۵ سال اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل

تحریریه نشریه

می‌گرفت. ده‌ها هزار مستشار در این کشور بودند اما دانشگاه‌های ما تولید علمی نداشتند و صادراتمان جر نرفت نبود.

امام حوای شمارا از همان اول داد و قبل از آن قرآن حوای شمارا داده است، این اندیشه می‌گوید غرب به تعهداتش وفا می‌کند و هر چه بارها دیده‌اند که عمل نمی‌کنند باز می‌گویند عمل می‌کنند و می‌گویند آمریکا با ما مشکل ذاتی ندارد و باید حمایت فاطمی نیز از جنبش آزادی‌بخش من و سوریه و بحرین نکنیم زیرا به ما ربط ندارد و باید به غرب اطمینان دهیم کاری به این‌ها نداریم و اطمینان دهیم که حتی قدرت دفاعی خودمان را نیز تقویت نمی‌کنیم و موشک نمی‌سازیم. آمریکایی‌ها بی‌گام می‌دهند که اگر می‌خواهید اقتصاد شما خوب شود نهادهای انقلابی را متحل کنید و از زمان امام نیز این را می‌گفتند، ۸۰ درصد مردم شما در انتخابات باشند این دموکراسی را قبول نداریم و باید حقوق اقلیت‌های حسی را نیز رعایت کنید، این‌ها مسئله احکام قطعی اسلام را نیز مانع اقتصاد می‌دانند. مگر با ترکیه همین کار را نکردند و نگفتند باید اقرار کنید زناي محصنه حرم نیست؟

به ترکیه گفتند این را قبول کن تا تصمیم بگیریم جزو اتحادیه اروپا بشوی یا نه؟ فکر می‌کنند اگر حتی این‌همه عقب‌نشینی بکنیم آن‌ها به ما کمک می‌کنند، خود آمریکا ۵۰ میلیون آدم گرسنه دارد، چه کسی می‌تواند و می‌خواهد به شما کمک کند؟ اما ساده‌لوحی در این زمینه وجود دارد.

این‌ها با اصل نظام مخالف بودند و تا زمانی که دست از ماهیت انقلابی و اسلامی خود برنداریم این‌ها از ما راضی نمی‌شوند و باید بگوییم غلط کردیم انقلاب کردیم و برای اینکه درس عبرت بقیه شویم عقب‌نشینی بیشتری می‌خواهند. اقتصاد مقاومتی یک اصطلاح من درآوردی نیست، بلکه در علم اقتصاد کلاسیک و اقتصاد آکادمیک غرب، صحبت از مقاوم‌سازی اقتصاد است، فرض کنید ما بر قدرت منطقه نیستیم و یکی از چهار قدرت جهان در تعیین سرنوشت جهان نیستیم که همه این‌ها را هستیم و این را خود دشمنان اعتراف کرده‌اند، در این بازار سیاه و ناسالم جهان، اقتصاد یک کشور اگر قدرت انعطاف علمی و اقتصادی نداشته باشد شکست می‌خورد.

اقتصاد قوی باید منعطف باشد، اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصاد کشور شکننده نباشد و فرمان آن دست خارج نباشد و معطوف به منافع ملی ما باشد و رو به رشد باشد. همه اقتصادهای موفق به نحوی هستند که در برابر تلاطم

دو اندیشه در جامعه ما و در میان نخبگان ما در ارتباط با بحث اقتصاد مقاومتی وجود دارد، ما با حسن ظن به قضیه نگاه می‌کنیم، این که برخی طرفدار وابستگی هستند تردیدی نیست همان کسانی که به عنوان عامل نفوذی حضور دارند این‌ها هستند، اگر شبکه‌های نفوذ پیدا شود خواهید دید جقدر از این‌ها مانع رشد تولید و استعدادهای کشور بودند و هستند البته ما فعلاً با این بخش کاری نداریم.

یک تفکر این است که انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی دشمن ندارد، دشمنی‌ها همه عرضی و مقطعی است و اگر هم هست دشمنی اقتصادی نیست و در عرصه اقتصاد، پروژه خصمانه وجود ندارد، اقتصاد اساساً عرصه مقاومت و مبارز نیست و استقلال اقتصادی امکان و معنا ندارد و معادل انزوای اقتصادی است.

قطع وابستگی از دشمن غیر از قطع رابطه با جهان است، هیچ‌کس طرفدار قطع رابطه با جهان نیست، امام کجا قطع ارتباط با جهان را مطرح کرد؟ امام قطع ارتباط با جهان خواران را مطرح کرد، آن‌هم رابطه سلطه آمیز بود، جریانی اول می‌گوید مقصر تحریم‌ها ما بودیم و ریشه آن را باید از نظر این‌ها در دهه ۶۰ جستجو کرد.

تنش با قدرت‌های فاسد از نظر امام مطرح بود و نه تنش با دولت و ملت‌ها، برخی اصل این شعارها را عامل دشمنی و تحریم‌ها می‌دانند و می‌گویند بعد از دهه ۶۰ انقلاب تمام‌شده است، راه‌حل مشکلات اقتصادی از نظر این‌ها داخلی نیست و کلید حل مشکلات اقتصادی در پاریس و لندن و واشنگتن است و در اختیار نخبگان نیست و کلید بیرون کشور است. این تفکر، عادی‌سازی روابط، انقلاب زدایی، مکتب زدایی از روابط بین‌الملل و ارزش زدایی از مناسبات با جهان خارج و آمریکا را مطرح می‌کند.

دیدید آل سعود گفت جمهوری اسلامی باید مشخص کند حکومت است یا انقلاب، جواب این است که ما یک حکومت انقلابی هستیم، اما برخی به همین جمع‌بندی آل سعودی رسیده‌اند و راه‌حل مسائل اقتصادی را در انتخاب میان انقلابی بودن و یا حاکم بودن جستجو می‌کنند زیرا حاکم انقلابی بودن سخت است و هزینه دارد.

اگر این‌گونه بود چه نیازی به چند صد هزار شهید بود؟ اگر قرار بود حلب اعتماد آمریکا شود چرا شما؟ خود شاه که بهتر بود زیرا اگر وی می‌ماند خاطر آمریکا جمع‌تر بود، اگر قرار بود پیشرفتی صورت بگیرد باید زمان شاه صورت

نیست که لیست‌های داده‌شده در انتخابات، لیست انگلیسی و آمریکایی بود.

آن‌ها می‌گویند اگر می‌خواهید اقتصادتان با یک «بشکن» حل شود با صدای آرام بگویید اشتباه کردیم و بعد می‌گویند همین را بلند بگویید، آن‌ها دنبال تغییر میان‌مدت و بلندمدت هستند و این‌ها همان استکبار قرآنی هستند.

قصص قرآنی نیز ناظر به آینده برای درسی دادن به ما است، با کسانی روبرو هستیم که طرح‌های سعادت‌بخش را واژگون و ارزش‌ها را نابود می‌کنند و لباس اصلاح پوشیده‌اند و قرآن راجع به همین‌ها می‌گوید. این‌ها هدفشان دنیا است و به آخرت کاری ندارند و حریص‌ترین موجودات برای ماندن در این دنیا هستند.

این‌ها طرفدار ایدئولوژی «حسنة الدنيا» هستند، چرا کسانی فکر می‌کنند این‌ها دشمن نیستند و به این‌ها می‌توان دل باخت؟ این‌ها کافر و منافق هستند و قرآن به این‌ها اشاره کرده است. چرا به این‌ها اعتماد می‌کنید و لبخند می‌زنید؟ وقتی لبخند زدی و قدم زدی رؤیت می‌شود بگویی مرگ بر آمریکا؟ حد ننگه داریم، مذاکره روشن بود برای چه بود، برای مسئله هسته‌ای بود نه در حوزه دیگری و نه در مقدمه احیای رابطه با آمریکا.

کسانی به قصد خدمت به کشور، می‌گویند آمریکا دشمن انقلاب اسلامی نیست، باید تکلیفمان را روشن کنیم و این مسئله در تصمیمات اقتصادی ما دخالت دارد. این‌ها دشمن هستند یا نه؟ برنامه آینده چیست؟ پیشرفت در اقتصاد مقاومتی است یا در سازش اقتصادی؟

قرآن می‌فرماید این‌ها هر پیمانی که با شما می‌بندند در نخستین فرصت آن را زیر پا می‌گذارند، صهیونیست‌ها کتاب خدا و دین را زیر پا می‌گذارند و دنبال علمی هستند که به دیگران صدمه بزنند.

الگوی مصرف ما بسیار خطرناک است و جزو ملت‌های مسرف هستیم و خدا از اسراف‌کننده بدش می‌آید، طبق آمار جهانی و داخلی جزو مصرف‌کننده‌ترین ملت‌های دنیا هستیم و با این طرز مصرف نمی‌توانیم به اقتصاد مقاومتی ادامه دهیم، بسیاری از خانواده‌های غیرمسلمان را دیده‌ام که مصرف کمتری از ما دارند. ما طبقه محرومی داریم که ندارند مصرف کنند اما بسیاری بیش از نیاز مصرف می‌کنند، ملت ایران مصرفش از تولید و واردات از صادراتش بیشتر است، در کشورهای پیشرفته دیده‌ایم که ساده‌تر زندگی می‌کنند، در حوزه انرژی، ایران جزء ۱۰ یا ۱۲ کشور پرمصرف جهان است.

ایران سه برابر متوسط جهان انرژی مصرف می‌کند، هر ۱۰ سال هم مصرف انرژی در کشورمان دو برابر می‌شود و این یعنی مصرف انرژی ایران ۵ برابر اندونزی پرمصرف‌ترین کشور مسلمان دنیا است.

مصرف سرانه انرژی ما دو برابر چین و چهار برابر هند است، مصرف سرانه برق در ایران سه برابر میانگین جهانی است، ما جزو ۱۶ کشور پرمصرف برق در جهان هستیم و سومین مصرف‌کننده گاز در جهان هستیم.

ظرف ۷ سال، مصرف گاز در ایران ۲٫۵ برابر شده است، در آب، از ۷۰ درصد کشورهای جهان مصرف بیشتری داریم، مشکل آب خوردن و کشاورزی در ۲۰ سال آینده داریم، مصرف نان ایران سه برابر اروپایی‌ها است، ایران بالاتر از میانگین جهان شکر مصرف می‌کند و در مورد روغن هم همین‌طور.

مصرف در کشور سال‌به‌سال بیشتر می‌شود، تولیدکننده ما تا به مشکلی می‌خورد تولیدش را کم می‌کند و قاچاق هم کنترل نمی‌شود و کالای تجملی روزبه‌روز بیشتر مصرف می‌شود. ملی که مشکل تروریسم را حل کرد مگر نمی‌تواند قاچاق را حل کند؟

اقتصاد و تولید نباید سیاستش دائم عوض شود، هر انتخاباتی که می‌شود از یک سال مانده به انتخابات، فضا انتخاباتی می‌شود و بعد، زمان صرف تصفیه و تغییر انوبوسی هستیم و بعد هم زمینه‌سازی برای انتخابات بعد، دولت و مجلس باید اختیاراتش مشخص شود، نمی‌توانیم یک سیاست بانکی اعلام کنیم و بعد رهایش کنیم باید تولیدکننده وضعیتش مشخص باشد، از سوی دیگر نظارت بر قوانین باید شکل بگیرد، ما خلاء قانونی نداریم، تراکم قانونی داریم و اجرا نمی‌شود، نظام پاداش و تنبیه باید برقرار شود.

بین‌الملل مقاوم باشند. اقتصاد مقاومتی عبوب خود را سریع پیدا می‌کند و آسیب‌پذیری را کاهش می‌دهد و تولید و توزیع را فعال می‌کند و بانک‌ها و مالیات را سیاست‌گذاری مجتهدانه و به‌روز می‌کند.

نظریه‌پردازان می‌گویند اقتصاد در صورتی پیشرفت می‌کند که شکننده نباشد، اقتصاد مقاومتی مبنای کاملاً علمی دارد.

جنگ اقتصادی کاملاً وجود دارد و باید در برابر آن آماده‌باشیم، در ادارات حکومتی ما باید شعبه فرارگاه اقتصادی وجود داشته باشد تا مقابل سقوط تولیدکننده رای‌گیری.

باید مقابل عوامل ضدتولید و مقابل کسانی که رشد تولید را مانع شده‌اند ایستاد، مقام معظم رهبری فرمودند نزدیک ۶۰ درصد کارگاه‌ها تقریباً خوابیده است و باوجود عقب‌نشینی مقطعی و تاکتیکی در مسائل هسته‌ای، این طرف به تعهدات خود عمل کرده است و طرف مقابل خیر و تحریم‌ها را به شکل مختلف باز می‌گرداند و نامردهای ریاست جمهوری آمریکا نیز نشان دادند به این قرارداد پایبند نیستند اما هنوز هم برخی کلید را دست آمریکایی‌ها می‌دانند و حتی اگر وفا کنند مشکل حل نمی‌شود، مشکل در داخل کشور باید حل شود.

اگر تمام تحریم‌ها را بردارند، تمامی موانع برداشته شد و نازه فضا برای کار باز شده است، موانع برداشته شدن به معنای حرکت که نیست، حرکت در درون باید انجام شود، موانع بوروکراتیک باید برداشته شود، صد موانع به اسم استعلام برای تولیدکننده نگذارند.

کاری کنید که اگر کسی توان و سرمایه دارد با رغبت سراغ شما بیاید، مدارک را یک‌بار از وی بخواهید، رفع موانع تولید احتیاط است، اگر راست می‌گویید در برابر واردات احتیاط کنید، چرا گران‌ترین ماشین‌های دنیا در تهران جولان می‌دهند؟ تشریفاتی‌ترین کالاهای دنیا در کشور ما است. این کشوری است که تحریم است؟

این‌ها خیانت و با حیافت است، پیشنهاد این است که یک فرارگاه قوی بنیاد و موانع تولید را بردارد، بروید از این‌ها سؤال کنید تا بگویند چرا عمده موانع دولتی و حکومتی و واردات و مالیات و سیاست غلط بانک‌ها است.

کلید در داخل کشور است و نه در واشنگتن، آن‌ها به شما کلید نمی‌دهند بلکه قفل می‌دهند، چرا آمریکا باید منافع و خیر ما را بخواهد؟ منطقی است؟ چرا دنبال منافع خود هستید؟ بخشی از سیاست‌های ما موانع اقتصاد مقاومتی هستند و بدون برداشتن این‌ها اقتصاد مقاومتی شکل نمی‌گیرد، خصومت‌هایی علیه اقتصاد مقاومتی وجود دارد که باعث ناکارآمدی می‌شود. رسیدن به اهداف بدون اقتصاد مقاومتی، یعنی اقتصاد علمی و آگاهانه و عدالت محور و توأم با عزت امکان‌پذیر نیست، تحریم‌ها از سال ۵۸ شروع شد و ربطی به مسائل هسته‌ای نداشت، چند ماه پس از انقلاب تحریم‌ها شروع و در سال‌های اخیر تشدید شد، اما از ابتدای انقلاب بود.

اگر اقتصاد داخل درست مدیریت شود در برابر تحریم‌ها از پای در نمی‌آیم، اگر خانواده دارای مشکل اقتصادی بودجه خود را درست تنظیم نکند قطعاً شکست می‌خورد.

زاین و آلمان حتی الآن هم استقلال ندارند، اما پیشرفت اقتصادی آن‌ها به خاطر این بود که مصرف کمتر و تولید بیشتر داشتند و باکار به اینجا رسیدند، فرض کنید رئیس‌جمهور بعدی آمریکا آمد و همه تحریم‌ها را برگرداند، این احتمال که هست، آیا با امید و شادی کاذب ایجاد کردن، اقتصاد کشور راه می‌افتد و یا این فریب افکار عمومی است.

فرض کنید همه پول‌ها برگشت، اگر الگوی مصرف درست نشود تمام این پول تمام می‌شود و به واردات و تورم می‌افزاید، باید واقع‌بین باشیم و امیدوار، این‌ها با تحریم می‌خواستند بیکاری و تورم را افزایش دهند و رفتار جمهوری اسلامی را تغییر دهند و مردم را خسته کرده و به آن‌ها تلقین کنند که اگر شعار مرگ بر آمریکا نباشد شما همه میلیاردر هستید.

هدف بعدی این‌ها تغییر اصل حکومت است و حتی در انتخابات هم حضور داشتند و لیست دادند، آن‌ها گفتند باید کسانی که همفکر ما هستند آن‌ها بیایند و نه آن‌هایی که بر سر مبنای انقلاب هستند ولی این معنایش این

مسئله جمعیت

سیاست‌گذاری برای فرزندان متناسب در خانواده ایرانی

دکتر محمد جهانفر
هیئت علمی دانشگاه تهران



چکیده:

کمیون باروری مادران در دو دهه اخیر که جانشینی جمعیت ایران را زیر سؤال برده است دغدغه دولت‌مردان را پدیدار ساخته است که موجب تشکیل چند جلسه سالیانه برای ساماندهی جمعیت گردیده است. در این مقاله با تعریف روزهای ملی جمعیت، هدف از برگزاری هفته ملی در چند موسسه علمی و اجرایی مطرح شده است و با اشاره به سوانح تغییرات جمعیتی به نظریه‌های تحول جمعیتی (از جمله مالتوس) مراحل انتقال جمعیتی، تحولات رشد جمعیتی ایران در یک قرن اخیر پرداخته شده و پس از ذکر لزوم تسهیلات برنامه‌ریزی برای آینده مناسب جمعیتی و مشکل اساسی جمعیت کنونی به سیاست‌های رفع بحران کم‌فرزندی خانواده‌ها اشاره گردیده است. در انتها به چند فقره از عواقب کم‌فرزندی پرداخته شده و با یک نتیجه‌گیری کلی برای فرهنگ‌سازی و اعمال سیاست‌های لازم برای رفع دغدغه جمعیتی نکاتی مطرح گردیده است.

تعریف:

روزهای ۲۵ تا ۳۱ اردیبهشت هر سال بر اساس ابلاغ مقام معظم رهبری به ترتیب به هفت موضوع زیر پرداخته می‌شود که عبارت‌اند از: جمعیت، خانواده سالم - جمعیت، باروری و حمایت از زوجین نابارور - جمعیت، حفظ کرامت سالمندان - جمعیت، حفظ باروری - جمعیت، سلامت باروری و افزایش نسل سالم - جمعیت جوان و اقتصاد پویا - جمعیت و فرزند پروری هدف از برگزاری هفته ملی جمعیت توسط سازمان ثبت‌احوال کشور و نیز دانشگاه علوم پزشکی ایران و با دانشگاه علوم پزشکی تهران و غیره با همکاری وزارت بهداشت بازگشت روند رو به کاهش رشد جمعیت و باروری در ایران بوده و فرزندان بیشتر خانواده‌ها مورد توجه قرار گرفته است.

تغییرات رشد جمعیتی:

طی تاریخ و از زمان‌های بسیار قدیم تغییراتی در جمعیت پدیدار می‌شده است و ارتباط حجم جمعیت، نیروی کار جمعیتی با درآمد اقتصادی قبل از عصر کشاورزی تاکنون تقریباً در تمامی ادوار یک امر طبیعی ولی بحران‌پذیر بوده است. برای مثال در عصر کشاورزی که خوراک بیشتری فراهم می‌شده جمعیت رو به افزایش می‌گذارد ولی به دلیل ظهور حوادث طبیعی (سیل، زمین‌لرزه، سونامی و لزش دریایی و یا حوادث دیگر) بالاخره کمیون کمبود مواد غذایی و قحطی و بحران‌های جنگی و سوانح مختلفی که موجب مرگومیر بیشتری می‌شده و رشد جمعیتی را کاهش می‌داده است، فراوان دیده شده است. در گذشته تاریخی که بر اثر شیوع بیماری‌ها و نارسایی‌های درمانی سطح

مرگومیر بالا بوده و برای حیران مرگ زیاد، ولادت بیشتر و جایگزینی فرزندان را راهکار افزایش جمعیت می‌شمردند.

در مرحله اول انتقال جمعیتی هم ولادت و هم مرگومیر نسبتاً بالا بوده و نفاضل این دو که رشد طبیعی جمعیت بود حتی در کشورهای غربی بسیار کم شده بود.

در مرحله دوم انتقال جمعیتی پس از انقلاب صنعتی اروپا و یا به همراه پیشرفت‌های بهداشتی و درمانی یک‌باره مرگومیر کاهش یافته و رشد جمعیتی زیادی را موجب شده بود.

در مرحله سوم انتقال جمعیتی باروری کمتر و مرگومیر پائین موجب کاهش رشد جمعیتی هم گردیده است.

در مرحله چهارم انتقال جمعیتی که در اغلب کشورهای اروپایی و امروزی رخ داده است باروری کمتر موجب رشد منفی جمعیتی هم گردیده است. کاهش مرگومیر یک‌صد سال اروپا در اواسط قرن بیستم بر اثر گسترش بهداشت و درمان کشورهای توسعه‌یافته (احتمالاً در خلال جنگ‌های بین‌المللی) به کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران رسیده و به تدریج مرگومیر کمتر موجب رشد بیشتر جمعیتی گردیده است؛ یعنی مراحل انتقال:

۱. بالا بودن زاد و موالید و مرگومیر ۲. کاهش مرگومیر و رشد زیاد
۳. کاهش زادوولد و رشد کم مرگومیر ۴. و بالاخره کاهش رشد موالید از مرگومیر و رشد منفی گردیده است.

در قرن ۱۶ میلادی بعضی از نظریه‌های خاد جمعیتی مثل نظر مالتوس حاکی از آن بود که افزایش ۲۵ ساله جمعیت در انگلستان به شکل هندسی (۱، ۲، ۴، ۸، ۱۶، ... خواهد بود) در حالی که افزایش مواد غذایی و نیازمندی‌های دیگر هر ۲۵ سال به شکل عددی افزایش میابد (۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ...) و این امر موجب تنگناهایی خواهد شد، ولی این نظریه مالتوس در عمل تحقق نیافته و پیشرفت‌های صنعتی زمینه کمبود نیازمندی‌های مالتوسی را مرتفع ساخته است. به عبارت دیگر تحولات اجتماعی متعددی پیش می‌آید که اغلب فرضیه‌های تنگناهای غذایی و غیره را مانع می‌گردد.

تحولات جمعیتی در ایران نیز اثرگذار بوده و برای نمونه حدود یک‌صد سال قبل رشد نیم درصدی داشته‌ایم.

در سرشماری‌های سال ۱۳۳۵ رشد جمعیت ۱۸ میلیونی به ۳٪ رسیده بود. جمعیت سال‌های ۱۳۴۵، ۲۴ میلیون، ۱۳۵۵، ۳۲ میلیون، ۱۳۶۵، نه ۵۰ میلیون رسیده بود و در دهه ۵۵ تا ۶۵ رشد جمعیتی حدود ۴٪ را شاهد بودیم در حالی که جمعیت در سال‌های ۱۳۷۵ به ۶۰ میلیون و در سال ۱۳۸۵ به ۷۰ میلیون و جمعیت ۱۳۹۵ به حدود از ۸۰ میلیون بالغ شده است در مجموع باید گفت که در فواصل ۱۰ ساله مذکور بیشترین رشد جمعیتی با



درحالی که شیوع مقاطع تحصیلی بالا تا حدود لسانی موجب بالا رفتن سنین زوجه تا ۲۲ سالگی گردیده است باین حال شیوع سیاست ازدواج دانشجویی (قبل از فارغ التحصیلی) خود یکراه حلی برای کاهش سن ازدواج و باروری بیشتر تلقی می گردد

عواقب کم فرزندگی:

بر اساس محاسبات انجام شده حدود ۳ فرزند برای هر مادر زمنه تجدید نسل را فراهم کرده و با حدود ۷ در هزار رشد جمعیتی شاهد کمبود نیروی انسانی و با پیر سنی خواهیم شد درحالی که با ۲ فرزند میزان جانشینی دختر به جای مادر (حدود ۰.۸ محاسبه شده) و جمعیتی که میزان تجدید نسلی کمتر از ۱ داشته باشد با رشد منفی رو به انقراض خواهد گذاشت. بعضی از ناگواری های کم فرزندگی عبارتند از:

۱. با ۱ تا ۲ فرزند شبکه خویشاوندی شکل نمی گردد. (عمه، عمو، دایی، خاله و ...)
۲. ۳ نوبت شیردهی مادران به ندرت دچار سرطان سینه می شوند.
۳. با ۳ نوبت حاملگی و خروج جفت حین سموم بدن مادر دفع و سالم تر می گردد.
۴. با یک یا دو فرزند، خودمحوری فرزندان در خانواده چشم گیر می شود.
۵. با یک یا دو فرزند مدیریت خانواده تضعیف و اغلب فرزند سالاری شکل می گیرد.
۶. با ۳ فرزند و فاصله ۵ ساله تربیت و سلامت فرزندان آسان تر شکل می گیرد. (۲۳، ۲۸، ۳۲ سالگی)
۷. با ۳ فرزند جایگزینی فرزندان برای خانواده مسلم می گردد.
۸. با فرمول ۳ فرزندگی جایگزینی جمعیت، کشور نیز شکل می گیرد.
۹. با ۳ فرزند دچار کمبود نیروی کار و پیر سنی جمعیت خواهیم شد.
۱۰. ۳ فرزند مانع رشد منفی و انقراض جمعیت کشور می شویم.
۱۱. ۳ فرزند و والدین برای زن درمانی بیماری های صعبالعلاج درمان مناسب تری خواهند داشت.
۱۲. فقط با ۳ فرزند تریزیم مغز استخوان خواهر و برادر موجب نجات فرزندان در سرطان می شود

نتیجه گیری کلی:

مسلم این است که جمعیت کشورهای مختلف جهان در طول تاریخ تغییر و تحول بسیاری داشته و نظریه های جمعیتی افراطی چون مالتوس که در جهت عواقب افزایش بی رویه جمعیت اعلام خطر می کرد و یا پیر سنی و کمبود نیروی کار که بر اثر رشد منفی جمعیتی کشوری مثل ژاپن پیش آمده بود. آن چنان دغدغه ای برای کشورهای مختلف به پیش نمی آورد که با اعمال سیاست های جمعیتی و متناسب سازی جمعیت با تحولات صنعتی و اقتصادی و با به کارگیری تحولات علمی و انوماسیون و جایگزینی ماشین به جای نیروی کار و دیگر روش های مدیریتی مانع دغدغه جدی برای جامعه خود گردیده اند. با همه احوال اعلام سیاست هایی که مانع ازدواج جوانان و یا تأخیر سن ازدواج گردیده و به کارگیری محدودیت هایی که برای بی بندوباری زناشویی و با الگوها تقلبی غربی که با عنوان هم اتافی (بارتر) و مخصوص سیاست تأمین نسبی نیازمندی های زناشویی که به همراه فرهنگ سازی مذهبی و نیز اعلام ضرورت متناسب سازی اعضاء خانواده به همراه انگیزه های مذهبی و مالی در هدف گیری های تأمین سلامت جسمانی، روانی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی هم به تعبیر کم فرزندگی به ۳ فرزند متناسب در خانواده می رسم و هم دغدغه های جانشینی جمعیتی را دفع خواهیم کرد

منابع و ماخذ:

- جهان فر محمد تاریخ نظریه های جمعیت نشر چهر ۱۳۵۲
جهان فر محمد مبانی جمعیت شناسی نشر دهخدا ۱۳۷۶
جهان فر محمد دانش خانواده سالم نشر جهان فرهنگی ۱۳۸۳
دفتر آمار سازمان نت احوال کشور، ویژه نامه آماری، برگذاشت روز ملی جمعیت اردیبهشت ۱۳۹۵
سازمان نت احوال کشور، ابلاغه از سوی مقام معظم رهبری
دانشگاه علوم پزشکی ایران برنامه اولین کنگره بین المللی سلامت باروری و فرزند آوری اردیبهشت ۱۳۹۵
دانشگاه علوم پزشکی تهران همایش روز ملی جمعیت ۱۳۹۵ تهران

رشد ۴٪ در بین سال های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ شکل گرفته بود ولی در خلال ۲۰ ساله ۱۳۷۵ - ۱۳۹۵ رشد جمعیتی مزبور به تدریج رو به کاهش گذارده است هم اکنون میزان رشد سالانه جمعیت (تفاضل موالید از مرگ و میر به جمعیت) کمتر از ۸ میلیون به حدود ۱.۳٪ رسیده و نسبت به دهه قبلی اندکی افزایش رشد جمعیتی داشته ایم. به عبارت دیگر اگر با رشد جمعیتی ۴٪ سی سال قبل زمان ۲ برابر شدن (۲P) بر اساس محاسبات لگاریتمی هر ۱۸ سال جمعیت ایران ۲ برابر می شده است که از حیث برنامه ریزی آموزشی، غذایی و بهداشتی و سکونتی بسیار مشکل را شده بود اینک با رشد جمعیتی ۱.۳٪ زمان ۲ برابر شدن جمعیت حدود ۵۴ سال شده و وقت مناسب تری برای برنامه ریزی نیازمندی های جمعیتی در اختیار دولت مردان است.

مشکل اساسی جمعیت ایران این است که اگر ۳۰ سال قبل بر اساس لزوم عزتمند شدن فرزندان در خانواده و با دلایل لزوم تأمین آموزش فرزندان، معیشت و سلامت خانواده ها می خواستیم که هر مادر تعداد فرزندان خود را از حدود ۶ فرزند به ۳ فرزند کاهش دهد تا زمینه رشد نامعقول جمعیت فراهم نگردد. متأسفانه شاهد پذیرش تنظیم خانواده بیش از حد لازم گردیده ایم (اگرچه بر اثر ارتقاء فرهنگ عمومی جامعه و گسترش سطح سواد از حدود ۳۳٪ به بیش از ۹۰٪) بسیاری از خانواده ها دچار واگمهی اقتصادی و اجتماعی گردیده و هم به دبیرسی ازدواج و یا انصراف مبتلا شده اند و هم گرایش به تک فرزندگی و یا ۲ فرزندگی ابعاد خانوار خود را کم کرده اند و از ترس سقوط به پیر فرزندگی، یکباره به تک فرزندگی سقوط کرده اند.

سیاست رفع بحران کم فرزندگی که معمولاً در کشورهای اروپایی از طریق قرار دادن لباس و پوشاک کودکانه و شیر و مواد غذایی در پشت درب خانه ها قابل رویت است از طریق فرهنگ سازی در ایران تا حدی قابل انجام است که دیلا به بعضی از دلایل لزوم چند فرزندگی اشاره خواهیم کرد ولی باید گفت به دلیل روشنگری های متعددی که مردم ایران را به احتیاط فراوان واداشته است زمینه را برای نارسایی های بعدی جمعیت ایران فراهم ساخته اند که به برخی از آمارهای امیدوار کننده مربوط در سال ۱۳۹۵ اشاره می گردد:

اول: جز چند استان که باروری کمتر از ۲ فرزند داشته و لازم به برنامه ریزی بیشتر برای فرزند آوری خواهند بود، برای بقیه استان ها نگرانی چندانی نداریم

دوم: اگر بر اثر تبلیغات اهل تسنن در بعضی استان ها از جمله سیستان و بلوچستان باروری کل هر زن به ۴ یا ۵ فرزند رسیده، ارتفاع فرهنگی آنان به تعدیل باروری کمک خواهد کرد.

سوم: تسهیلات ازدواج یک ضرورت اساسی است. میزان ثبت ازدواج سالانه برای کل کشور ۸.۷ درصد در استان های لرستان، کردستان، زنجان، خراسان شمالی و چهارمحال و بختیاری به بیش از ۱۰٪ رسیده است درحالی که در برای استان های تهران با ۶۹٪ و سمنان و اصفهان نسبتاً کمترین ثبت ازدواج گذارش شده است.

چهارم: پیشگیری از طلاق یا فرهنگ سازی لازم مقدور است به خصوص که میزان ثبت طلاق که موجب کاهش باروری است در بلوچستان ناچیز تنها ۰.۶٪ بوده ولی در دیگر استان ها تا ۴ برابر رقم مذکور طلاق می گرفتند. گویی که با مثال معروف «بعضی الاشياء عند الله الطلاق» احتمالاً اهل تسنن استان مزبور اجتناب بیشتری از طلاق داشته اند. باین حال استان های ایلام، چهارمحال و بختیاری و یزد از روحیه سازگاری در زندگی زناشویی را تا حدی حفظ کرده و کمتر به طلاق روی آورده اند.

پنجم: تأمین نیازها در جهت افزایش سن ازدواج کنونی نقش آفرین است بخصوص که میانگین سن ازدواج مردان تا ۲۸.۵ و برای زنان ۲۳.۸ سال رسیده است که خود در کاهش موالید مؤثرتر خواهد بود

کمترین میانگین سن ازدواج ۲۶.۹ در هرمزگان و بیشترین میانگین سن ازدواج در تهران (۳۰.۲) اعلام شده است درحالی که کمترین میانگین سن زوجه در خراسان جنوبی ۲۲.۲ و بیشترین سن زوج مربوط تهران و سپس اصفهان و کرمانشاه گزارش گردیده است

مسلم این است که اگر در گذشته مقطع تحصیلی ابتدایی برای دختران کافی به نظر می رسید سن ازدواج دختران از ۱۵ سالگی نیز تجاوز نمی کرد،

نغمه شادی

بیاید زندگی را با تعقل ما ببینیم
که خوب زیستن را با تحمل یاد بگیریم
بیاید قلبمان را، روحمان را پاک سازیم
که هیچکس را ز خود، دور نرانیم
بیاید پاک سازیم روحمان را
تا که آرامش دهیم جسممان را
بیاید فکرمان را، ذکرمان را نیک بداریم
که هیچکس را برایش بد نخواهیم
بیاید دور بریزیم جنگ ها را
چرا که میرسیم به تنگناها
بیاید ما کمالات را بجوییم
بدی و ناپکاری را برویم
بیاید تا به هم یاری رسانیم
چرا که از دوری هم غمگساریم
بیاید تا کنار هم بمانیم
برای هم نغمه شادی بخوانیم
بیاید پرندگان را سرمشق بگیریم
تمام عمر خوشحال و سرمست باشیم
تو میدانی که این کار محال نیست
همینقدر که نباشی بی اراده، کافیت



يك سوزن به خود (۲)

محمدعلی پروازدوانی

ججه‌هایی که زمانی در کوچه بازی می‌کردند به تدریج بازی آن‌ها به داخل اتاقشان کشیده شد و کوچه‌ای که حداکثر پنجاه خانوار داشت بعد از مدتی ساکنان آن به پانصد نفر افزایش پیدا کرد.

فرهنگ ایرانی و اسلامی ما همیشه مردم را به ارتباط با همسایگان توصیه کرده و در قدیم این مسائل بیشتر دیده می‌شد. اسلام نگاه اخلاقی و انسانی به مسئله همسایه داشته و دارد تا جایی که اهمیت همسایه را برابر با خانواده می‌داند و پیامبر(ص) در این رابطه می‌فرماید: مسلمان نیست کسی که سیر بخواید و همسایه او با شکم‌گرسنه سر بر روی زمین نگذارد و در جای دیگری می‌فرماید: چهل خانه بالاتر و پایین‌تر و در سمت چپ و راست تو همسایه تو هستند.

اگر واقعاً همه مردم فقط به این دو حدیث توجه می‌کردند واقعاً هیچ انسان نیازمندی در بلاد مسلمین نمی‌ماند.

حال این سؤال پیش می‌آید که چه‌کار می‌توان انجام داد که با همسایگان خود باب دوستی را بازکنیم؟

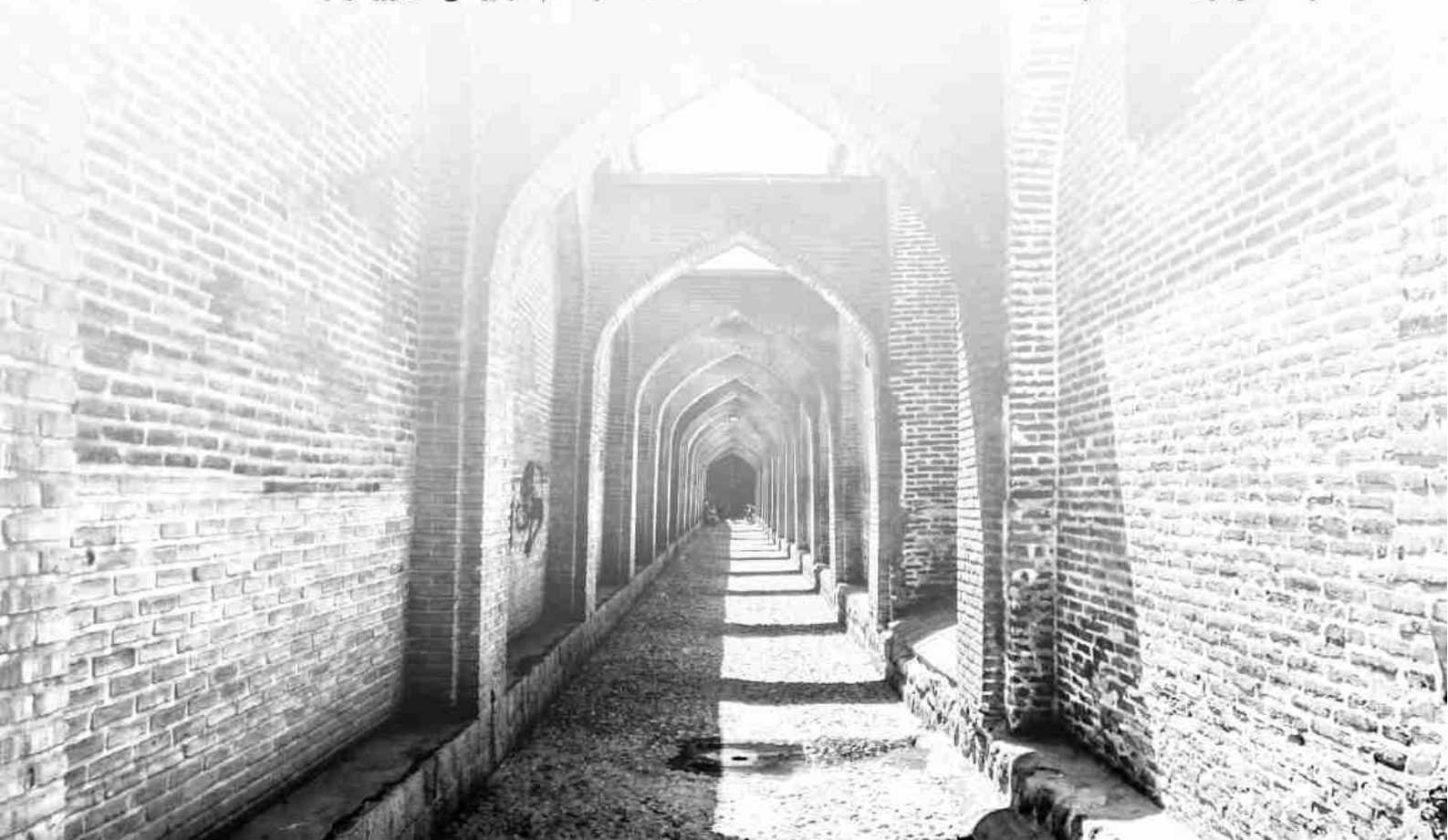
جواب این سؤال خیلی ساده است، ما می‌توانیم با کوچک‌ترین بهانه‌ها، با همسایگان خود باب دوستی را باز کنیم مانند توزیع نذری بین همسایه‌ها و سلام احوال‌پرسی‌های روزمره و ...

همه ما هرروز بعد از اعضای خانواده خود همسایگان خود را می‌بینیم، همسایگانی که در آپارتمان یا همسایگانی که در کوچه یا محله ما هستند، همسایگانی که اغلب فقط از کنارشان و شاید بدون سلام کردن رد می‌شویم، عموم ما اگر ادعای این را داشته باشیم که انسان‌هایی اجتماعی هستیم می‌توانیم بگوییم همه افراد در آپارتمان خود را می‌شناسیم و امروزه به تدریج پیش می‌آید که شخصی افراد داخل کوچه خود را بشناسد.

در زمان قدیم ساکنان یک کوچه یا محله همدیگر را می‌شناختند به دو دلیل اصلی:

۱. هر کوچه به‌طور متوسط کمتر از ۵۰ خانوار داشت.
۲. مردم به‌واسطه مسجد یا حمام عمومی یا ... با همدیگر آشنا می‌شدند.

با موج ساختمان‌سازی و مهاجرت مردم به شهرهای بزرگ و تغییر محل سکونت گسترده مردم و با قوت بزرگ خانواده‌ای که معمولاً فروش آن خانه را در پی داشت به تدریج ساکنان یک کوچه باهم غریب و غریب‌تر می‌شدند و با مناطق تازه تأسیس حومه شهر که یکجا، عده کثیری جمعیت در آن ساکن می‌شدند باعث ناآشنایی افراد ساکن در یک محله بود.



ایستگاه خاکستری

س. صادقی 

مثل باران رایحه دل‌انگیزش تو را به سوی خود می‌خواند انگار با نور رویان نوشته‌اند: لاله‌الاله، محمد رسول‌الله و تو به دنبال شکافی در این پرده عظیم هستی؛ مانند شکاف خانه خدا محل تولد علی (ع) و تو به دنبال کلید عشق می‌گردی؛ و با تمامی وجود یک یا علی (ع) می‌گویی. کلید ورود عشق به ولایت علی (ع) است به آسانی از مرز رد می‌شوی از سربرده‌ای می‌گذری با سرعتی باورنکردنی به منزل اول می‌رسی برده کنار می‌ورد انگار همه‌جا در مه پنهان است و تو درست می‌بینی؛ او را می‌بینی دستت را می‌گیری و تو را با خود می‌برد تعداد زیادی قبل از تو رسیده‌اند زنان زیادی گرداگرد هم ایستاده‌اند باید غسل کرد و لباس‌های دنبایی را کند و وارد شد. می‌پرسی با چشمان پرسشگر خود را به او می‌دوری. شاید می‌خواهی بگویی که زمان بگیرند و یکی یکی غسل کنند در نگاهش می‌خواهی که اینجا زمان معنا ندارد همه کسانی که باهم رسیده‌اند باهم زیرآب می‌روند نگاه می‌کنی انگار تکه ابری مأمور این کار است غسل می‌کنی. پس از غسل دیگر او را نمی‌بینی انگار تو همه او شده‌ای یا شاید او تو شده است سبکبار و بی‌وزن راه می‌افتی پارچه سفیدی مانند ساری‌های هندی به دور خودت پیچیده‌ای احساس می‌کنی اینجا کعبه واقعی است در میان جمع دوست را می‌شناسی دوستی که سالیان درازی است از او بی‌خبر مانده‌ای یکدیگر را در آغوش می‌گیرد می‌گوید بالاخره تو هم آمدی انگار راهنمایت شده است تا در منازلی که در پیش داری تو را همراهی کند هرکسی دوستی آشنایی پیدا کرده است همه‌جا غرق در سکوت و آرامش است هیچ صدایی به گوش نمی‌رسد دیگر زبان به کار نمی‌آید با نگاه به هم متوجه می‌شوید چه می‌گویید می‌پرسی آیا پدر و مادرم و دوستان و ... را می‌بینیم. می‌گوید صبور باش و دنبال من بیا وگرنه مجبور می‌شوی به تنهایی سفرت را آغاز کنی یاد قصه خضر و موسی (ع) می‌افتی او در جلو و تو به دنبال او از اولین پرده اصلی می‌گذرید همه‌جا آبی است معلوم نیست این آبی آسمان است یا آبی دریا بی‌اختیار لباست را بالا نگه می‌داری تا خیس نشوی دوست لیختد می‌زند دست‌هایش را باز می‌کند؛ و مانند پرده‌ای حرکت می‌کند. احساس بی‌وزنی می‌کنی نمی‌دانی

روی نمکتی در ایستگاه نسته‌ای. ایستگاه خاکستری هوا گرفته و مه‌آلود است چه سکوتی بدنت یخزده است. دست‌هایت را به هم می‌مالی. گرم نمی‌شوی می‌خواهی بلند شوی نمی‌توانی.

اینکه اینجا چه می‌کنی و منتظر چه کسی هستی برافت مشخص نیست. انگار کسی ترا به اینجا خوانده است. با اضطراب و تشویش زیر لب می‌گویی؟ پس چرا نمی‌آید؟ و با خودت می‌گویی؟ چه کسی؟ ظاهراً چاره‌ای جز انتظار ندارد. انگار یکی کنارت می‌نشیند سرت را می‌چرخانی تا او را بهتر ببینی.

تکان شدیدی می‌خوری بدنت به لرزه می‌افتد چقدر شبیه خودت است. انگار در آینه نگاه می‌کنی؟ چشم‌هایت را می‌بندی و دوباره باز می‌کنی.

هراسان نگاه می‌کنی. او نیز تو را نگاه می‌کند. در نگاهش تعجبی نیست. بلند می‌شود. تو نیز بلند می‌شوی. راه می‌افتد بی‌اختیار به دنبالش می‌روی بی‌هیچ حرف و کلامی. انگار در قطاری به طول تمامی دنیا سوار شده‌ای. زمانی در مکانی هر دو نامعلوم او را می‌بینی که آرام در کنارت ایستاده است آرزو می‌کنی ای کاش می‌توانستی پیاده شوی.

صدایی می‌شنوی. انگار کسی در گوشت چیزی می‌گوید. تو پیاده می‌شوی. او نیز پیاده می‌شود. افراد دیگری هم‌زمان با تو پیاده می‌شوند. قطار دوباره راه می‌افتد.

اینجا کجاست؟ آیا لب مرز است؟ مرز کجاست؟ شاید دیگر کجایی وجود نداشته باشد شاید اینجا همان ناکجاآباد است. شاید اینجا مرز این جهان و آن جهان است. مرز بین حقیقت و واقعیت هستی و نیستی با خود می‌گویی هستی چیست؟ نیستی کدام است؟ آیا تا حالا در هستی بوده‌ای و حالا به‌سوی نیستی می‌روی؟ بلند می‌گویی نه در ذهنت حرف اول نیستی را با حرف اول هستی کنار گذاشته‌ای انگار رمزگشایی کرده‌ای آری این است و درست همین است یک نه به تمام عالم و آدم و یقیه هیچ است. می‌خواهی از مرز رد شوی اما نمی‌توانی! چرا؟ فرزندت را می‌بینی که گریان است. با چشمانی اشکبار او را می‌بوسی و در گوشش چیزی می‌گویی می‌خندد و تو آرام می‌روی. انگار پرده‌ای به درازای تمامی کره خاکی کشیده‌اند پرده‌ای از محمل سیاه یا شاید حریر مثل پرده کعبه سیاه مثل شب لطیف



شنا می‌کنی یا پرواز هر چه هست احساس دلپذیری است. انگار از بالای شهر
بزرگی رد می‌شوی با عمارتی بسیار زیبا و باشکوه.

_ بس خانه ما کجاست

_ ما به خانه احتیاج نداریم

_ چرا این‌ها خانه دارند؟

_ این‌ها به‌طور ناگهانی به اینجا آمده‌اند زلزله سقوط از هواپیما تضادف
آتش سوزی و... باید هم در اینجا باشند تا عادت کنند. دلت برای خانهات تنگ
می‌شود می‌پرسی چرا به من گفتند؟

_ گفتند اما تو غفلت کردی آنگاه که بدرت رفت مادرت رفت دوست
همسایهات آن روز که در صحن حرم یک نفر را تشیع کردن نماز خواندی
گریستی و بعد ... به بازار رفتی آن چنان غرق دنیایی شدی که ...

اما من دلم تنگ می‌شود برای بچه‌هایم همسرم نوه‌هایم ...

_ هر وقت خواستی آن‌ها را می‌بینی.

_ چطور؟ چگونه؟

ناگهان اسب رؤیایی با بال‌های رنگ حلویت ظاهر می‌شود.

_ سوار شو همین کار را می‌کنی حالا چشم‌هایت را ببند و بازکن آن‌ها را خواهی
دید یکی یکی فرزندان را می‌بینی هر کدام سرگرم کار و زندگی‌شان هستند کمی
بالای سرخانهات درنگ می‌کنی همسرت مشغول آبیاری باغچه است انگار با تمام
وجودش تو را حس می‌کند دست از کار می‌کشد بالا را نگاه می‌کند.

_ جقدر بچه‌هایم زود فراموشم کردند

_ اگر فراموش نکنند که نمی‌توانند زندگی کنند.

اما سرگشته و حیران در یک دوگانگی سیر می‌کنی در فکر و
مهنمایی! آیا دیگر خورشید را نخواهی دید و مهتاب اسرارآمیز آیا
شب و روز دیگر تمام‌شده است آسمان را و ستاره‌های زیبایش را
خواهی دید!

ستاره‌هایی که با چشمک زدن هایشان هر کدام انگار تو را با خود به جایی به
خیالی می‌برند بودن یا نبودن ذهنت را پر کرده است این چه نوع بودنی است

چه نوع جاودانگی است

لنگار نوری از خورشید بر دیوار می‌افتد و سایه ستاره‌ها از روی پنجره به روی دیوار شده‌ای
سایه‌ای که خیال نیست سایه‌ای که روح دارد آبیانه سرخسینه عمر جلودان رسید

ناگهان حامی بزرگ در پیش رویت فرار می‌گیرد شراب می‌نوشی و برجانت
می‌نشیند جقدر مطبوع است سرخوش از عشق می‌شوی و دانایی.

آیا خاک شده‌ای یا خاکستر به باد می‌آوری که از هر دو ترسیده بودی وقتی
انسانی را در خاک می‌گذاشتند و با جسدش را می‌سوزاندند اما تو نور شدی
و از مرز گذشته انگار هر چه در خیالت می‌گذرد به حقیقت تبدیل می‌شود
از هر جا که می‌گذری دری باز می‌شود.

به گل‌های زیبا فکر می‌کنی عطری از یاس به مشامت می‌رسد و به یاد یاس
پهلوی شکسته می‌افتی و آرزوی می‌کنی ای کاش او را ببینی همه‌جا را غرق گل
می‌بینی گل‌ها و پروانه‌ها در فضایی خیال‌انگیز به پرواز درمی‌آیند.

ناگهان نوای موسیقی دل‌انگیز به گوشه‌ت می‌رسد از آن نواهای
ماوراسی شاد و مسحور وارد جمع می‌شوی: کاغذی از جنس
نور به تو می‌دهند و قلمی تراش خورده از الماس و تو شنیدا
و بی‌پروا می‌نویسی کلمات با تو پرواز می‌کنند و تو کلمه‌ای
می‌شوی نقطه‌های تو یک پرنده شده است و تو زیباترین کلمه
می‌شوی: مادر می‌سوزی و آتش می‌شوی می‌سوزی و خاکسترت
جادو می‌کند سرمه‌ای می‌شوی در چشم‌ها و همیشه همراهشان
می‌شوی دیگر دل‌تنگ نیستی!

کاغذی دیگر بخش می‌کنند یکی از آن‌ها به تو می‌رسد با نوری سبز بران
نوشته‌اند « برای ظهورش دعا کنید » و تو خود می‌گویی: « بعدازاین سر نماز
هزاران بار دعا می‌کنم »

صدای می‌گوید: دیگر نمازی در کار نیست دعا کنید. دعا و تو چنان دل‌تنگ
می‌شوی که های های گریه می‌کنی.

از صدای هق‌هق گریهات بیدار می‌شوی صدا از آن گلدسته مسجده به گوش می‌رسد.
نفس نفس اگر از باد بشنوم بویش زمان جو گل از غم کنیم گریبان چاک



تفاوت شکایت کیفری و دادخواست حقوقی

تعمیریه نشریه 

برای دعوت کردن طرف شکایت کیفری (متهم) به دادگاه ورقه‌ای بنام احضاریه برای او فرستاده می‌شود ولی برای دعوت کردن طرف شکایت حقوقی (خوانده) از ورقه‌ای بنام احضاریه استفاده می‌نماید.

در شکایت کیفری، اگر متهم (مشتکی‌عنه) به احضاریه توجه نکند و در وقت تعیین شده خود را به مرجع قضایی معرفی نکند، او را جلب و به اجبار به دادگستری می‌برند ولی در شکایت‌های حقوقی اگر خوانده به موقع حاضر نشود، منتظر او نمی‌مانند و ممکن است حق را به خواهان بدهند.

در دعوای کیفری بدون وکیل هم می‌شود به حکم دادگاه اعتراض و خواستار ارسال پرونده به دادگاه تجدیدنظر شد ولی در دعوای حقوقی فقط وکیل دادگستری باید به وسیله دادخواست تجدیدنظر در خواست تجدیدنظر خواهی کند

یکی از مسائلی که مراجعین دادگستری زیاد با آن مواجه هستند، تفکیک دو عنوان است. برای موفقیت در دادگستری، دانستن تفاوت‌های این دو عنوان خیلی مؤثر است:

دعوی کیفری مربوط به عملی است که برای مرتکب آن، دادگاه مجازات تعیین می‌کند ولی برای دعوی حقوقی دادگاه مجازاتی در نظر نمی‌گیرد و فقط مرتکب عمل را به دادن حقوق قانونی دیگران یا انجام تکالیفش ملزم می‌سازد. شکایت کیفری را در هر کاغذی می‌توان نوشت و به مرجع قضایی برد ولی شکایت حقوقی حتماً باید در ورقه مخصوص بنام دادخواست نوشته شود و الا مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد (ورقه دادخواست را در داخل دادگستری‌ها می‌فروشند)

شکایت کیفری را برای رسیدگی باید ابتدا به مرجعی بنام دادسرا برد و بعد از انجام تحقیقات در کلاتری و دادسرا، جهت رسیدگی به دادگاه فرستاده می‌شود. ولی دادخواست حقوقی باید مستقیماً به دادگاه برده شود.

شکایت‌های کیفری را بدون استفاده از وکیل هم می‌توان در دادگستری مطرح کرد. ولی اکثر شکایت‌های حقوقی باید توسط وکیل دادگستری مطرح شود (مثلاً شکایت‌هایی که موضوع آن مالی و بیشتر از یک میلیون تومان است)

برای مطرح کردن شکایت کیفری (از هر نوعی که باشد) فقط یک تمبر ۲۰۰۰ تومانی لازم است که در دادگستری بر روی آن زده می‌شود. ولی برای طرح شکایت حقوقی، باید به تناسب ارزش مالی که راجع به آن دعوا مطرح شده یک و نیم در هزار تمبر باطل کرد (مثلاً برای گرفتن یک طلب ۱۰ میلیون تومانی بالغ بر ۱۵۰ هزار تومان تمبر لازم است)

پرونده بسیاری از شکایت‌های کیفری حتی با پس گرفتن شکایت از طرف شاکی هم بسته نمی‌شوند (مثل شکایت راجع به رشوه، قتل، زنا و...) اما شکایت‌های حقوقی با پس گرفتن دعوا از طرف شکایت‌کننده، خاتمه می‌یابند. در شکایت‌های کیفری، به شکایت‌کننده شاکی گفته می‌شود، به طرف او متشاکی یا مشتکی‌عنه و یا متهم گفته می‌شود و به موضوع پرونده نیز آنها هم می‌گویند؛ اما در شکایت‌های حقوقی، به شکایت‌کننده خواهان می‌گویند. به طرف او خوانده گفته می‌شود و به موضوع پرونده هم خواسته می‌گویند.

شکایت کیفری را برای رسیدگی باید ابتدا به مرجعی بنام دادسرا برد و بعد از انجام تحقیقات در کلاتری و دادسرا، جهت رسیدگی به دادگاه فرستاده می‌شود. ولی دادخواست حقوقی باید مستقیماً به دادگاه برده شود





واخواست: اعتراض را گویند

وارث: کسی که از دیگری مالی را به ارث میرسد.

وثیقه: مالی است که وام گیرنده تحت یکی از صور قانونی آن را نزد وام دهنده می گذارد.

وجوب: به معنی لزوم عقد یا ایقاع

ودیعه: عقدی است که به موجب آن یک نفر مال خود را به دیگری می سپارد برای اینکه آن را مجاناً نگهدارد

وصیت: اعمال حقوق مدنی از طریق استخلاف

وکالت: عقدی است که به موجب آن، شخص به دیگری اختیار انجام عملی را به نام و به نفع خود می دهد وکالت دهنده را موکل و وکالت گیرنده را وکیل نامند.





سبک‌های نقاشی (بخش اول)

رنالیسم

واقع‌گرایی یا رنالیسم در هنرهای تصویری یا ادبیات نمایش احسام به شکلی است که در زندگی روزانه هستند بدون هرگونه آرایش یا تغییر افزون. این واژه همچنین برای شروع کارهای هنری که برای آشکار کردن راستی چیزهایی چون زشتی و پستی را تأیید کردن به کار می‌رود. از هنرمندان این سبک: داونجی، مکمل آنژ، رافائل.

امپرسیونیسم

امپرسیونیسم در لغت به معنای دریافت آبی و دریافت حسی است. هنرمندان این سبک نظام آموزشی متداول و هنرهای آکادمیک را مردود می‌شمردند و نیز با اصل رمانتیسم که مهم‌ترین مقصود هنر که انتقال عاطفی هنرمند است مخالف بودند اما برعکس این نظر رنالیست‌ها را می‌پذیرفتند که مقصود هنر باید ثبت یاره‌ای از طبیعت و زندگی به عدد روحی علمی و فارغ از احساس شخصی باشد بر این اساس می‌توان امپرسیونیسم را ادامه مطلق رنالیسم در سده نوزدهم دانست. از هنرمندان این سبک: کامی پيسارو، ادوارد مانه، ادگار دگار، کلود مونه، پل سندان، گوگن.

اکسپرسیونیسم

هیجان‌نمایی یا اکسپرسیونیسم نام یک مکتب هنری است که در آغاز قرن بیستم نهضت بزرگی بر ضد رنالیسم و امپرسیونیسم با گرفت. واژه اکسپرسیونیسم اولین بار در تعریف برخی از نقاشی‌های (آگوست اروه) به‌کاررفته است. اکسپرسیونیسم جنبشی در ادبیات بود که او نخست در آلمان شکوفا شد. هدف اصلی این مکتب نمایش دردهای بشر مخصوصاً عواطفی چون: ترس، نفرت، عشق و اضطراب بود. به‌عبارت‌دیگر اکسپرسیونیسم شیوه نوین از بیان تجسمی است که در آن هنرمند برای القای هیجانات شدید خود از رنگ‌های تند و اشکال کج‌ومعوج و خطوط زمخت بهره می‌گیرد. اکسپرسیونیسم نوعی اغراق در رنگ‌ها و شکل‌هاست شیوه‌ای عاری از طبیعت‌گرایی که می‌خواست حالات عاطفی را هرچه روشن‌تر و سریع‌تر بیان نماید. دوره شکل‌گیری این مکتب از حدود سال (هزار و نهصد و ده تا هزار و نهصد و سی‌وپنج) میلادی بود ولی در کل این شیوه از گذشته‌های دور با هنرهای تجسمی همراه بوده. هنرمندان این مکتب: ادوار مونس، امیل نولد، ژوزورونو.



بخشیدن ایده‌های شخصی خود پرداختند. رمانتیسیم را همان‌طور که از نامش پیداست باید نوعی واکنش احساسی در برابر خرد محوری به شمار آورد تمایل به برجسته کردن خویشتن انسانی گرایش به‌سوی خیال و رؤیا به‌سوی گذشته تاریخی و به‌سوی سرزمین‌های ناشناخته. از دید انسان رمانتیک جهان به دودسته تقسیم می‌شود یکی دسته خردگرا به قول نوالیس جهان اعداد و اشکال و دوم دسته احساسات به‌طور دقیق‌تر والاترین‌ها و زیباترین‌ها. رمانتیسیم بر ضد جامعه اشرافی و دوران روشنفکری بود. گفته می‌شود که: ایدئولوژی انقلاب فرانسه و نتیجه‌های آن این طرز فکر را تحت تأثیر خود قرار داد. برلین علاقه‌مند به چنین سبکی بود. اصول رمانتیسیم اهمیت دادن به فردیت و انسان هنرمند است و همچنین عدم تبعیت از قوانین ثابت و پیروی از امثال ذهنی. مهم‌ترین هنرمند این سبک اوزن دلاکورا نام دارد.

پرسیژنیسم

راست‌خط کاری یا پرسیزنیسم یک جنبش هنری است که بعد از جنگ جهانی اول و قبل از جنگ جهانی دوم در آمریکا به وجود آمد. این عنوان را به گروهی از نقاشان حجم گر آتریوای شمالی داده بودند که از (هزار و نهصد و پانزده) گرد هم آمدند و مکتبی با ویژگی‌های سادگی شکل صراحت هندسی سطوح راست‌بری خط و دقت در سامان بخشی به عناصر تصویری را شکل دادند این نقاشان معمولاً مضمون کار خود را صحنه‌های صنعتی و شهری و ساختمانی خالی از وجود آدمی انتخاب می‌کردند. به این جنبش نام‌های دیگری مانند حجم‌گری واقع‌نما، نقاشان پاک‌ی برداز و پاک‌ی بردار آن هم داده‌اند. جنبش راست‌خط کاری روی جنبش‌های واقع‌گری جنادوی و هنر مردم وار تأثیر داشته است.

مینیمالیسم

ساده‌گرایی یا مینیمالیسم یا کمینه‌گرایی با هنر کمینه یا هنر موجز. یک مکتب هنری است که اساس آثار و بیان خود را بر پایه سادگی و روش‌های ساده و خالی از بیچیدگی معمول فلسفی و یا شبه‌فلسفی بنیان گذاشته است. از نام‌های دیگر این جنبش لبرالیسم آرت می‌باشد. این هنر زاینده هنر روس پس از انقلاب اکتبر روس می‌باشد که ساختارگرا بودند و به خلاصه‌نمایی و اشکال هندسی گرایش داشتند. از هنرمندان مطرح این سبک می‌توان به تونی اسمیت، دانالد جاد، کارل آندره، دان فلاوین، رابرت موریس، سول لویت، جان مک کراکن اشاره کرد.

سورتالیسم

فرا واقع‌گرایی یا سورتالیسم یکی از جنبش‌های هنری قرن بیستم است سورتالیسم به معنی گرایش به ماورای واقعیت یا واقعیت برتر است زمانی که دادانیسم در حال از بین رفتن بود پیروان آن به دور آندره برتون که خود نیز زمانی دادانیست بود گرد آمدند و طرح مکتب جدیدی را پی‌ریزی کردند این شیوه در سال (هزار و نهصد و بیست‌ودو) به‌طور رسمی تیز فرانسه آغاز شد و فرا واقع‌گرایی نامیده شد این مکتب بازتاب نایسامانی‌ها و آشفتگی‌های قرن بیستم است. درواقع سورتالیسم مشکل پرتوقعی است که فقط عضویت در دست و پیروی کامل را می‌پذیرد. فلسفه علمی که همان رویکرد فروید به روانکاوی است. فلسفه اخلاقی که با هرگونه قرارداد مخالف است. از هنرمندان معروف این سبک سالوادور دالی، رنه مارگرت، لویی آراگون هستند.

کوبیسم

حجم‌گرایی یا کوبیسم یکی از سبک‌های هنری است. کوبیسم در سال‌های (هزار و نهصد و هفت تا هزار و نهصد و هشت) به‌عنوان سبکی. جدی در نقاشی و تا حد محدودتری در تندیس‌گری ظهور کرد که از نقاط عطف هنر غرب به شمار می‌رود واژه کوبیسم به معنی مکعب می‌باشد این واژه را نخستین بار وکسل منتقد هنری به کاربرد دیوید هاکنی در کنفرانس دانشگاه هاروارد در این باره می‌گوید: امروزه کلمه کوبیسم برای آنچه براک و پیکاسو انجام دادند عبارت بسیار سبزه‌روز و بد گزیتش‌شده است درواقع این‌ها را وکسل منتقد معروف پایه گذاشت او داشت اتفاقی که افتاده بود را درک می‌کرد و فکر می‌کرد کوبیسم یعنی مکعب‌ها و سطح‌ها و این برجسی بود که دیگر به آن زده شده بود. کوبیسم ماحرای مکعب‌ها نیست این سبک دید ساده‌انگارانه معمولی است که بشویم کوبیسم از راه نوعی هندسه به تجرید می‌رسد. از هنرمندان این سبک: ژرژ براک، پابلو پیکاسو هستند اما خوان گریس از این دو آثاری خلق کرد که کوبیسم ترکیبی نام گرفت.

فوتوریسم

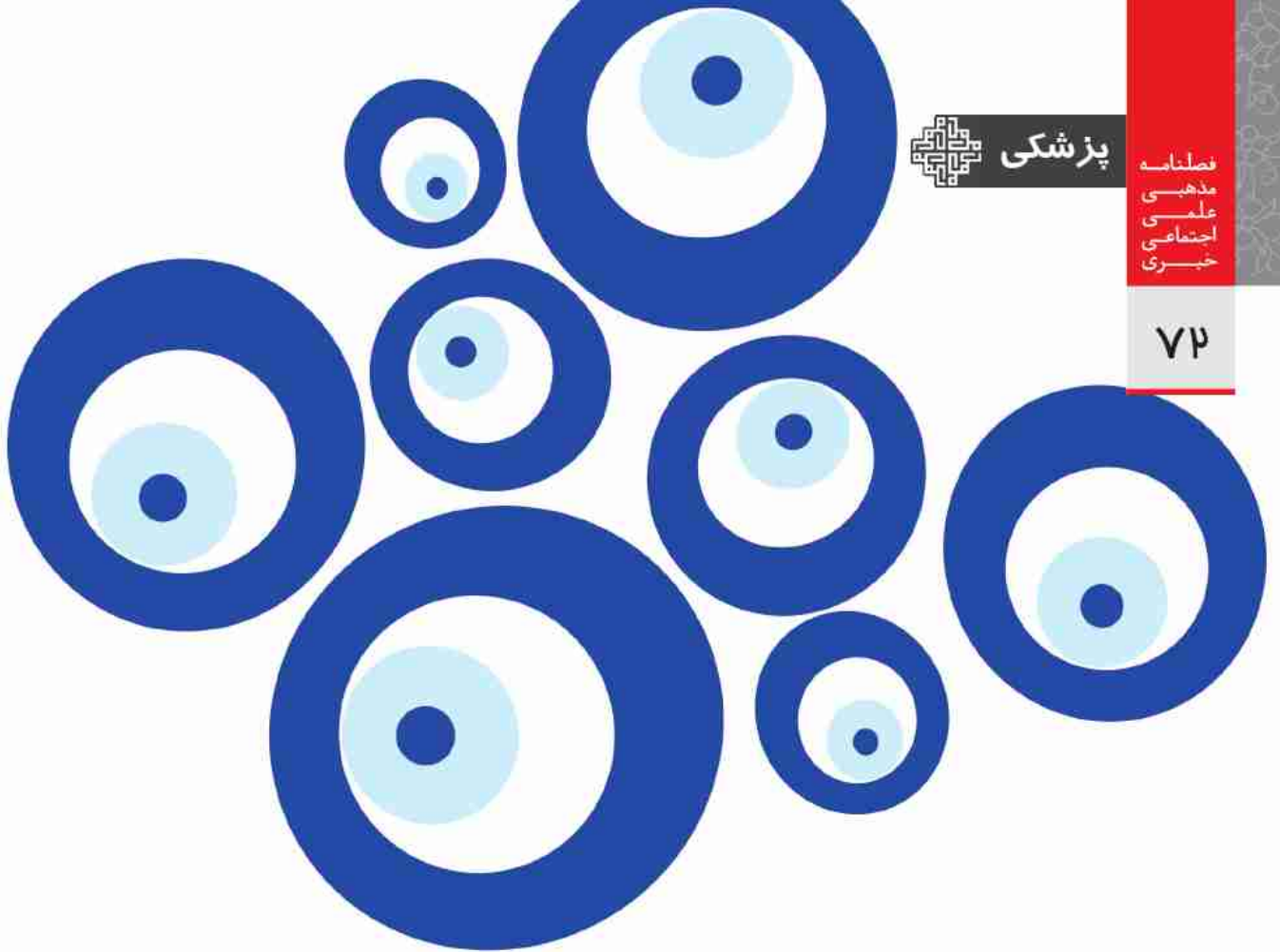
آینده‌نگری یا فوتوریسم یکی جنبه‌های هنری اوایل قرن بیستم بود. مرکز این جنبش در ایتالیا بود در کشورهای دیگر از جمله روسیه نیز فعالیت داشتند. فوتوریست‌ها در بسیاری از زمینه‌ها مانند ادبیات، نقاشی، مجسمه‌سازی، سفالگری، تئاتر، موسیقی، معماری و حتی آشپزی فعالیت داشته‌اند. فیلیپو توماسو مارینتی با انتشار بیانیه فوتوریسم در سال (هزار و نهصد و نه) در روزنامه فنگارو فعالیت و جنبش را رسماً آغاز کرد. در آن بیانیه مارینتی نوشته بود که فوتوریست‌ها از هنر گذشته بیزارند. دغدغه‌های اصلی این جنبش: یوایی، سرعت و تکنولوژی است. برای فوتوریست‌ها ماشین و هواپیما و شهرهای صنعتی نشانه‌های بسیار مهمی بودند. چرا که آن‌ها پیروزی انسان بر طبیعت را نشان می‌دادند. از هنرمندان این سبک: مارک، ماکه، لیونل مایستنگر، اومبرتو بوتچونی، کارلوکارا، ماریتی، جنوسورینی و مهم‌ترین آن‌ها حاکوموبالا بو.

ورتیسیسم

دوران گری یا ورتیسیسم یک جنبش هنری کوتاه‌مدت بود که در اوایل قرن بیست در بریتانیا به وجود آمد این تنها جنبش هنری. انگلیس بود که در این زمان و کمتر از همه ماند. واژه ورتیسیسم را رایاوند در سال (هزار و نهصد و سیزده) به این جنبش داد اما مهم‌ترین هنرمند این جنبش ویندهوم لویسی بود و او از یک سال قبل داشت در این سبک نقاشی می‌کرد این جنبش از کوبیسم درآمد اما به آینده‌نگری نزدیک‌تر است اصل فرق دوران گری و آینده‌گری شیوه نشان دادن حرکات است در دوران گری مدرنیسم را به‌عنوان یک سری خط کلفت نشان می‌دهند که چشم را به‌طرف وسعت تابلو می‌کشاند. تاکنون در تاریخ تنها یک نمایش کارهای دوران گری برگزار شده آن هم در سال (هزار و نهصد و پانزده) در نگارخانه دوره بود. بعداز آن در جنگ جهانی اول از بین رفت. در سال‌های بعد از جنگ (گرو) سعی کرد این جنبش را از اول زنده کند اما نتوانست.

رمانتیسیم

رمانتیسیم یا رمانتیزم عصری از تاریخ فرهنگ در قلب اروپا است که بیشتر در آثار هنرهای تجسمی ادبیات و موسیقی نمایان شد رمانتیسیم جنبه‌های احساسی و ملموس را دوباره به هنر غرب وارد کرد. هنرمندان رمانتیک آزاد از چارچوب‌های تصویرگری‌های سنتی به تحقق



هذیان عظمت یا پارانوئید

دکتر نسیم حکیمپها

پارانویا یک اصطلاح روان‌شناختی، روان‌پزشکی است که در اصل به‌نوعی آشفتگی فکری یا هذیان دلالت دارد که شامل بدبینی، حسادت، خودبزرگ‌بینی یا گزند و آسیب است.

شکل اسمی وصفی این اصطلاح به شکل پارانوئید (paranoid) یا پارانویایی (paranoidiac) به کار می‌رود. این اصطلاح در موارد مختلفی به‌کار برده می‌شود. از جمله در هذیان پارانویایی، اسکیزوفرنی‌ای نوع پارانوئید، شخصیت پارانوئید و یا مواردی دیگر.

آنچه در مجموع به لحاظ علمی برای عموم قابل‌توجه و توضیح است این است که افراد پارانوئیک اغلب نسبت به اطرافیان بدبین هستند. رایج‌ترین این نوع بدبینی‌ها در جامعه متوجه مردانی است که به همسران خود بدبین‌اند. این‌گونه افراد، به لحاظ نظام فکری تقریباً عادی‌اند و نیز در خصوص بدبینی که نسبت به کسی دارند، فکری منسجم دارند که می‌توانند در مورد آن استدلال کنند؛ برای مثال برای بدبینی خود، شواهد متعددی ارائه و از آن دفاع می‌کنند. شواهدی که آنان ارائه می‌کنند به‌سادگی قابل رد یا نفی نیست.

این بیماری یکی از گونه‌های روان‌گسختگی است. روان‌گسختگی پارانوئید یک بیماری جدی و مزمن است که فرد گرفتار تماس با واقعیت را از دست داده و شاید شخص را به‌سوی بسیاری از حالت‌های خطرناک، مانند کنش‌های خودکشی، هدایت می‌کند.

مشخصه بیماران مبتلا به اختلال شخصیت پارانوئید، شکاکیت و بی‌اعتمادی دیرپا به همه افراد است.

مسئولیت این احساسات از نظر آن‌ها نه به عهده خودشان، بلکه به دوش دیگران است. این بیماران اغلب متخاصم، تحریک‌پذیر و خشمگین‌اند. افراد متعصب و جرم‌اندیش، کسانی که مدارکی دال بر تخلف دیگران از قانون جمع می‌کنند، افرادی که به همسر خود سوءظن مرضی دارند و اشخاص بد عتی که اهل دعوا و مرافعه‌اند، اغلب دچار اختلال شخصیت پارانوئید هستند.

افراد مبتلا به این اختلال تقریباً همیشه منتظرند که دیگران به طریقی آن‌ها را استعمار کنند یا به آن‌ها ضرر برسانند.

آن‌ها در بسیاری از اوقات بی‌هیچ توجیهی در وفاداری یا صداقت دوستان و همکاران خود تردید می‌کنند. آنان اغلب حسادت مرضی دارند و در وفاداری همسر یا شریک حسی خود بی‌دلیل شک می‌کنند. بیماران مبتلا به این اختلال، حالت عاطفی محدودی دارند و به نظر می‌رسد فاقد هرگونه احساس و هیجانی باشند. آن‌ها از اینکه مستدل و عینی می‌اندیشند، به خود می‌بالند حال‌آنکه چنین نیست این‌ها آدم‌های گرمی نیستند و قدرت و منزلت افراد آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به آن دقیقاً توجه دارند و اگر کسی را ضعیف ببینند یا ببینند که اختلال یا نقصی در وضع و حالش وجود دارد، به وی با دیده تحقیر می‌نگرند.

افراد مبتلا به اختلال شخصیت پارانوئید ممکن است در موقعیت‌های اجتماعی، آدم‌هایی فعال و کارا به نظر برسند، حال‌آنکه اغلب دیگران را فقط می‌ترسانند یا افراد را به جان هم می‌اندازند. همانند سایر اختلالات شخصیت، باید نقش عوامل وراثتی، زیستی، نوافلین عصبی یا نوروترنسمیترها، عوامل روانی و محیطی را در نظر گرفت.

دژاوو

سحر افلاکی 

دژاوو حتماً برای شما حداقل یکبار اتفاق افتاده است اما شاید اولین بار است که اسم آن را می‌شنوید.

آشنا پنداری یا دژاوو (به فرانسوی: déjà vu به معنای بیشتر دیده‌شده) حالتی از ذهن است که در آن فرد پس از دیدن صحنه‌ای احساس می‌کند که آن صحنه را قبلاً دیده و در گذشته با آن مواجه شده است. مثلاً وقتی برای اولین بار به مکانی می‌روید ولی حسی درونتان می‌گوید که من قبلاً اینجا بوده‌ام، یا هنگام صحبت با فردی، گویی حرف‌هایش و آن شرایط برایتان تکراری است. حال سؤال اینجاست که علت این پدیده چیست؟ آیا واقعاً آن صحنه را قبلاً دیده‌ایم یا به باور بعضی افراد آن‌ها همان رؤیاهای صادقه‌ای هستند که در خواب دیده‌ایم و حال به واقعیت بدل شده‌اند؟

فرضیه‌های بسیاری توسط دانشمندان و روانشناسان مطرح شده است اما هنوز هیچ‌کس علت واقعی بروز این مسئله را نمی‌داند.

در نتیجه مطالعات صورت گرفته مشخص شد که بیماران مبتلا به صرع بیشتر از افرادی که از این اختلال عصبی رنج نمی‌برند دچار دژاوو می‌شوند.

به گفته آنی گلبری استاد روانشناسی یادگیری در دانشگاه کلورودا، چیزی در شرایط یا محیط تازه وجود دارد که حافظه مربوط به گذشته مشابه را فعال می‌کند اما مغزهای ما توان یادآوری آن را ندارند.

کلبری برای توضیح بیشتر مثالی در این رابطه می‌آورد: تصور کنید که برای نخستین بار از پاریس دیدن می‌کنید و تصمیم می‌گیرید که به موزه لوور بروید. چشمانتان به هرم شیشه‌ای غول‌پیکری می‌افتد که در حیات موزه قرار دارد و به ناگاه آن حس عجیب به سراغتان می‌آید.

در آن لحظه مغز شما از یادآوری خاطره‌ای که می‌تواند توضیح مناسبی برای

این موضوع باشد باز می‌ماند: چند ماه قبل احتمالاً به تماشای رمز داوینچی نشسته‌اید، فیلمی که نگاهی نزدیک دارد به هرم لوور.

در بسیاری از موارد افراد نمی‌توانند توضیحی برای علت بروز این پدیده ارائه دهند. در مواقعی که نامی اصطلاحاً سر زمانمان است اما نمی‌توانیم بیان کنیم هم همین اتفاق رخ می‌دهد. مطمئن هستیم که واژه‌ای را می‌دانیم اما نمی‌توانیم آن را به بخش جلویی مغز خود بیاوریم.

زمانی که یادآوری آن عبارت با شکست روبرو می‌شود حافظه انسان روش دیگری را برای اطلاع دادن از این حقیقت که چیزی مرتبط با آن وجود دارد اتخاذ می‌کند. در واقع چیزی در مغزتان وجود دارد که دوست داریم به دنبالش بگردیم.

برخی از دانشمندان می‌گویند که دژاوو ناشی از واکنش‌های عاطفی، به وقایع مشابه است. برخی دیگر خاطرنشان می‌کنند که مدارهای کوتاهی در مغز ایجاد می‌شود که رویدادی را در کسری از ثانیه زودتر از وارد شدن آن به خودآگاهی فرد؛ به حافظه او می‌فرستد و در نتیجه فرد احساس می‌کند که این واقعه قبلاً برای او رخ داده است.

البته برخی افراد دچار شکل مزمن دژاوو هستند و یک بررسی در کلیسیک حافظه در دانشگاه لیدز در انگلیس بر روی این افراد در حال انجام است.

ماهیت گذرای دژاوو بررسی آن را مشکل می‌کند. حقیقت این است که تحقیق و آزمایش در این باره بسیار دشوار است زیرا اغلب افراد هنگامی که دچار دژاوو می‌شوند در آزمایشگاه و در معرض دستگاه‌های پایش مغز نیستند و این‌طور به نظر می‌رسد که در طول سال‌های آتی علت واقعی این موضوع مجهول باقی بماند.

ورزش برای سالمندان

علیرضا رشیدی 

کدام ورزش‌ها توصیه نمی‌شوند؟

انجام ورزش‌های پربرخورد مانند فوتبال، دویدن سریع و یا ورزش‌های رزمی خشن در سالمندان توصیه نمی‌شود. ورزش‌های گروهی و ورزش‌هایی که بدون در نظر گرفتن شرایط جسمانی هر بیمار تجویز می‌شوند، ممکن است باعث تشدید بیماری‌ها و حتی ایجاد بیماری جدید شوند.

ورزش‌هایی که در آن بیمار کمر و پشت را خم می‌کند و یا ورزش‌هایی که در آن بیمار عضلات پشت ساق و ران‌ها را کشش می‌دهد، ممکن است برای مبتلایان به تنگی کانال نخاعی مفید باشد، اما برای مبتلایان به بوکی استخوان مناسب نیستند. برعکس تقویت عضلات بازکننده پشتی برای مبتلایان به بوکی استخوان مفید است، اما درد و ناراحتی مبتلایان به تنگی کانال نخاعی را تشدید می‌کند.

چهار نوع تمرین به افراد سالخورده کمک می‌کند تا از مزایای سلامتی بهره‌مند شوند.

۱. تمرین‌های استقامتی

تمرین‌های استقامتی تنفس و ضربان قلب شما را افزایش می‌دهد. این‌گونه تمرین‌ها، سلامتی قلب، ریه و دستگاه گردش خون را ارتقا می‌بخشد. انجام تمرین‌های استقامتی به‌طور مداوم، نه تنها به خطر سلامتی کمک می‌کند بلکه، توان و استقامت شما را برای انجام کارهای روزمره زندگی افزایش می‌دهد. بالا رفتن از پله‌ها و خرید از فروشگاه می‌تواند مثال مناسبی در این زمینه باشد. علاوه بر این، تمرین‌های استقامتی می‌تواند بروز بسیاری از بیماری‌ها نظیر دیابت، سرطان روده بزرگ و بیماری‌های قلبی عروقی را به تأخیر انداخته و یا از بروز آن‌ها جلوگیری کند. این‌گونه تمرین‌ها میزان

مقدمه: هر مقطع از زندگی انسان دارای خصایص ویژه به خود است لذا برای بهتر زیستن یا به عبارت دیگر سالم ریستن بایستی شرایط مناسب هر مقطع از زندگی را به‌خوبی رعایت کرد این شرایط شامل تغذیه صحیح و فعالیت متناسب و ورزش صحیح نیز می‌باشد که در این مقاله به‌طور مختصر به ورزش صحیح در دوران سالمندی می‌پردازیم

کدام ورزش‌ها مفیدند؟

ورزش ایروبیک و هوازی علاوه بر اینکه سیستم اسکلتی و عضلانی را تقویت می‌کند، برای سیستم قلبی، عروقی، عصبی و حالات روحی و روانی فرد نیز مؤثر است. ورزش غیر هوازی برای تقویت گروه خاصی از عضلات برای تقویت مفاصل انجام می‌شود، ولی عمده‌ترین ورزشی که برای سالمندان توصیه می‌شود ورزش‌های هوازی است.

پیاده‌روی، شنا کردن و دوچرخه‌سواری به‌عنوان ورزش‌های سودمند به سالمندان پیشنهاد می‌شوند. سالمندان اگر بتوانند به مدت ۳۰ دقیقه ورزش‌های هوازی مثل پیاده‌روی را در بیشتر روزهای هفته یا هرروز هفته انجام بدهند بسیار سودمند خواهد بود.

پیاده‌روی یکی از مناسب‌ترین ورزش‌ها برای سالمندان است

انجام ورزش‌های تحمل‌کننده وزن چون پیاده‌روی سبب افزایش تراکم استخوان می‌شود و ورزش‌های تقویت‌کننده عضلات بازکننده ستون فقرات پشت باعث بهبود خمیدگی قامت می‌شوند و ترکیب این دو به همراه ورزش‌های تعادلی و بهبود فضای داخل منزل و محیط کار از جمله مواردی است که می‌تواند به پیشگیری از زمین خوردن و شکستگی‌های ناشی از بوکی استخوان کمک کند.



می‌تواند از دوره‌های بازگشت به حالت اولیه بیماران پس از جراحی و آسنبها جلوگیری کند. تمرین‌های انعطاف‌پذیری از افتادگی و خمیدگی بدن شما جلوگیری می‌کند.

ورزش کردن تا چه اندازه کافی است؟

فعالیت‌های بدنی هرروزه می‌تواند با یک هدف یکسان به‌عنوان ورزش انجام شود. حال این سؤال مطرح است که چه اندازه باید ورزش کرد تا از مزایای سلامتی برخوردار شد؟

ما هرگز نمی‌توانیم به این سؤال پاسخ دهیم اما می‌توانیم مثال‌هایی را از آنچه محققان در این زمینه دریافته‌اند، برایتان عنوان کنیم. به‌عنوان مثال، رانندگان تاکسی و اتوبوس که هیچ‌گونه فعالیت بدنی ندارند بیشترین میزان بیماری قلبی را نسبت به افرادی که در مشاغل دیگر مشغول هستند، به خود اختصاص می‌دهند. همچنین تحقیقات نشان می‌دهد، افرادی که دارای فعالیت بدنی مناسب هستند، نسبت به افرادی که تحرک و فعالیت بدنی ندارند، کمترین میزان مرگ‌ومیر را به خود اختصاص داده‌اند. در دیگر تحقیقات، قدرت عضلانی را در سن ۷۵ سالگی افرادی که به‌طور مرتب مسئولیتی نظیر خانه‌داری و باغبانی بر عهده داشتند در مقایسه با افرادی بی‌تحرک هم‌سن، بررسی کردند. ۵ سال بعد محققان دریافتند افرادی که دارای تحرک بدنی هستند، نسبت به افرادی که هیچ‌گونه تحرک بدنی ندارند، دارای قدرت بیشتری هستند. باین‌حال ما همچنان نمی‌توانیم به‌طور دقیق به شما بگوییم که روزانه چه مقدار ورزش و فعالیت بدنی برای سلامتی موردنیاز است. پیام اصلی این تحقیقات چیزی نیست جز اینکه: **تا زمانی که زنده هستید، ورزش کنید.**

مرگ‌ومیر یا بستری شدن در بیمارستان‌ها را کاهش می‌دهد.

۲. تمرین‌های قدرتی

تمرین‌های قدرتی سبب رشد بیشتر عضلات شما شده و قدرتان را بیشتر می‌کند. این امر سبب می‌شود قدرت بیشتری برای انجام کار داشته باشید. افزایش کوچکی در اندازه عضله، تفاوت محسوسی را در قدرت و توانایی افراد مخصوصاً افراد مسن ایجاد می‌کند. این‌گونه تمرین‌ها، همچنین فرآیند متابولیسم شما را افزایش داده و به ثابت نگه‌داشتن وزن و قند خون شما کمک می‌کند؛ این نکته بسیار حائز اهمیت است، زیرا جافی و دیابت از مشکلات جدی برای افراد سالم‌خورده است. همچنین تحقیقات نشان می‌دهد تمرین‌های قدرتی می‌توانند در جلوگیری از بروز بیماری پوکی استخوان مؤثر واقع شود.

۳. تمرین‌های تعادلی

تمرین‌های تعادلی از بروز مشکلات رایج در افراد سالم‌خورده جلوگیری می‌کند. زمین خوردن از مهم‌ترین و شایع‌ترین مواردی است که منجر به شکستگی استخوان لگن در افراد سالم‌خورده می‌شود. همچنین این‌گونه تمرین‌ها از دیگر صدماتی که منجر به ناتوانی و از دست دادن استقلال حرکتی در افراد سالم‌خورده می‌شود، جلوگیری می‌کند. بعضی از تمرین‌های تعادلی ساده مانند ایستادن روی یک‌پا برای چند ثانیه می‌تواند به پرورش عضلات پای شما کمک کند.

۴. تمرین‌های انعطاف‌پذیری

تمرین‌های کششی یا انعطاف‌پذیری از طریق کشش عضلات به انعطاف‌پذیری بدن شما کمک می‌کند و از این طریق، اسکلت بدن شما را محکم می‌سازد. متخصصین فیزیوتراپی و بهداشت معتقدند، تمرین‌های انعطاف‌پذیری

ورزش و تأثیر آن از نگاه ادله اربعه

نعمت‌الله رادی

چکیده

در همه جای دین حکم جایز بودن ورزش و ضرورت آن در زندگی به‌خوبی استناد می‌شود. در قرآن کریم و روایات معصومین از نیرومندی برخی بندگان و امر ورزش سخن گفته‌اند و برای داشتن یک برنامه ورزشی همیشگی تأکید شده است. بنا بر تاریخ و شواهد آن برخی مسابقات ورزشی در زمان پیامبر اکرم و ائمه رواج داشت و مردم را به این امر مهم تشویق می‌کردند. در عصر حاضر که ماشین و صنعت جای فعالیت‌های طبیعی بشر را گرفته است، ورزش و فرهنگ‌سازی آن در جامعه ضروری است و نیاز به فواید و آثار سازنده خودی و اجتماعی آن بیشتر احساس می‌شود.

کلیدواژه:

ورزش، دین، سلامتی

مقدمه

حفظ سلامت و رشد قوای جسمانی و روحی از مور لازم و ضروری هر انسان عاقل و خردمند است. نقش ورزش در سلامتی روح و بدن بر همه روشن و پذیرفته است به‌گونه‌ای که روحیه سالم را با فعالیت‌های جسمانی و برنامه ورزشی می‌توان جستجو کرد. بدیده ورزش همچون سایر دیدها به‌عنوان یک وسیله‌ای که دارای دو سوی مثبت و منفی به‌شمار می‌رود و این مقاله

در موضوع ورزش مثبت و منفی برای فرد و اجتماع است و بعد از تعریف ورزش نظر اسلام نسبت این پدیده را بر اساس برداشت از آیات و روایات موردبررسی قرار می‌دهیم.

تعریف ورزش: ورزش عبارت است از حرکت و فعالیت‌های مکرر و منظم که باهدف کسب مهارت و تقویت نیروی بدنی یا حفظ آن انجام می‌گیرد. ورزش از دیدگاه اسلام: تحرک و فعالیت از لوازم رشد و زندگی بشر به‌شمار می‌آید زیرا وقتی انسان پا به این جهان می‌گذارد با هدایت تکوینی که خداوند در نهاد او قرار داده است حرکت و دست‌یا‌زدن را آغاز می‌نماید و تا جایی که عمر هر چه فعالیت و تحرک منظم داشته باشد از رشد و سلامت بهتر نیز برخوردار و هر چه فعالیت او کمتر گردد به همان اندازه رشد و سلامتی آن در معرض آسیب قرار خواهد گرفت.

ورزش در قرآن: قرس کریم به‌عنوان منشور الهی برای سعادت انسان‌ها نازل شده است و باید از دستورات حیات‌بخش آن بی‌روی کرد در قرآن کریم از مردم نیرومند و قوی یاد شده است و این را یک امتیاز و قابل‌ستایش مطرح نموده است که به برخی اشاره خواهیم داشت:

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ عَلَيْنَا مِثْلَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَرَادَهُ سَطَطَهُ فِي الْعِلْمِ وَالْحِسْمِ

می‌تردید خداوند ظالمت را بر شما بر گزیده و لورا در دلش و نیروی بدنی قزونی بخشیده توضیح اینکه: خداوند متعال در قرآن کریم نیروی بدنی قوی را یک امتیاز مهم برشمرده است.



در سوره قصص نیز قوای جسمی کامل را یک مسئله مهم دانسته:

و لَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ ءَاتَيْنَهُ حِكْمًا وَ عِلْمًا

و چون موسی به کمال قوای جسمانی و نیروی عقلی رسید مابه او حکمت و علم دادیم.

ورزش در روایات

در روایتی از امام صادق (ع) آمده: هنگامی که پیامبر (ص) از تبوک برگشت میان یاران خود مسابقه سواری برقرار ساخت و با شور و هیجان بین آنان برگزار می کرد. حدیثی از پیامبر رحمت و مهربانی رسول اکرم (ص): طوبی لمن أسلم و كان عیسه كنفاً و قواه شداداً

خوشبخت کسی است که آیین اسلام را پذیرفته و به قدر معاش خود درآمد دارد و قوای بدنش نیرومند است. حضرت قوای بدنی را در کنار دو مسئله مهم آورده است. امام علی در مورد تندرستی که با ورزشی مسور است چنین می فرماید:

لا تفسد صحتک و قوتک و فرانک و شبابک نشارطک

تندرستی و توانای و آسایش خاطر و جوانی و نشاط خویش را فراموش نکنید امیرالمؤمنین در جای دیگر می فرماید: الشحه افضل النعم

سلامت بدن بهترین نعمت خداوند است

برخی روایات نیز نوع ورزش را مشخص کرده اند:

۱- دومیدانی و پیاده روی

۲- کشتی

۳- پرتاب نیزه

۴- شنا

۵- اسب سواری و تیراندازی

توصیه علما و مراجع پیرامون ورزش:

۱. امام خمینی: مرحوم امام که به نظم شهرت داشت پیاده روی را حداقل در ورزش داشت. در دیدار با گروهی از ورزشکاران فرمود: من ورزشکار نیستم ولی ورزشکاران را دوست دارم که منظور حضرت امام از ورزشکار نبودن ورزشکار حرفه ای و قهرمانی بود و در جای دیگر می فرماید: عقل سالم در بدن سالم است.

۲. مقام معظم رهبری: من ورزش را خصوص برای جوانان لازم می دانم و

برای غیر جوانان (میان سالان و پیرمردان و پیرزنان) هم واجب میدانم.

۳. آیت الله مکارم شیرازی: نوزادی که در اوایل تولد یا بعد از آن بسیار گریه می کند در واقع ورزشی است لازم که خداوند متعال برای او تدارک دیده است تا اعصاب او راحت و بدن او استحکام داشته باشد و یکی از عوامل حیات

کودک همین گریه است زیرا هنگام گریه تمام دستگاه های بدن کودک به شدت فعالیت می کند، رنگ صورت بر اثر جریان سریع خون قلب به طور کامل سرخ می شود، دستگاه تنفس به سرعت کار می کند، فشار سختی روی اعصاب روده و حجره، پلک های چشم و فک وارد می شود؛ و دست و پا نیز به

حرکت درمی آید لذا این گریه برای نوزاد یک ورزش کامل است.

پس به طریق اولی برای تک به تک کسانی که بدن و روحشان نیاز به ورزش دارند لازم و ضروری است.

آثار و فواید ورزش

۱- سلامت جسم

۲- نشاط و شادانی

۳- بهتر انجام دادن تکالیف الهی

۴- سلامتی عقل و اندیشه.

آثار اجتماعی و سیاسی ورزش

۱- کاهش فشار و ناهنجاری ها ۲- صفا و شادانی در جامعه ۳- آمادگی در مقابل دشمن ۴- تأثیرات فرهنگی از جمله مسابقات جام جهانی، المپیک و بازی های آسیای که می توان دین شریعت و اخلاق نیکو که سفارش الله و خصوص قرآن است را نهادینه کنیم.

نتیجه

ورزش و فعالیت بدنی از لوازم زندگی انسان است به گونه ای که از همان بدو تولد دستگاه خلقت فعالیت و تحرک را برای رشد و توانای او در موجودش بنا نهاده است. بر اساس متون قرآن، روایت و علما و صاحب نظران ورزشی یک امر لازم است که با بدن سالم حتی واجبات الهی را بهتر انجام می دهیم. عقل هم ورزش را که آثاری مفید و سازنده فردی، اجتماعی و فرهنگی دارد ضروری می داند.



آشنایی با برخی میوه‌های تابستانی از دیدگاه طب سنتی

در بدن می‌شود.

مصلح خربزه:

حکما سرکه و آب انار ترش را به‌عنوان مصلح خربزه ذکر کرده‌اند اما اگر با مصرف مصححات نیز عوارض پابرجا باشد حتماً باید از مصرف آن پرهیز شود.

هندوانه

هندوانه دارای مزاج سرد و تر است.

رنگ هندوانه در منافع آن تأثیر چندانی ندارد مهم این است که هندوانه کاملاً رسیده، شیرین باشد.

موارد استفاده از هندوانه:

مولد خون رقیق است و برای کسانی که خون غلیظ دارند مناسب است. برای تعدیل مزاج کسانی که در معده و کبدشان صفرا تولید می‌شود مخصوصاً اگر صفرا تولیدشده دارای کیفیت بد می‌باشد مناسب است.

برای تعدیل مزاج افرادی که دارای بدن لاغر خشک و گرم هستند به‌مراتب بهتر از ترشی‌ها است. زیرا در استفاده از ترشی‌ها احتمال بروز ضعف عصب و خود دارد. بهترین زمان خوردن هندوانه بین دو وعده غذایی یعنی بعد از عبور غذای اول از معده می‌باشد زیرا بلافاصله بعد از خوردن غذا باعث فساد هضم و همچنین در حالت ناشتا مخصوصاً در هوای گرم و وجود تشنگی مضر است.

مضرات هندوانه:

خوردن هندوانه برای افراد سردمزاج یا کسانی که معده سرد دارند مضر است و در طولانی‌مدت باعث ضعف هاضمه و ضعف نیروی جنسی و درد مفاصل می‌شود. این افراد باید از مصلحاتی مانند گل‌قند، عسل، قند استفاده کنند.

مضرات و موارد منع مصرف هندوانه:

افرادی که هرگونه مشکلی در طحال دارند باید از مصرف هندوانه پرهیز کنند.

خربزه

خربزه شیرین دارای طبیعت گرم و تر است اما اگر کاملاً بی‌مزه باشد سرد و تر خواهد بود.

فواید آن:

خربزه با داشتن رطوبت بسیار رطوبت بخش مغز و بدن است.

مصرف زیاد آن در افراد مستعد باعث بروز چاقی می‌شود.

خربزه شیر افزا و باعث افزایش عرق و ادرار است.

به خاطر خواصی که دارد می‌تواند برخی از سنگ‌های دستگاه ادراری را دفع کند در این رابطه برخی حکما حتی مصرف ۲ درهم پوست خشک خربزه را برای دفع سنگ‌های کلیه توصیه می‌کنند.

یکی دیگر از فواید پوست خربزه کمک آن به پخت سریع گوشت است.

بهترین زمان خوردن خربزه بین دو وعده غذا و در حالتی است که غذای قبلی از معده عبور کرده باشد.

مضراتی که حکما برای خربزه در کتب آورده‌اند:

اگر در معده فردی که می‌خواهد خربزه بخورد، خلطی وجود داشته باشد، خربزه به خاطر لطافتش سریع به آن خلط تبدیل می‌شود.

خربزه سریع التعفن است یعنی در معده‌ای که قادر به هضمش نباشد حرارت غیرطبیعی در آن اثر کرده، باعث عفونت مواد می‌شود.

خربزه در برخی افراد باعث بروز سردرد می‌شود و این افراد باید از مصرف آن پرهیز کرده یا حتماً آن را با مصلحش استفاده کنند.

خوردن خربزه در حالت ناشتا خطر بروز تب‌های صفراوی را بالا می‌برد.

همچنین خوردن خربزه بلافاصله بعد از غذا باعث فساد هضم می‌شود.

خوردن خربزه با غذاهای غیر لطیف و غلیظ مانند سیر باعث بروز انسدادها

دارای خواص ضد میکروبی بوده است. در درمان و کاهش علائم لکه‌های پوستی، سردرد و دردهای مصلی مورد استفاده طب‌های سنتی جهان است و همچنین روغن دانه زردآلو در التهاب و ووزر گوش و مشکلات پوستی کارایی داشته است. همچنین مصرف خوراکی میوه زردآلو در کاهش علائم بیماران مبتلابه یوست مؤثر است

ترکیبات شیمیایی:

هر ۱۰۰ گرم قسمت گوشت دار میوه حاوی ۸۱ تا ۸۵ گرم، کربوهیدرات ۸ تا ۱۲ گرم، پروتئین ۰٫۴۳ تا ۰٫۱ چربی ۰٫۱ تا ۰٫۱۲، کلسیم ۱۸ میلی‌گرم، فسفر ۲۲، آهن ۰٫۰۷، بتاسیم ۳۲۰، سدیم ۱، گوگرد ۰٫۱، منیزیم ۰٫۳، کلسیم ۱۲، کلر ۱، مس ۰٫۱۲، میلی‌گرم، ویتامین A ۲۷۰۰ تا ۳۰۰۰ واحد، ویتامین B1 ۱۰ میکروگرم، ویتامین B2 ۰٫۰۵ میکروگرم، اسید فولیک ۳ میکروگرم، اسید پانتوتیک ۰٫۳ میلی‌گرم، ویتامین C ۱۵ میلی‌گرم، مغز دانه حاوی ۴۱ درصد روغن، ویتامین‌های A، B1، B2، C، آسپارازین، الورون، قندهای مختلف، اسید یانگامیک یا ویتامین B15، و دانه‌های تلخ ۶٪، آمیگدالین دارد. برگ زردآلو نیز دارای آمیگدالین است.

خطرات و هشدارها:

مصرف دانه‌های تلخ طعم زردآلو به دلیل داشتن آمیگدالین می‌تواند سبب بروز مسمومیت در افراد شود. در معده به سرعت متعفن و فاسد می‌شود و نفاخ و موجب آروغ ترش و تب‌های عفونی است. مضر سردمزاجان و صاحبان ریاخ و تمدد و ضعف معده و مشایخ. مصلح آن: شکر و مضطکی و انیسون و نانخواه و جوارش زبره و کندر.

علائم مشکل طحال بعد از خوردن هندوانه

عبارت‌اند از:

احساس درد یا نفخ در محل جب شکم ایجاد تیرگی در رنگ بدن یا سفیدی چشمان کسانی که در معده‌شان خلط صفرا غالب است حتماً باید هندوانه را با سکنجبین میل کنند. مصرف هندوانه به‌ویژه به‌تساهی در افرادی که هرگونه آلرژی یا حساسیت فصلی یا غذایی دارند ممنوع است.

زردآلو

طبیعت زردآلو سرد و تر است و برخی از اطبای معتقدند شیرین آن گرم و تر می‌باشد. شیرین آن ملین طبع و در افراد گرم‌مزاج مفید است، تا زمانی که در معده فاسد نشده باشد. آشامیدن آب پخته و یا خسانده خشک آن، خصوصاً معخوش (ترش و شیرین)، مهمل صفرا و ملین طبع و مسکن تشنگی و جوشش خون و صفرا و التهاب معده است. زکریای رازی در رابطه با زردآلو می‌گوید: معده را به‌شدت سرد می‌کند و باعث آروغ ترش و تولید صفرا و خون بد می‌شود به‌خصوص کسانی که مبتلابه نفخ و آروغ ترش هستند باید از خوردن آن اجتناب نمایند و آن را با زیره سبز یا رازیانه باید خورد اما برای کسانی که معده گرم و عطش زیاد دارند خوب است.


کاربردها در طب نوین:

دارای ترکیبات آنتی‌اکسیدانی بوده و کاهشده روند اکسیداسیون در چربی‌های بدن می‌شود. همچنین در تحقیقات عصاره این میوه





مرغ و قارچ خامه ای

مترجم: سمانه طبسی 

زمان آماده سازی: ۱۰ دقیقه

زمان کل: ۳۰ دقیقه

مواد لازم برای ۴ سرو

بودر سیر: نصف ق چ

آویشن خشک: نصف ق چ

فلفل سیاه: نصف ق چ

سینه مرغ ۱ سانتی نواری خرد شده: ۶۰۰ گرم

روغن زیتون: ۱ ق غ

قارچ بلا اسلایس شده: ۲۴۰ گرم

پیاز خرد شده: ۱ عدد بزرگ

سرکه: ۱ ق غ

آب: نصف فنجان

سو مرغ خامه ای غلیظ: ۳۰۰ گرم

خردل دیزون: ۱ ق غ

طرز تهیه:

بودر سیر، آویشن و فلفل سیاه را با هم مخلوط کرده و تکه های مرغ را به این مخلوط و کمی نمک آغشته کنید.
روغن را در تابه ای ۳۰ سانتی رازوی حرارت متوسط به بالا گذاشته و مرغها را اضافه کرده ۱۰ دقیقه سرخ کنید تا کاملاً قهوه ای شوند سپس مرغ ها را از تابه بکشید.
قارچ و پیاز را به تابه اضافه کرده و ۴ دقیقه تفت دهید تا کمی نرم شوند.
آب و سرکه را به تابه اضافه کرده هم بزنید. سوپ و خردل را م اضافه کنید و صبر کنید به جوش آید. شعله را کم کرده مرغ ها را به تابه برگردانید و ۵ دقیقه بجوشانید و سرو کنید.



سوپ عدس قرمز

تحریریه نشریه

مواد لازم:

روغن زیتون : ۴/۱ پیمانه
پیاز ریز خرد شده : ۱ پیمانه
عدس قرمز : ۱ پیمانه، به طور کامل شسته شده
سبزیجات معطر : ۲ پیمانه
نمک برای مزه دار کردن
زیره سبز : ۱ قاشق غذا خوری
زرد چوبه : ۱ قاشق چای خوری
نصف لیموی فشرده شده
جعفری برای چاشنی

طرز تهیه:

۱. در یک قابلمه روی حرارت متوسط پیاز خرد شده را با روغن زیتون به آرامی تفت دهید تا قهوه ای شود.
۲. عدس را اضافه کرده و با پیاز برای یک یا دو دقیقه هم بزنید. (عدس ها را قبل از پختن، بو بدهید تا به آنها عطر و طعم بیشتری دهد)
۳. سبزیجات و ۶ فجان آب اضافه کنید (و بامی نولید ۶ فجان آب مرغ اضافه کنید)
۴. در قابلمه را گذاشته و آن را روی حرارت کم و متوسط به مدت یک ساعت قرار دهید تا زمانی که عدس ترد شود.
۵. اکنون پس از پختن آنها، زیره سبز، زرد چوبه، نمک برای مزه دار کردن، و آب نصف یک لیمو را اضافه کنید.
۶. این ترکیب را با استفاده از یک مخلوط کن برقی مخلوط کنید تا یک سوپ متنسجم و خامه ای بدست آید.
۷. با جعفری به آن چاشنی بزنید و آن را گرم میل کنید.



نسل جدید تایرهای بدون باد

معرفی تایرهای بدون باد از بریجستون

تایرهای بدون باد در خدمت ارتش

طبق معمول که استفاده نظامی یک فناوری پیش‌تر از بهره‌برداری تجاری آن آغاز می‌شود، شرکت بولاریس تولید تایرهای بدون باد برای ارتش آمریکا آغاز کرده است. تحویل چهارچرخ تاکتیکی ATV MV850 به نیروهای ویژه یا تایرهای Terrain Armor آغاز شده است. نوآوری بکار رفته چیزی بیشتر از یک تایر ضدضربه پلیمری است. ساختار این تایر به گونه‌ای است که به راحتی ضربات مسیرهای ناهموار را در خود جذب می‌کند.

بولاریس می‌گوید که شلیک با گلوله‌های کالیبر ۵۰ روی این تایر تأثیر خاصی ندارد و می‌تواند پس از آن تا ۱۶۰۰ کیلومتر را بینماید. در آزمون یک نمونه آزمایشی که تایرهای آن با سنجه سوراخ شده بود به راحتی ۸۰۰۰ کیلومتر دیگر را طی کرد.

همانند بسیاری از تکنولوژی‌های امروزی که در ابتدا کاربردی نظامی داشتند، می‌توان انتظار نسخه‌های غیرنظامی آن را در آینده‌ای نه‌چندان دور داشت. بولاریس اعلام کرده که تا شش ماه آینده نمونه غیرنظامی این وسیله نقلیه را نیز وارد بازار می‌کند.

آغاز تولید تایرهای بدون باد

سرانجام تایرهای بدون باد راه خود را به خط تولید و بازار پیدا کردند. بریجستون اولین سری از تایرهای بدون باد ساخت خود را که نسل دوم از این فناوری می‌باشند، به نمایشگاه توکیو آورد.

هزینه نگهداری پایین و دوام بالا از مزایای تایرهای بدون باد بریجستون است. با این وجود هنوز این تایرها برای خودروهای با سرعت بالا مناسب نیستند. تایرهای بدون باد بریجستون برای خودروهای گلف تا سرعت ۶۴ کیلومتر بر ساعت مناسب می‌باشند.

نحوه ساخت تایرهای بدون باد

از سوی دیگر شرکت بولاریس هم عرضه عمومی تایرهای بدون باد خود را از ماه آینده آغاز می‌کند.

این شرکت توانسته به‌موردی برای سواری راحت‌تر و کم سرو صداتر در فناوری خود ایجاد کند. قیمت یکی از چهارچرخه‌های غیرنظامی WV850 H.O. ATV با تایرهای بدون باد حدود ۱۵ هزار دلار است.

بیش از یک و نیم‌قرن از اختراع تایرهای بادی توسط رابرت تامسون اسکاتلندی می‌گذرد. او از همان ابتدا علاوه بر هوا، پیشنهادهایی مثل اسفنج یا موی دم‌اسب برای پر کردن داخل تایرها داشت؛ اما هوا سبک‌ترین و آسان‌ترین راهکاری بود که توسط مصرف‌کنندگان پذیرفته شد و البته مزایایی مثل جذب عالی ضربات و تکانه‌ها، وزن پایین و هزینه اندک را نیز باید برای موفقیت هوا نام برد.

با این وجود سال‌هاست که وسوسه حذف تایرهای بادی با تکنولوژی‌های جدیدتر در ذهن سازندگان تایر رخنه کرده است. این تایرها ابتدا در سال ۱۹۷۰ توسط ناسا برای خودروی ماه نورد مورد استفاده قرار گرفتند. در سال ۲۰۰۵ یک ترکیب هوشمندانه از تایر و چرخ نام Tweel توسط میشلین معرفی شد. این طرح شامل یک لایه نازک تایر آج‌دار بود که توسط تسمه‌های کامپوزیتی تقویت شده و بره‌های V شکل انعطاف‌پذیر پلی اورتان به چرخ‌ها متصل می‌شد. Tweel نسبت به یک تایر رادینال معمولی دو تا سه برابر عمر عجاج بیشتری داشت و پنج برابر نیز مقاومت جانبی بالاتری را نشان می‌داد. میشلین Tweel را روی یک آئودی A4 و دو دستگاه سنگوی نصب کرد و اعلام نمود که تولید آن را برای وسایل نقلیه نظامی و ماشین‌آلات در برنامه دارد. مجله تام نیز Tweel را به‌عنوان شگفت‌انگیزترین اختراعات سال ۲۰۰۵ برگزید.


آزمون مقاومت تایرهای میشلین Tweel

آن‌هایی که سوار آئودی A4 با تایرهای Tweel شدند، از لرزش و سروصدای زیاد تایرها شکایت داشتند. تا اینکه اواخر سال گذشته بریجستون با ارائه طرح خود از تایرهای بدون باد با جای پای میشلین گذاشت. طرح بریجستون هم مانند Tweel می‌باشد و شامل یک لایه نازک آج‌دار لاستیک و بره‌های انعطاف‌پذیر و مرکز زینگ آلومینیومی است. مواد مورد استفاده در این طرح کاملاً قابل بازیافت می‌باشند و نتیجه سه سال تحقیق مستمر در بریجستون است که در نمایشگاه توکیو به نمایش گذاشته شد.

بریجستون ادعا می‌کند که در این طرح خبری از لرزش و صداهای اضافه نیست. با این وجود چشم‌انداز استفاده عمومی از این تایرها چندان روشن نیست.



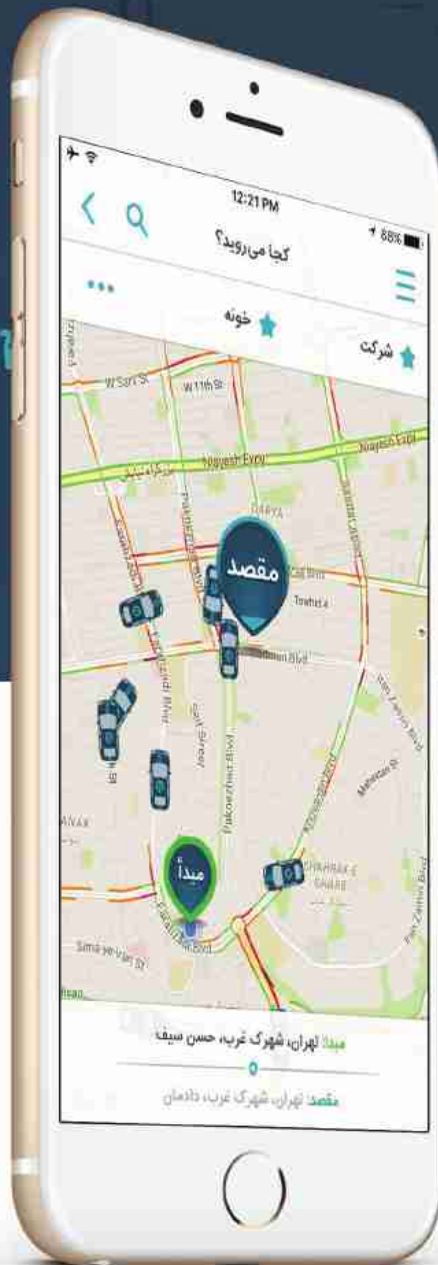
پسر آسمان؛ عجیب‌ترین کوهستان دنیا

تحریریه نشریه 

مناظر این کوهستان در هر چهار فصل سال دیدنی است و مخصوصاً در بعد از بارندگی چشم‌نوازی خاصی را به ارمغان می‌آورد. گردشگران در این کوهستان می‌توانند با آیین‌ها و غذاهای محلی این قسمت از چین آشنا شوند و از هوای پاک عجیب‌ترین کوهستان دنیا بهره بگیرند. این کوه برای گردشگران آیینی محلی برای آشنایی با خاستگاه‌های طبیعی آیینهای جینی مثل تائو ایسم است که در جستجوی تعادل و آرامش هماهنگی با طبیعت را توصیه می‌کند. وجود تله کابین در این کوهستان به گردشگران این شانس را می‌دهد تا به ارتفاع ۱۳۰۰ متری این کوهستان صعود کنند و جاذبه‌های دره‌های اطراف را از بالا ببینند.

کوهستان تیانزی یکی از مناظر رؤیایی است که نظیرش را هیچ جای دیگر کره زمین نمی‌توانید پیدا کنید. این کوهستان واقع در بخش شمال غربی منطقه خوش منظره ولینگ یانگ، در استان هونان چین، مشرف به دره سوکی واقع شده است. این نام "tianzi" این یعنی "پسر آسمان" و لقب سنتی امپراتور چین است. این کوهستان دارای اشکال عجیب و منحصر به فردی است. تیغه‌های بلند سنگی که در دل مه کوهستانی مناظری دل‌گریب و عجیب را به وجود می‌آورند که یادآور افسانه‌های خدایان در آیین‌های جینی است. آبشارها و غارهای زیبا و عجیب بر جذابیت‌های کوهستان تیانزی می‌افزاید و این منطقه را به یکی از ۱۰ منطقه برتر گردشگری کشور چین بدل کرده است.





اسنپ نرم افزاری به صرفه و کاربردی

نمایش داده شده در نرم افزار را به راننده و یا به صورت آنلاین و با افزایش اعتبار حساب کاربری خود پرداخت کنید. تیم پشتیبانی اسنپ هم به صورت ۲۴ ساعته عملکرد رانندگان را تحت نظر داشته و پاسخگوی سوالات و نظرات شما هستند.

نرم افزار اسنپ در حال حاضر برای ۲ سیستم عامل اندروید و iOS منتشر شده.

امکانات نرم افزار

- دسترسی ساده و سریع
 - به صرفه و اقتصادی
 - کنترل رانندگان و خودروی آنها برای بهبود کیفیت.
 - پرداخت آنلاین
 - برآورد هزینه سفر
 - نمایش زنده خودروها
- برای اطلاعات بیشتر می‌توانید به سایت snapp.ir مراجعه نمایید.

دنبال یک راه ساده و سریع برای سفرهای شهری هستید؟ اسنپ پل ارتباطی میان شما و رانندگان شهر تهران است. با ایلکیشن اسنپ می‌توانید تمامی خودروهای اسنپ اطرافتان را به صورت زنده در نقشه ببینید و با مشخص کردن مبدأ و مقصد، نزدیک‌ترین خودرو شما را به مقصد خواهد رساند. به همین سادگی!

چگونگی کار با این نرم افزار

در خانه، خیابان یا هر جا که باشید تنها با یک کلیک نزدیک‌ترین اسنپ در خدمت شما خواهد بود.

با اسنپ سفرهای درون شهری شما رنگ و بوی تازه‌ای می‌گیرند. بدون در نظر گرفتن اینکه در خانه یا خیابان قرار دارید، فقط با نصب بودن نرم افزار اسنپ در موبایل و درخواست خودرو، در هر ساعت از شبانه روز به مقصد خواهید رسید. کافیست نرم افزار را باز کنید، مبدأ و مقصد را مشخص کرده و پس از مشاهده هزینه سفر، گزینه درخواست اسنپ را لمس کنید.

برای پرداخت هزینه سفر نیز جای نگرانی وجود ندارد شما می‌توانید مبلغ

مسجد جامع شهرک غرب

کلاس آموزش قرآن کریم



روزهای سه شنبه
از ساعت ۱۹ تا نماز مغرب و عشاء
استاد: حجت الاسلام والمسلمین وحید زینی



ویژه دبستان تا دبیرستان

تلفن تماس: ۸۸ ۵۷ ۴۲ ۴۶

شهرک غرب، خیابان شهید فرحزادی، نبش خیابان شهید
حسن سیف، مسجد جامع شهرک غرب

معرفی فعالیت های واحد خواهران

برنامه کلاسهای ویژه خواهران مسجد جامع شهرک
غرب در طول سال به شرح ذیل می باشد:

- ۱- کلاس های روخوانی، روانخوانی و تجوید قرآن
توسط خانم میثمی
- ۲- کلاس مفاهیم قرآن توسط خانم حاجی حسینی
- ۳- کلاس احکام توسط خانم یعقوبی
- ۴- کلاس چهل حدیث توسط خانم اشراقی
- ۵- کلاس های بهداشت بانوان توسط خانم کیانیان و سراج
- ۶- برنامه های ویژه ماه مبارک رمضان
- ۷- سفرهای زیارتی قم، جمکران و حضرت عبدالعظیم
- ۸- کلاسهای قرآن ویژه کودکان و دختران ابتدایی و راهنمایی

واحد فرهنگی

مسجد جامع شهرک غرب

تلفن تماس: ۰۹۱۰۲۱۰۵۶۹۳



توجه: پاسخ جدول را از مطالب همین نشریه بیابید.

تحریریه نشریه

۱۱. حرف آخر عبد
۱۲. یکی از ورزش‌هایی که برای سالمندان توصیه نمی‌شود؟
۱۳. نام یکی از نقاشان برجسته سبک فوتوریسم
۱۴. نام نویسنده و پژوهشگری که غیر از حضرت امیرالمومنین علی (ع) برای شخص دیگری نوشت؟
۱۵. آشنایی با قوانین، موجب شتاب آن می‌شود؟
۱. آئین مقدس اسلام توجه ویژه‌ای به چه شخصی (مقطع از زندگی انسان) دارد؟
۲. مقصود از «قرآن الفجر» چیست؟
۳. امام جماعت و هیئت امناء از ارکان تاثیرگذار ... جوانان به مسجد به شمار می‌آیند.
۴. داشتنش نسبت به اهل بیت موجب سعادت در دنیا و آخرت می‌گردد؟
۵. روز شروع خلقت
۶. چیزی که سرنوشت انسان‌ها در آن نوشته شده است؟
۷. اسرار آن مورد توجه شهید ثانی قرار گرفت؟
۸. یکی از شروط اصلی فهم قرآن؟
۹. مقام معظم رهبری در سال ۹۵ به آن تاکید ویژه‌ای داشتند؟
۱۰. مخالف حذر

اسامی برندگان مسابقه جدول نشریه شماره ۷

۱. داوود هاتف معماری
 ۲. فرنگیس رحمتی پور
 ۳. ملکه کاظمی لای
 ۴. ارمین کلانکی
 ۵. تسرین عبدالحسین زاده
- این قرعه کشی به دست حضرت آیت‌الله ماضی تبریزی و حضور برخی از مسئولین مسجد و فصلنامه انجام شد.

به هریک از برندگان مسابقه جدول فصلنامه جامع به قید قرعه مبلغ یک میلیون ریال هدیه داده خواهد شد.

آخرین مهلت تحویل پاسخنامه جدول به دفتر هیئت امناء پایان شهریور ماه می‌باشد.



نام:
نام خانوادگی:
تلفن تماس:

وعدت

۱۲

۹

۳

۵

۷

۴

۶

۱۰

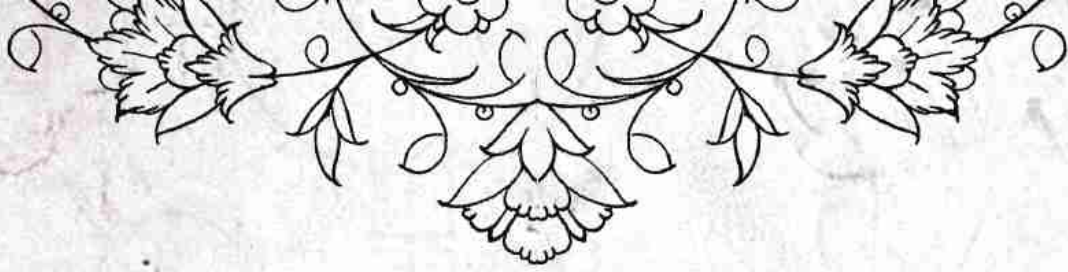
۱۱

۱۳

۱۴

۱۵

۸



ارتباط با ما

خوانندگان محترمی که علاقمند به همکاری با فصلنامه هستند می توانند با تخصص خود و ارسال مطالب قابل استفاده، راهنمای خوانندگان دیگر باشند. در صورت تمایل با ایمیل سردبیر ارتباط برقرار فرمایند.

لطفاً در ارسال مقاله برای چاپ در این مجله به نکات زیر توجه فرمائید.

کلیه صفحات مقاله باید دارای شماره بوده و تعداد صفحات از ۳ صفحه تجاوز نکند.

متن مقاله بایستی به صورت Word به پست الکترونیکی info@masjedjame.com ارسال شود.

• مقاله یا نسخه ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ نرم افزار Microsoft office Word

• حداکثر ۳ صفحه اندازه کاغذ A4

• قلم B Nazanin سایز ۱۲ برای کلمات فارسی و Times New Roman سایز ۱۲ برای کلمات انگلیسی

و فاصله خطوط ۱ تاب و تنظیم شود.

• مشخصات نویسنده یا نویسندگان که شامل نام و نام خانوادگی، رشته تحصیلی، شماره تلفن ترجیحاً تلفن همراه و پست الکترونیکی



انتقادات و پیشنهادات

نام و نام خانوادگی:

تحصیلات:

تلفن تماس:

پست الکترونیک:

Area for providing feedback and suggestions, featuring a large rounded rectangle with horizontal dotted lines for writing.